

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

۹۹

# پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ بهار ۳۰ ریال

## خجسته باد اول ماه مه

### روز همبستگی جهانی کارگران!



## کمون پاریس جاودانه زنده است:

زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا!

"نقلاب برفا فتنکار کارگری ۱۸ مارس، حاکمیت بلامنازع ویی جون وجرای خود را در پاریس مستقرما حت".  
(مارکس - داخلی در فرانسه)  
روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱، کارگران مسلح با ریس با درهم شکستن ارتش ارتجاعی حکومت "نتی میو" پاریس را فتح کرده و با برافراشتن پرچم سرخ بر بالای شهرداری پاریس، برقراری اولین حکومت کارگری را در جهان اعلام کردند صبح روز ۱۸ مارس کارگران قهرمان پاریس، بیورش لشکرهایان حکومت "نتی میو" را بیه "موتن مارتو" با قیام مسلحانه قهرمانانه ای درهم شکستند و با تسخیر ۱۱ عده در صفحه



## سرمقاله

### شعار خلع ید از حزب انحصار طلب حاکم رفر میسم در پوشش "چپ"

در شرایط کنونی، کمتر کسی را میتوان یافت که نگران باورنا شد که اوضاع و احوال محول ویرنظام فعلی، مسئله قدرت سیاسی را به مسئله کلمدی صحنه سیاست ایران تبدیل کرده است. جنبه کلمدی و اساسی بودن این مسئله در این شرایط صرفاً بنا بر قاعده عمومی مبارزه طبقاتی در کلمه حواسع و انقلابات کشورها نیست که مورد ناکند قزار منکبرد، بلکه بویژه حطیت سیاسی دورانی که خامعه ایران از سرمکذرا اند، یعنی از یکوسیر و نه کسترش مبارزه طبقاتی و اعتدالی اعتدالی جنس، واژسوی دیگر عدم ثبات و فروپاشی درونی رژیم سیاسی تضادهای روبه گسترش درونی آن و عفا آرائی قطبهای سیاسی طبقاتی موجود در ایران بچرا ن چند جانبه حاکم بر جامعه این قاعده عمومی را به مسئله ای مشخص، مبرم و عاجل تبدیل میکنند بی جهت نیست که هم اکنون بتتید در صفحه ۲

سال ۱۳۶۰،  
سال بهره گیری از  
تجارب و تعمیق  
جنبش مقاومت  
خلق کرد

## هدف حزب جمهوری اسلامی از "احیاء" کاشانی چیست؟

صفحه ۲۳

## دستمزد و ضرورت مبارزه برای افزایش آن

صفحه ۱۴

## تشدید رقابتهای امپریالیستی در منطقه و سیاست طبقه کارگر

صفحه ۲۱

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

## نقشه از صفحه ۱ سر مقاله...

اغلب میا حنات، مشاجرات و اختلاف نظرهای میان نیروهای سیاسی مختلف، بحول ایمن مسئله کلیدی و اساسی متمرکز و متراکم شده است. بویژه اینکه، تحولات و دگرگونی های صورت گرفته در قدرت سیاسی پس از قیام مهمن ماه، و ترکیب و ماهیت نوین آن از این پس، مسائل بفرخ و پیچیدگی های بسیاری در برابر نیروهای سیاسی قرار داده که ضرورتی با بستن به فراخروتنان و نوسه خویش، به حل و فصل آنها هست می گماشتند. و دقیقاً به همین دلیل است که سرخوردن به قدرت سیاسی و سیاست نیروها در برابر آن را میتوان مهمترین ملاک و محک تمام سز دمکراتیک و سیم بیگرا زنا پیگیر در جنبش انقلابی و دموکراتیک سیم پرولتاریا را از دمکراتیک سیم غیر پرولتری در جنبش کارگری و کمونیستی قرار داد. دو واقعیت نیز در این دوره نشان داد که چنین بوده است. از فردای تلنگیری قدرت سیاسی جدید، بر سر تیر خوردن به دولت، انحرافات متعددی ظهور یافته و با به پای تغییر و تحولات سیاسی جامعه بویژه زیگزاگهای بورژوازی حاکم و جناحهای مختلف آن، این انحرافات تحول و تکامل پیدا کرد، که با به خط صحیح نزدیک شده و با آن فاصله گرفته و تعمیق یافته و بسا در اشکال جدیدتری تجدید حیات کرده اند. همین مسئله، در راس کلیه مسائل ثنوری و عملی بر سر ستریک گرایش ایدئولوژیک، منشاء بسیاری از تداومها و انشعابات متعدد و فرازونشیب های بسیار در درون جنبش انقلابی و کمونیستی گردیده است.

سازمان مجاهدین، بمناسبت به یک نیروی دمکرات و فدا مهربا لیست از همان فردای قیام، حرکت خویش را در برابر رژیم جدید، در ستریک خط مشی انحرافی آغاز نمود، و با زیگزاگهای بسیار ناشی از فرازونشیب های سیاسی جامعه و بویژه قدرت سیاسی، در سیاست و عملکرد خود، در برابر سر دولت، سرانجام و بتدریج بر یک "تحلیل" و "تاکتیک" مشخص استقرار یافت و اکنون در تکامل این "تحلیل" و "تاکتیک"، "شماره مرحله ای" خود را نیز، مبنی بر "خلع ید" از جناح "انصار طلب" رژیم، تعیین نموده است.

سیر تحول و تکامل این سیاستها، در طول این دو سال، آن چیزی نیست که در اینجا مورد بحث و بررسی ما باشد. آن چیزی که در اینجا مورد نظر ما است، همین "شماره مرحله ای" جدید آنهاست که اکنون با به واسطه حرکت و سیاست این سازمان را تشکیل میدهد، چرا که فی الواقع مجاهدین برای اولین بار است که این چنین مریخ و روشن بدو از هرگونه ابهام و ابهام تا کتیک و شمارهای خویش را در برابر قدرت سیاسی، عربان مینمایند و مبنای حرکت خویش را در برابر همگان، توضیح میدهند، کاری که در طول این دو سال کمتر انجام

داده بودند و البته برای این مسئله توجیهیها هم دارند که از جمله "خلعت امنیتی تاکتیکها!" از دیدگاه آنهاست. "آب دیده آنها، یک نیروی انقلابی، گاه ممکن است بنا بر "مما لعی" تاکتیک خویش را بر ملا نکند و در قیاس نیز مثال تاکتیکهای جنگی را در پیش روی ما میگذارد (۱)!" خوب این هم تماماً بیرونفا سر جدیدی از مقوله "تاکتیک" است که مجاهدین، در فرهنگ انقلابی، وارد کرده اند تا بر غنای آن بیافزایند!

علاوه بر این، بر خوردن به این مسئله از آنرو اهمیت دارد، که این شمار، با ظاهر "جسب" خویش یک مضمون و درونما به فرمیستی - لیبرالی را با خود حمل میکند که صرف نظر از بدعت گذاری های نوین در فرهنگ انقلابی جامعه، با تمام بیرونفا سیر فرمیستی و انحرافی سیر حرکت جنبش را نیز به انحراف میکشاند و بر دیگر آن ضربات جبران ناپذیری وارد میآورد. بویژه آنکه این سیاست و تاکتیک انحرافی مجاهدین، بعنوان یک نیروی گسترده دمکرات، متاسفانه تعدادی از نیروهای جنبش کارگری و کمونیستی را نیز بنوعی تحت تاثیر القاشات خود قرار داده است، که آثار روشنانه های آن راز هم اکنون شاهد هستیم.

سازمان مجاهدین پس از یک وقفه در انتشار نشریه "مجاهد" در وجود پیدا نشدن این نشریه را با سیاست افشاگری وسیع بر علیه جناح "سبز جمهوری اسلامی" در هیئت حاکمه، آغاز نموده و با تمرکز تنها جم تلیفاتی و افشاگرانه خود به روی این جناح که دیگر مهمترین ابزارهای قدرت را در دست خویش متمرکز نموده بود، مبارزه بسا "انصار طلبی" را به وجه عمده تاکتیک خود تبدیل نمود. این سازمان در تکامل این تاکتیک، به "شماره مرحله ای" خود نیز دست یافت و در شماره مجاهد شماره ۱۱۲، آن را تئوریزه و فورمول بندی نموده و تحت عنوان "خلع ید از حزب انصار طلب حاکم، نخستین قدم سیاسی در راه نجات"، به سطح جنبش عرضه نمود. این شماره، هر چند کوتاه، اما بنیانهای ثنوریک و ثنولود نظری ایمن شمار انحرافی را، بدست میدهد. از این پس بر روی مختصر آن، میتوان اندما را به این بنیادها و نتایج عملی این شمار، رهنمون سازد. توضیح اینکه محدودیت ستونهای شماره، به ما اجازه نمیدهد که این بررسی را از محدوده توضیحاتی مختصر و فشرده، بیرون مهمترین نکات مورد بحث فراتر ببریم. و از این لحاظ از خوانندگان عزیز بپوش می طلسم.

شماره نشریه مجاهد شماره ۱۱۲، پس از توضیح ضرورت شناخت "علت اصلی" اوضاع نامسا من و ناگوار اجتماعی و سیاسی، در هر مرحله از مبارزه بطور کلی و تا کید بر ضرورت "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" در بارشناسی این "علت اصلی" به تحلیل مشخص "درجا معاً امروز ایران" میپردازد.

برپایه این "تحلیل مشخص"، شماره به ایس نتیجه میرسد که پس از گذشت دو سال از حیات حکومت فعلی، این حکومت نتوانسته است، به نیازهای انقلاب و خلق پاسخ گوید و اکنون در کشاکش این ناتوانی خود، "انقلاب" را به "بست" رسانده است. شماره آنگاه معتقد میشود که مسئولیت اصلی این عدم پاسخگویی و ایجاد بست و وسیعاً بر دیگر مسئولیت اصلی این "اوضاع ناگوار و نامطلوب" بر عهده "جناح انحصار طلب" دولت قرار دارد که با عملکردهای خود باعث "و غامت اوضاع" کنونی گردید و "بست" سیاسی فعلی را سبب شده است بنابراین این "در این مرحله" خارج شدن از این بست و برداشتن سد مانع، راه تکامل انقلاب، مستلزم "کنار زدن" آن از "مسیر پیشرفت انقلاب" است. و از آنجا که انحصار طلبان که "عقب ماندگی" ما هستند آنها را تشکیل میدهد، در "حزب جمهوری" ما دیت یافته اند، بنا بر این "راه نجات" در "مرحله کنونی انقلاب" ما، "در خلع ید از حزب حاکم و عوامل و اباده انحصار طلب آن در کلیه قوا و نهادها کشور" نهفته است و سپس موعظه میکند که کلیه نیروهای انقلابی با ید بسا درک این "ضرورت مرحله کنونی انقلاب" و درک این شمار "کلیه تلاشها و نیروهای خود را در جهت تحقق این ضرورت سمت و سازمان دهند". (۲)

این چکیده مطالبی است که مضمون شماره "مجاهد" را تشکیل میدهد و در واقع خطوط اساسی سیاست و وظیفه مجاهدین را در مرحله فعلی در برابر رژیم سیاسی حاکم و اوضاع کنونی ترسیم میکند.

با اندکی دقت در مابین، مفا هم و خط و ط. ارائه شده در این شماره و بطور کلی در سیاست عملی سازمان مجاهدین در برابر حکومت، بگوئی میتوان در پشت ظاهر "جسب" آن، جوهر درک فرمیستی و لیبرالی این سازمان را از دولت و ماهیت آن، مسئله سرکوب، نمودها و ماهیت آن، سرنگونی دولت و چگونگی شکستن بست کنونی و پیشبرد امر انقلاب، تشخیص داد.

اولین نکته ای که قبل از هر چیز در پاره های ثنوریک سیاست مجاهدین خود را می نمایاند، درک غلط و انحرافی از مفهوم استراتژی و تاکتیک، مخدوش کردن مرزهای آن، و فدا کردن استراتژی در پیش انعطاف تاکتیک و تحلیل مشخص از شرایط مشخص "در هر مرحله تکامل اوضاع سیاسی" جامعه است. مجاهدین بر خوردن به دولت را تا حدیک مقوله تاکتیک تنزل میدهند و بخود این اجازه را میدهند که با مثله کردن دولت که بمناسبت یک مقوله طبقه ای و برای زلسطه طبقه ای یک طبقه بر طبقات دیگر است و جایگزینی یک جناح از هیئت حاکمه، بر جای مابین طبقه ای، بعبه در صفحه ۲۶

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

# جنبش کارگری



## مجاهدین چگونه به مبارزات کارگران کفش ملی برخورد می کنند

نشریه مجاهدین شماره ۱۱۳ ضمن درج خبر مبارزه کارگران کفش ملی خواسته است با صلاح علت حمله و خشونت به ساداران را تحلیل کند مجاهدین با به طوری حرف زده است که گوشتی کل طبقه سرما به دار دشمن طبقه کارگر نیست و بلکه فقط جناحی از سرما به داری ایران یعنی حزب جمهوری اسلامی دشمن کارگران است که به آنها حمله میکند و بخش دیگر یعنی جناح بنی صدر که خودنما بنده سرما به داران لیبرال میباشد اینطور نیست! مگر ما به دمان رفته که بنی صدر ۱/۵ سال پیش به کارگران گفت: «شورایپروما لیدر» و بدین ترتیب خواستار انحلال شورا های واقعی کارگری شد، مگر ما به دمان رفته که افساسی بنی صدر در پائین بسیاری از قوانین ضد کارگری قرار گرفته است؟ البته این اولین بار نیست که مجاهدین چنین برخوردی میکنند، آنها بارها از مدیران لیبرال کارخانه ها، در مقابل انجمن اسلامی با شورای فالانژی حمایت کرده اند! و گاه آشکارا برای مدیریت های ضد کارگری طومار جمع آوری میکنند، آری سیاست طرفداری مجاهد - بین از بنی صدر با یدهم زهمینجا ها سردر آورد! دفاع از جناحی از سرما به داران و نمایندگان آنها (بنی صدر... در مقابل جناحی دیگر (حزب جمهوری اسلامی... و نه دفاع از کارگران در مقابل تمام مالاشی های سرما به دار (یعنی هم حزب و هم بنی صدر). این شیوهی از نمونه های برخورد مجاهدین که نشان میدهد آنها بدلیل ماهیت خرده بورژوازی خود قادر نیستند معنی و مفهوم واقعی کلماتی را که هر روز به با رتکار می کنند درک کنند، آری اینست درک مجاهدین از «استثمار» و «جامعه بی طبقه...» حمایت از جناحی از سرمایہ داران در مقابل جناحی دیگر!

### تحصن کارگران شهرداری

حدود ۳۰۰ نفر از کارگران زحمتکش شهرداری تهران در روز ۲۴ اسفند برای دریافت ماهیة التفاوت حقوق سال ۵۹ در ساختمان مرکزی شهرداری تحصن کرده و مانع خروج مدیرکل امور مالی شهرداری از ساختمان شدند. مقامات مرجع شهرداری کمبود بودجه را برای عدم پرداخت ماهیة التفاوت حقوق این زحمتکشان بهانه کرده اند اما زحمتکشان شهرداری در پاسخ به مدیران مزدور

## نقنگران زندانی آزاد باید گردند!

اطلاعیه مذکور شورای سراسری را میخوانیم: «کارکنان زندانی بجرم مطالبه و پیگیری خواسته های برحق جنگزدگان در زندان بسر میبرند. در طول این مدت دهها با نمایندگان شورای سراسری کارکنان جنگزده به همراه خانواده های همکاران زندانی خود به ادارات مختلف شرکت نفت جهت مذاکره برای آزادی کارکنان زندانی مراجعه نموده اند. مسئولین جزو عده و عیددان کار دیگری نکردند. جالب اینجاست که مسئولین مراحتا حرفهای قبلی خود را پس گرفته و اقرار نمودند که قبیه در صفحه ۱۵

حدود سه ماه از دستگیری ۳ تن از نمایندگان کارکنان جنگزده صنعت نفت میگذرد. کارگران صنعت نفت در جریان مبارزه برای آزادی نمایندگان نشان بیش از پیش به ما هیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی وفیادو گنبدیگی ارگانهای آن پی بردند. «شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خونین - شهر» در اطلاعیه شماره ۱۱ خود طی گزارشی پوره از بنادبایه های مقامات دولتی و ضدیشان با کارگران بر میدارد. که خود نشانگر شد آگاهی طبقاتی کارگران و بی رنگی حنای رژیم برای قریب کارگران میباشد. در زیر خلاصه ای از

## هیئت ۵ نفره وزرا و "شورا"، متحد بر علیه کارگران ذوب آهن

کارخانه نمیدود و دیگری این عمل را مقرون به - صرفه نمیدانست و در این میان زندگی هزاران کارگر با ختمانی با زبجه سودا بین آقا با ن قرار گرفته بود. یکی دیگر از «شا هکارهای» هیئت مذکور، متوقف کردن انتخابات نیمه کاره شورا بود. این مرتجعین از ترس ورود افراد انقلابی به درون شوراها، به بهانه تعیین ضوابط کار شوراها توسط مجلس، انتخاب شورا را به تاخیر انداختند. این خاشننن به طبقه کارگر حترتی حاضر نبودند طرحهای افزایش ضریب ۸۰ به ۱۰۰ حقوق، طبقه بندی مشاغل و... را بپذیرند و برای تمامی اینها مسئله جنگ را بهانه قرار میدادند.

شورای اسلامی کارکنان میخواهد دل کارگران را به "بالا" خوش کند، هیئت ۵ نفره و نظایران هدفی جز قریب کارگران ندارند. بنا بر این کارگران در مبارزه شان بر علیه سرمایہ داری میباشد نوکراتی چون انجمن ایلامی و شورا های فرما بیی را با تشکیل شورا - های واقعی خود در هم بکوبند.

(به نقل از "پیکار فولادگر" شماره ۵، حوزه ذوب آهن سازمان)

شورای اسلامی کارکنان بهره برداری طی نامه ای از هیئت ۵ نفره وزرا (احمدزاده، نعمت - زاده موسی خیرود و تن دیگر) خواسته بود تا برای "رسدگی به مسائل و مشکلات تولید کارخانه و گرفتاریهای مردم و با سخگویی به سوالات و خواهشهای کارکنان" به کارخانه بیایند. شورا که ما هیئت ضد کارگری دارد، دست - نشانده دولت بوده و با طرح خواهشهایی چون "تعمین قانون شوراها توسط مجلس شورای اسلامی و جابجایی قانونی کارکنان"، بیش از پیش ما هیت خیانت کارانه خود را بنمایش گذارد. و اما هدف از دعوت هیئت ۵ نفره چه بود؟ مسئله اخراج کارگران ساختمانی مدتی است که فکر تمامی کارگران را بخود مشغول کرده بعد از فاش شدن صحبتهای مخفی هیئت مذکور با مدیران ذوب آهن کارگران پی برده - اند که مدیران بدنبال فرصت مناسبی برای عملی کردن این هدف ضد کارگری خویش میباشد نقش شورا نیز در این میان برده پوشی این واقعیت و لجن پراکنی بر علیه کارگران مبارزی که به افشای این توطئه میپرداختند، بود. در جلسه مذکور اختلاف نظراتی بر سر گسترش یا عدم گسترش کارخانه بین احمدزاده و نعمت زاده وجود داشت که بکطرف کسب سود بیشتر در گسترش

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

## از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟ (۵)

استعفا داده بود، بسرکار با زکشت و اعمال ضد کارگری خویش را ادامه داد. از جمله کارگران را همچون بسیاری از کارخانجات دیگر، وادار به قبول قطع نامه بهانه کمک به جبهه میکنند. از طرف دیگر با کم شدن ساعات کار تا یک بعد از ظهر، و ثابت ماندن تولید، شدت کار را افزایش میباید و فشار بیشتری بر دوش کارگران وارد میشود این اعمال گرچه با اعتراضاتی از سوی کارگران مواجه میشوند ولی نتیجه‌ای برای کارگران به همراه نداشته است.

کارگران این کارخانه که در اشراف‌گرانی سرپا م‌آورده با محتاج شدن خواهان افزایش حقوق مسکن، حق اولاد، اضافه دستمزد و... میباشند و دلیل عمده نتوانسته اند مبارزات خود را متعادلانه به پیش برند؛ نخست آنکه کارگران همانند بخش بزرگی از توده‌های خلق، با پی بردن به ماهیت اجتماعی دارودسته "حزب جمهوری اسلامی"، بعزت عدم آگاهی طبقاتی، نسبت به لیبرالها و بخصوص بنی صدر چاروهمانند، در صورتیکه گذشته از آنکه بنی صدر لیبرالها در مقامی جنایات و سرکوبگریها بر رژیم، دوشادوش حزبها عمل میکرده‌اند در رابطه با خواستهای کارگران کارخانه‌های آباد نیز همین دفتر صنعتی بنی صدر بوده که با خواست دریافت یک شیمان برای هر کارگر مخالفت کرد. همین بنی صدر عموماً مغرب بود که فریاد "شورا" بی شورا "و بدین ترتیب کوشید تا کارگران را از تشکیل مبارزات تیشان محروم سازد. امروز کارگران نتوانند به ماهیت ضدکارگری دو جناح رژیم پی برده و به افشای هر دو آنها بپردازند، مبارزاتشان سرانجامی جز شکست نخواهد داشت نکته دوم مسئله ضرورت تشکیل شورای واقعی کارگران است که میبایست با افشای ساختارهای "شورای" موجود پیش برده شود. با بدین طرز است که طبقه کارگر جز تشکیل و سازماندهی سلاخی ندارد و یکی از تشکلات اولیه کارگران در کارخانجات همین شوراها (در واقع سندیکاها) است. (سرخ) میباشند که هم کارگران را در رسیدن به خواسته‌هایشان باری میکنند و هم زمینه را برای بسالارفتن آگاهی طبقاتی کارگران و ایجاد تشکلات عالیتر طبقه کارگر فراهم میسازند.

شود) اصل قضیه سودویژه ما ستامالی شد. البته جالب است بنیاد دستمغفین (بنیاد جدید پهلوی) با دادن همین هم مخالفت کردند و گفتند بجز دو ماه عیدی و پاداش هیچ وام دیگری داده نخواهد شد. بعد از آن مبارزه بصورت کم‌کاری و اعتصاب قسمتی ادامه داشته است و بنیاد دینیز در مورد وام عقب نشینی کرده و موافقت نمود.

### الف: رشته اتومبیل سازی

#### ۵- کارخانه زامیاد (ولو)

کارکنان این کارخانه حدود ۲۰۰۰ نفرند که بتولید "نیسان"، کمپرسی، تریلر مشغولند. کارخانه توسط هیئت مدیره‌ای اداره میشود که بجز یک نفر که اخیراً وارد شده و وابسته به حزب جمهوری است، بقیه مدیران لیبرال میباشند. کارگران غالباً تاکنون به ماهیت ضدکارگری مدیریت پی برده اند و با مشاهده سازشکاری و ناتوانی شورای کارخانه، روز بروز بیشتر اعتماد خویش را نسبت به آن از دست میدهند.

از مدت‌ها قبل یکی از خواسته‌های کارگران دریافت یک وانت نیسان برای هر کارگر بود. این خواست کارگران با مخالفت مدیریت مواجه گردید و لذا کارگران با کم‌کاری خود تولید را به ۲ الی ۵ شیمان در روز کاهش دادند. این حرکت کارگران از طرف وزارت صنایع و معادن و "دادستان کل انقلاب" محکوم شد. آنها خواهان لغو این خواست کارگران و ادامه تولید بر اول عادی بودند. اما مبارزات کارگران ادامه داشت و در جریان آن کارگران پی میبردند که ماهیت مدیران، صنایع و معادن، وزارت کار، دادستان کل انقلاب و... یکی بوده و همگی در خدمت سیستم سرمایه‌داری وابسته و بر ضد کارگران میباشند. علیرغم مخالفت نماینده کمیسیون صنعتی بنی صدر با خواست کارگران، آنها قولتار ملاقات با خود بنی‌صدر بودند تا اینکه با روی گسار آمدن دولت رجایی، تمامی مسئله بعنوان مسأله ای تازه از جانب نخست‌وزیری شناخته شد و مذاکرات قبلی باطل اعلام گردید. کارگران که از این پاسدادنه‌های مسئولین رژیم و با چه قراردادن مناقشان توسط آنها، به تنگ آمده بودند، شروع به اعتراض کرده بودند اما با شروع جنگ، تحت تاثیر جو شوونیستی بوجود آمده دنبال کردن خواست کارگران به بعد از جنگ موکول شد در طول جنگ کارگران مجبور شدند تولید کارخانه را به ۴۰۰ عدد اتومبیل در روز برسانند مدیریت که قبلاً برای فریب و تهدید کارگران

فرما و عدم طبعیت شورا روحیه مبارزاتی را سرد میکرد. و از طرف دیگر مدیریت از این حرکت کارگران که قرار بود انجام شود ترسیده و خواستار مذاکره با شورا شده بود که به همین خاطر عکس‌العمل کارگران تا بعد از مذاکره به تعویق افتاد. در مجمع عمومی با قبول شدن ۴۰۰ تومان وام و یک تلویزیون (بصورت قسطی تا در بیرون فیخته



اعلام داشتند که: "اگر بودجه نیست چرا فقط برای ما نیست و برای بقیه هست" علیرغم تبلیغات ارتجاعی و سرکوبیکه مقامات رژیم جمهوری اسلامی و بویژه شهردار مرتجع در مورد کارگران شرکت وادیرا دارنداختند، کارگران زحمتکش شهرداری برای دریافت جزئی از حقوق خود دست به مبارزه میزنند.

### مبارزات کارگران فیلیپس برای کسب سود ویژه

روزی گذشته ۵۹/۱۲/۱۰ مجمع عمومی کارگران کارخانه فیلیپس برای سودویژه تشکیل شد. ابتدا شورای کارگری نتیجه مذاکرات خود را با مدیریت پیشین دادی را که به آنها کرده بودند با کارگران در میان گذاشتند. خواستهای شورا عبارت بود از: پرداخت ۲ ماه اضافه‌کاری ماههای بهمن و اسفند هر ماه ۱۱۰ ساعت، ۲ ماه سودویژه با حقوق و مزایا و یک تلویزیون ۱۴ اینچ که به تمام کارگران داده شود. اما هیئت مدیره تنها حاضر بود ۲ عدد تلویزیون با قیمت عمده فروشی به کارگران بدهد، فقط همین! و یکی از کارگران گفته بود ما دلال نیستیم و حاضر نیستیم سودویژه خود را از مصرف کننده بگیریم، شرکت نباید آنرا بدهد، کارگر دیگری پیشنهاد جلوگیری از خروج تلویزیون را داد و با استقبال کارگران مواجه شد، "جاویدان" مدیر عامل مزدور در کوشش خود برای جلوگیری از تحصن و اعتصاب و مانع فروش شدن کارگران را برعکس جری ترمیکرد کارگران میگفتند ما میدانیم کارما غیر قانونی است ولی ما میخواهیم نشان بدهیم قانون دولت را قبول نداریم یکی از کارگران نیز گفت "ما میخواهیم با اینکار رتوی دهن دولت بزنیم" کارگران با شور و شوق کارهای دولت و مدیران را افشا میکردند. در آن جلسه در مورد اینکه از خروج جنس جلوگیری شود قرار شد رای گیری شود ولی عوامل کارفرما جلسه را مختل کردند و قرار شد که روز بعد در این مورد تصمیم گیری شود. روز ۵۹/۱۲/۱۱ فداشان اکثریت این خاشنین به طبقه کارگر بر علیه مبارزات کارگران سمپاشی میکردند و میگفتند بنیاد در دوروی دولت قرار گرفت و اکنون با بدبیا آمریکا مبارزه کمسرد. کارگران نیز در جواب میگفتند مبارزه با آمریکا یعنی همین مبارزه علیه سرمایه داران. بهر حال کارکنی اکثریت آنها علاوه بر توطئه عوامل کار-

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

**اعلامیه سید عزالدین حسینی**

**در باره ۵: واقعه ناکوار روز**

۵۹/۱۲/۷ بوکان

بسم الله الرحمن الرحيم  
"واتقوا فتنة لا تصيبن الدين ظلموا منكم خاصة"  
(برخورد با شیدا زفتنه انگیزیهایی که عواقب  
آن تنها سنگرانتان را دربر نمی گیرد.)  
(قرآن کریم)

مردم مبارز بوکان! خلق رزمنده و مستعدیده کرد! حمله مسلحانه به مقر پیشمرگان سازمان پیکار در بوکان در روز ۵۹/۱۲/۷ را که منجر به شهادت و زخمی شدن عده‌ای از پیشمرگان جنبش مقاومت گردید، محکوم می‌کنم. این عمل فدا ناسنی، ضد اسلامی و ضد دمکراسی که تنها در خدمت ارتجاع و هیئت حاکمه سرکوبگر بوده است، ضربه‌ای به



**خلق ها و مسئله ملی**

**حادثه تأسف آور انفجار در مقر کومله و شهادت ۶ پیشمرگ انقلابی کومله**

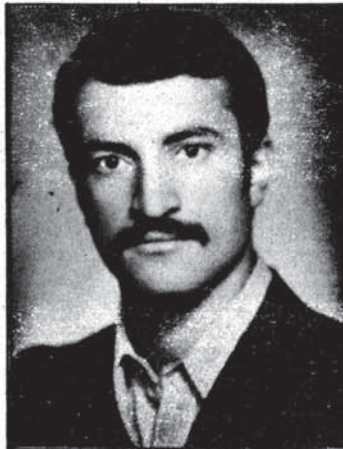
کامباران - روز ۲۷ اسفند - ۱۱/۵ صبح - در اثر انفجار یک جمعه دینامیت در مقر کومله ۶ تن از پیشمرگان قهرمان کومله شهید و ۵ نفر دیگر از آنها مجروح شدند. این فاجعه اسفناک تمام پیشمرگان انقلابی و زحمتکشان آبادی عزیز آباد دوناوسی ترا بشدت اندوهگین نمود. بلافاصله بعد از انفجار، اهالی زحمتکش محل از زن و مرد و بیرون جوان خود را به محل حادثه

رسانده و به کمک پیشمرگان انقلابی شتافتند. مردم زحمتکش که پیشمرگان انقلابی را فرزندان خود عزیزتر میدانند با دستهای پیسته بسته خود خاک و سنگ و جویسها را کنار میزدند تا پیشمرگان زخمی را از زیر آوار بیرون آورند. کمکهای بی دریغ و خستگی ناپذیر زحمتکشان آبادی بعد از حادثه، بهنگام تدفین شهدا و انتقال محرومین به آبادیهای اطراف را دیگر بیوند عمیق

رفیق شهید طاهر ابراهیمی



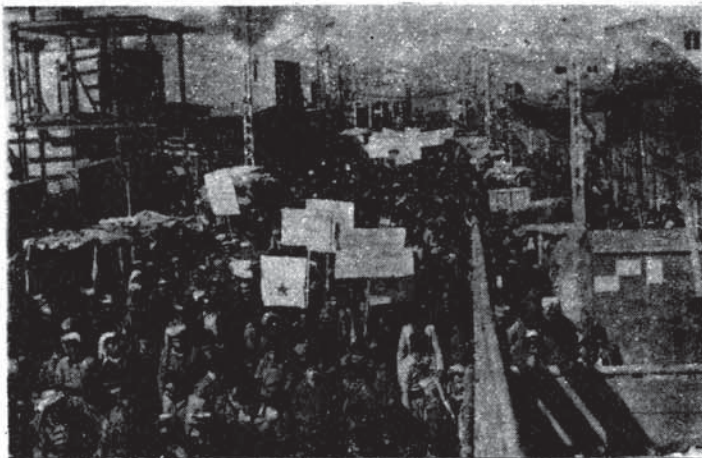
رفیق شهید محمود ابلاغیان



**گرامی باد خاطرۀ پرشکوه  
پیشمرگان کمونیست که  
بدست حزب دمکرات  
به شهادت رسیدند  
رفیق شهید باقی خیاطی**



گوشه‌ای از تشییع جنازه رفیق شهید پیکارگر کمونیست در بوکان در تاریخ ۵۹/۱۲/۹ در این تشییع جنازه هزار نفر از زحمتکشان شرکت نموده و با شرکت خود نفرت خود را نسبت به جنایت حزب دمکرات ابراز داشتند و یکبار دیگر اراده خود جهت ادامه راه سرخ شهدای کمونیست به نمایش گذاشتند.



**حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست**



جنبش مقاومت خلق کرد و فضای دمکراسی انقلابی کردستان، ولطمه‌ای بر پیوند جنبش عادلانه ما با مبارزات سراسری خلقهای ایران، بشمار می‌رود. مفت با رز جنبش عادلانه خلق کرد، وجود دمکراسی وسیع و انقلابی در کردستان است و افتخار بزرگ ما در این است که در شرایطی که خفقان فاشیستی هیات حاکمه جمهوری اسلامی سراسر ایران را فرا گرفته است، در کردستان، آزادیهای دمکراتیک، آزادی بیان و قلم و سازمانهای سیاسی، آزادی بیان و قلم و اجتماعات، تاکنون از تعرض و سرکوب محفوظ مانده است. به همین دلیل است که در سراسر ایران، کردستان را به نام مستکثران دکان نام می‌برند. آیا شعار "دمکراسی برای ایران و خود - مختاری برای کردستان" را میتوان غیر از این تعبیر کرد؟ از این پس نیز، تنها با حفظ این سنت انقلابی و دمکراتیک یعنی آزادی و تحمل بینش‌های متفاوت سیاسی - که خونبهای شهدای پیشما در کردستان و ایران، و دستسازورد گرانبهای قیام ۲۲ بهمن و جنبش مقاومت خلق کرد است - میتوان چهره انقلابی و عادلانه جنبش کردستان را همچنان محبوب و مستور و پشتیبانی خلقی و آزادیخواهان سراسر ایران و جهان نگاه داشت.

بدین منظور - چنانکه بارها و بخصوص در بیانیه دوم بهمن ماه ۵۹ (دووی ربه نسدان) اعلام کرده‌ام - سازمانهای سیاسی در کردستان باید اختلافات خود را از راههای سیاسی و بدون توسل به زور و اسلحه حل کنند. لذا وظیفه خود و همه مردم آزادیخواه و مبارز کردستان میدانم که در هر شرایطی، در مقابل تعرض به دمکراسی مقاومت و مبارزه کرده و از تکرار چنین اعمال ضد انسانی جلوگیری بعمل آورند. یقین دارم که خلق قهرمان و بیباک ساخته کرده‌اند اینگونه وقایع خونین و جانگذا را هرگز نخواهند بخشید.

من به بازماندگان شهدای واقعه ناگوار ۵۹/۱۲/۷ سوکان صمیمانه تسلیت میگویم و از حزب دمکرات کردستان ایران درخواست میکنم که:

- اول - زخمی ها و دستگرددگان واقعه را فوراً آزاد کنند.
- ثانیا - عادلان این واقعه ضد انسانی و ضد دموکراسی را شدیداً مجازات نماید.
- ثالثا - موضع آن حزب و نتیجه اقدامات خود در این زمینه را به اطلاع عموم برساند.
- والسلام علیکم ورحمه الله - سید عزالدین حسینی

### حزب دمکرات همچنان به آزادیهای دموکراتیک مردم کردستان پیورش می برد

۵۹/۱۲/۱۶ - در این روز یکی از هواداران کومله که تعدادی اعلامیه و نشریه به همراه داشت در روستای "کتیکه" توسط افراد مسلح حزب دمکرات دستگیر و مورد تفتیش قرار گرفت. افراد حزب، زانو بر زمین زدند؛ اعلامیه‌ها را از کف آویزیدند و قتیکه رفیق هوادار در پاسخ گفت که آنها را از مقر کومله در سوکان آورده‌ام. هوادار کومله هتم، مورد ضرب و شتم آنها قرار گرفت و او را به روستای "خلیفان" فرستادند.

در آنجا یکی از مسئولین حزب با ما همدگه اعلامیه‌های کومله، رفیق هوادار را مورد توهین قرار داده و او را کتک زد. سپس دست و پايش را بسته و زندانی کردند و مجدداً به کتک کاری وحشیانه‌ی او پرداختند. هوادار کومله شب را بدون غذا در یک اتاق گذراند.

فردای آن روز وی را از زندان بیرون آورده و با ردیگر به اذیت و آزار او پرداختند. وقتی آزادی او را موکول به خودداری از بخش اعلامیه کومله نمودند، در پاسخ گفت که، "حتی اگر بخوایم این را اعدام کنیم، از هواداری کومله دست برنخواهیم داشت."

هنگامیکه مردم روستای "خلیفان" از دستگیری هوادار کومله آگاه شدند، به نشانه اعتراض به اسارت رفیق هوادار توسط افراد حزب، به مقر آنها رفته و آزادی وی را درخواست کرده و سرانجام با فشاری خود او را آزاد کردند.

در ضمن افراد حزب کلیه اعلامیه‌های رفیقمان را آتش زدند.

در روزهای اواخر بهمن ماه در روستای "قله لاتی موتاوی" واقع در ۶ کیلومتر سری پیرانشهر، افراد مسلح حزب دمکرات یکی از هواداران کومله را که اعلامیه و خبرنامه جهت توزیع همراه داشت، به مقر خود برده و پس از بازجویی وی را مورد اذیت و توهین قرار دادند. هواداران کومله در مقابل آنها مقاومت کرده ولی به علت آنکه تعداد افراد حزب زیاد بود، سرش ریخته و با قنداق تفنگ او را بشدت زخمی نموده و سپس بر دستهایش دستبند زده و زندانی کردند.

در تاریخ ۵۹/۱۲/۸ - پیشمرگان حزب دمکرات در روستای "ده شتی قوری" از توابیع پیرانشهر، تراکتوری را که در حال حرکت بود، با تیراندازی متوقف و راننده اش را که هوادار کومله است، کتک کاری نموده و در حال بی‌هوشی او را رها کردند. اهالی روستا بعد از اطلاع این جریان به جلومقر حزب رفته و به آنها اعتراض کردند. افراد حزب جلومقر و بروی مردم سنگر

### دشمن زیر ضربات پیشمرگان کومله

در این روز مزدوران رژیم پیشمرگان کومله (پل شهیدان) را در آبادی تازه آباد محاصره میکنند. بین آن‌ها و پیشمرگان درگیری آغاز میشود که در لحظات اول درگیری چهار رتاش نفر از مزدوران به هلاکت میرسد پس از آن پیشمرگان حلقه محاصره شکسته و دشمن را از بیرون روستا مورد حمله قرار میدهند. بعد از آمدن نیروی کمکی دشمن از پایگاه "سی کهره" شدت درگیری به اوج خود میرسد و تعداد تلفات دشمن افزایش می‌یابد. نیروهای دشمن عاقبت در حالیکه که نمیسوا بسدحتی اجساد خود را جمع کنند عقب نشینی میکنند، تعداد تلفات دشمن ۱۸ کشته و عده زیادی زخمی بودند. متأسفانه در این درگیری یکی از پیشمرگان قهرمان و زحمتکش کومله، ساکاک کریم نیک بی (کریم شه علسی) شهید مسود.

ادش گرامی باد (اخبر جنبش ۹-سنندج)

### بقیه از صفحه ۵ حادثه...

زحمتکشان کردستان را با پیشمرگان انقلابی به اشبات رسانند. بعد از آن 'نقجا ر سردم و پیشمرگان آبادیهای اطراف محض الملاح از جریان، همراه پزشک و دارو به کمک ممدومیدین شناخته و تا پاسی از شب به مداوای مجروحین، جمع آوری و سایر، تشییع جنازه و انتقال زخمی - ها و نگهبانی مشغول بودند.

پیشمرگان انقلابی که در این واقعه تا سف‌آور بشهادت رسیدند عبارت بودند از رفقا:

- زحمتکش مبارز، "عبداللہ قادری" اهل - همل
- "غیاث" مسئول نظامی کامباران
- کارگر مبارز، کاک کمال صلواتی، اهل سنندج
- کارگر مبارز، کاک رضا جلانی، اهل و شترمل
- کارگر مبارز، کاک یعقوب اهل سنندج
- زحمتکشان انقلابی، کاک مهران فخرالعلمائ
- اهل سنندج

زحمتکش مبارز، کاک محمد اهل نجف آباد؛ ماضن گرامیداشت خاطر ه این رفقای شهید به خلق کرد و رفقای کومله تسلیت گفته و بییمان می بندیم که راه پیشمرگان انقلابی شهیدرا که راه‌های خلق کرد از دست و استمارا ست تا آخرین قطره خون ادا مدهیم.

درود بر رفقای شهید، پیشمرگان انقلابی کومله و تمامی شهدای جنبش مقاومت خلق کرد!

گرفته و تیراندازی‌های هواشی نمودند. چند روز بعد از این وقایع سه نفر دیگر از اهالی روستا را به خاطر اعتراض به این عمل حزب دستگیر کردند. (خبرنامه کومله شماره ۱۱۷)

## پیروزی باد جنبش مقاومت خلق کرد

### کلاس تقویتی یا کلاس سمپاشی علیه انقلابیون و کمونیستها؟!

رژیم جمهوری اسلامی که خود را ناسوان از سرکوب جنبش مقاوت خلق کرد میبیند، و از سوی دیگر شاهد شرکت دانش آموزان انقلابی در جنبش مقاوت بوده و با حمایت روزافزون جنبش انقلابی دانش آموزان کردستان از نیروهای انقلابی و کمونیست مواجه است، با استفاده از مزدوران خود بطور همه جا نرسیده انقلابیون و کمونیستها در مدارس به تبلیغ میپردازند. از جمله حدود سه ماه است که یکی از معلمان "مکتبی" مدرسه را همنا می طالقانی در قروه بنا مدارپوش رحیمی، ظاهرا یک کلاس تقویتی برای دانش آموزان راه انداخته است که در امل در تاجا علیه نیروهای انقلابی و کمونیست سمپاشی میکند. اما هدف کمینیم که این فرد در زمان رژیم شاه حدود ۴ سال تلفنجی با واک بوده و از طریق سنا واک دبلیلم گرفته و به استخدام آموزش و پرورش درآمده است و درست در شرایطی که جنبش خلقهای ایران بر علیه رژیم شاه اوج میگرفت، این عنصر خود فروخته در مدرسه طالقانی به سرکوب تظاهرات دانش آموزان و دفاع از رژیم شاه برخاست. حال رژیم جمهوری اسلامی این مزدور را به خدمت گرفته



تا همچنان به اعمال تنگن خود ادامه دهد. اما رژیم از این طریق همقا در نیست از بیوستن دانش آموزان به جنبش مقاوت خلق کرده و حمایت آنها از پیشمرگان انقلابی و کمونیست جلوگیری

### ناکامی فخرالدین حجازی در ایتالیا

بدنیال سفر هیئت های تبلیغی رژیم به کشورهای امپریالیستی، فخرالدین حجازی چاپلوس رژیم شاه و رژیم کمونیستی نیز به ایتالیا رفت. اما برنا مه های سخنرانی وی در شهرهای ایتالیا، به همت فعالیتهای افشاگران سازمان های کمونیستی و انقلابی دانشجویی ایرانی،

از جمله "اتحادیه جهانی دانشجویان هوا دار سا زمان پیکار" بهم خورده و مداح "مکتبی" رژیم شاه و جمهوری اسلامی، بنا که از عدم اجرای سخنرانی به ایران بر میگردد.

### حمله عوامل رژیم به دانشجویان مبارز خارج از کشور

روزشنبه ۵۹/۱۲/۹، عوامل حزب جمهوری اسلامی با برنا مه ای از پیش طرح ریزی شده به بساط فروش نشریه و کتاب "اتحادیه جهانی دانشجویان" هوادار سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در کوی دانشگاه پاریس حمله میکنند که با مقاومت و افشاکری هوادار سا زمان و سایر نیروهای انقلابی روبرو میشوند. در این درگیری عده ای از روبرویونیستهای خائن تسوده ای و "اکثریت" فعالان در کنار برادران "حزب الهی" خود در حمله به دانشجویان انقلابی شرکت داشته و به همراه آنها ن شاعر "مرگ بر پیکار، مرگ بر کومله" را تکرار میکنند. اما رفقای هوادار پارتی پستیانی دیگر دانشجویان کمونیست و انقلابی به افشای رژیم جمهوری اسلامی و دیسه های مزدوران آن پرداختند و مرتجعین و ساران جدیدشان را افشاکردند.

### در حالیکه سرداران جمهوری اسلامی زحمتگان را با مساختن با نان و غیرت فویق میکند بنیاد مستضعفان پاداش ۳۶ هزار تومانی میدهد!

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی کارگران مبارز شرکت و احزاب "جرم" مبارزه برای بدست آوردن بخشی از حقوق خود (پاداش، عیدی، ...). سرکوب مینما بدو اخراج و زندانی میکند. در شرایطی که کارگران دلاور "گش ملی" بخاطر خواستهای بحق شان بدست پاسداران سرما به به گلوله بسته میشوند. در حالیکه شب و روز بلندگوهای تبلیغاتی رژیم زحمتگان ایران را به "تولید بیشتر و مزد کمتر" و ساختن با زندگی دشوار و... دعوت میکند "بنیاد مستضعفان" که میلیونها تومان دسترنج زحمتگان را در اختیار دارد فقط با یک "حکم" در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۱ به فرد مرتجعی بنا مبهرام سلطانی تهرانی (با شماره پرسنلی ۱۲۶۷) ۴۶۰۰۰ تومان بعنوان پاداش پرداخت میکند. در رژیمهای ارتجاعی چون رژیم جمهوری اسلامی چنین منطقی حاکم است حقوقهای کلان ۲۲۷۵۰ تومانی برای مرتجعینی چون غرضی

توده ها شبکه ها فربه شرکت در جنگ نیستند اما به میدهند. سند زبانشان میدهد که "بنیاد مستضعفان" حقوق افراد منقذی خدمت ۵۶ را که حاضر نیستند به "گوشت دم توب" سرما به داران تبدیل شوند قطع کرده است. منطق رژیمهای ارتجاعی نمیتوانند جز این باشد.

استاندار "مکتبی" خوزستان (پیکار ۹۶)، پاداش ۳۶ هزار تومانی از دسترنج زحمتگان در ازای "خوش رقی" برای جمهوری اسلامی و گلوله و زندان برای کارگران و زحمتگانی که شبوروز در مقابل مزدنا چیزی عرق میزنند!

### گوشت دم توب سرمایه داران، یا محرومیت از حق نان خوردن!!

از آغا جنگ ارتجاعی کنونی، رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات گسترده و عوامل فربه ها کوشیده است تا در جهت رسیدن به هدفهای ارتجاعی - اش جوانان مینما را به جبهه ها بفرستد. بنی صدر مرتجع ادعا کرده که با یک فراخوان او بگروه "دهها هزار" نفر برای اعزام به جبهه "دا و طلب" شدند. اما واقعیت اینست که فرزندان زحمتگان با کسب آگای وی بی بردن بنا هیئت این جنگ ارتجاعی که هیچ نفی برای زحمتگان ایران و عراق ندارد، از شرکت در جنگ خودداری کرده و به مورثهای مختلف اعتراض خود را نسبت به این جنگ تعمیلی غیر عادلانه بیان داشته و میدارند. با گذشت عمارت از این جنگ ارتجاعی، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی همچنان به وارد کردن فشار و تضییقات گوناگون بر علیه

بنیاد مستضعفان  
جمهری اسلامی ایران  
تاریخ: ۵۹/۱۲/۱۲  
شماره: ۸۰۷۵۲۵۴  
تلفن: ۸۰۰۲۶۹۱  
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۵۶  
مقر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۵۶  
مقر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۵۶  
مقر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۵۶  
مقر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۵۶

## دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

### اعتصاب غذای فرزندان مبارز زحمتکشان در زندان

دختر ۱۵ ساله‌ای به‌عنوان «فدترکست» در راهبانی و خروج از مدرسه بدون اجازه پدر و مادر و محکوم به سربسند ساعت در زمان شروع راهبانی به ۳ سال زندان محکوم شده است. سما سنده آوارگان کعب «تاما هبترکه دختر جوانی است به‌حسب اعلام محکوم شده است.»

۷ تن از فرزندان زحمتکشان که در روز ۲۱ بهمن در ماه هبتره به‌عنوان «فدترکست در راهبانی» هواداران سازمان سبکا در راه آزادی طبقه کارگر در ماه هبتره مناسبت سالگرد قیام، ساز - دانت و تندیس و توسط اراکی حلال (حاکم سرگ ماهبتر) و مزدوران «سرمبز» و «معدنی» به‌حسب جناسی طولانی مدت محکوم گشتند. همگی چون در زندان احوال در اعتصاب غذا بسر می‌برند.

هفته گذشته در زندان کاهک آمده انقلاب سبکی از

این فرزندان زحمتکشان را که دختر ۱۵ ساله‌ای است تنها به‌عنوان «فدترکست در راهبانی» و خروج از مدرسه بدون اجازه پدر و مادر و محکوم به سربسند ساعت در زمان شروع راهبانی به ۳ سال زندان محکوم شده است. سما سنده آوارگان کعب «تاما هبتره دختر جوانی است به‌حسب اعلام محکوم شده است.»

دو سرجوان به‌عنوان «فدترکست در راهبانی» و مورد یک وطن فرار گرفتن، هر یک به‌سبب سال جنس محکوم شدند. یکی دیگر از زندانیان مرد به دلیل عدم تحصیلات لازم بلا تکلیف اعلام شد و تا اواخر ماه سنده آوارگان کعب «تاما هبتره» که دختر جوانی است به‌عنوان «فدترکست در راهبانی» و «سما سنده» و «سما سنده» و «سما سنده» در اجتماع کارگران به‌حسب اعلام محکوم گردید.

و اینکه این فرزندان انقلابی خلق در زندان دست به مبارزه زده و با اعتصاب غذای چهارماتانه خود، زندان را به عرصه دیگری برای مبارزه

بندیل کرده‌اند. آنها می‌خواهند با اعتصاب غذای خود به مردم بگویند که در سبکا دگا هبتره رژیم جمهوری اسلامی حاکم «دالانه‌ای» اما درمی - شود و کسای در زندان به رژیم محسوسند. این زندانیان امروز به‌عنوان انقلابیون شده است که به‌بوعی کوشیده‌اند مردم را به ضد مردمی بودن این رژیم آگاه سازند با بنوعی در مبارزات آنها شرکت کرده‌اند.

البتة رژیم می‌کوشد تا مرفق به‌خون زحمتکشان و کارگران، به‌خون فرزندان دلاور خلق کرده و خون انقلابیون و کمونیست‌ها آلوده است چرا این انتظاری نیست.

زندانی سیاسی انقلابی به‌همت توده‌ها آزاد باید گردد!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

۱۳۶۵/۱/۱

سخنی از اعلامیه سازمان سبکا در راه آزادی طبقه کارگر - تشکلات فوزستان

### سرازی شدن کالاهای امپریالیستی به ایران

امپریالیسم آمریکا خریداری نموده است. ورود کالاهای امپریالیستی به ایران در خدمت تشدید وابستگی به امپریالیسم بوده و هوی عوام فریبانه رژیم امپریالیستی «خودکفاشی» و «عدم وابستگی» نقش بر آب می‌شود. این وابستگی و انقیاد یکبار دیگر نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها خدا امپریالیست نیست، بلکه خدمتگزار امپریالیسم جهانی است. آری رژیمی که کالاهای امپریالیستی را وارد می‌کند، قراردادهای اسارت با رجید می‌بندد و توده‌ها را در زحمتکش ایران را سرکوب می‌کند هرگز و هرگز نمی‌تواند خدا امپریالیست باشد.

از گمرک بازرگان (مرکز ترکیه) هم - دوره تعداد بسیاری کامیون حامل کالاهای کشور های امپریالیستی و سرمایه‌داری سوی شهرهای ایران برای برمی‌گردد. برای آوردن این کامیونها به شهرها و شهرستانها، علاوه بر کارمندان گمرک، از مامورین کار گمرک نیز استفاده می‌نمایند و روزانه ۲۵۰ تومان حق ماموریت به آنها داده می‌شود.

محموله‌های این کامیونها گندم از آمریکا، مواد غذایی از سلوک شرق و شمال، فریزر، لوازم برقی، لوازم خانگی، ماشین آلات صنعتی، لوازم بدکی، لاستیک از آمریکا، ژاپن، آلمان غربی و دیگر کشورهای امپریالیستی می‌باشد. با بدقت اخیر دولت ایران ۲۰ هزار تن گندم از

### رفیق محسن فاضل آزاد باید گردد!



نزدیک به دو ماه است که رفیق محسن فاضل توسط پاداران جنا سبکا رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شده و بدست کجکاه ۱۰ فغانده است. اکنون هیچگونه اطلاعی از سرنوشت این رفیق انقلابی در دست نیست. تمام کوشش‌هایی که خان سبکا و رفیق جهت اطلاع از محل زندان او و ملاقات با او انجام داده‌اند نتیجه سنجی نرسیده و بی‌نتیجه است. تقاضای خانواده رفیق محسن با جواب سرنوشتی مقامات جنا سبکا رژیم حاکم مواجه شده است.

رژیم جلاد جمهوری اسلامی که ادا می‌دهد راه رژیم جلادانه می‌سازد و ادخواهان راستین را ترور می‌کند و با در زندان به شکنجه می‌کشد - برادران و دوستان سبکا را زندانیان سیاسی انقلابی را از دیدار فرزندان نشان محروم می‌نماید. ندان ملاقات به خانواده رفیق محسن یکبار دیگر ما هست فریبکارانه رژیم و سبکا - آرا میسی بر اینکه در عید همه زندانیان سیاسی اجازه ملاقات داده شده است را بر ملا می‌سازد.

جان رفیق محسن در خطر است برای آزادی او از جنگال دژخیمان جمهوری اسلامی سبک‌خیزیم!

### مصادره انقلابی بانک ملی بانه توسط پیشمرگان کومله

از وجودشان با خبر شوند. پیشمرگانی که در خارج بانک بودند، فقط مسئولیت حفاظت از مسیر عقب نشینی را داشته و در تمام طول مدت عملیات سعی می‌کردند که با دشمن درگیر نشوند، تا پیشمرگان داخل بانک کار خود را با خیال راحت انجام دهند. بعد از آنجا که روایت‌ها موحودی بانک پیشمرگان با نظمی قابل تحسین دسته دسته از مرکز شهر عقب نشینی کردند.

پس از انجام موفقیت آمیز این عملیات، یک دسته از پیشمرگان دوباره به شهر برگشته تا منزل یکی از ارجاشهای مسلح را در محله «بانه کون» محاصره و او را با خود از شهر بیرون ببرند. ولی جانش مرزوفیل از وارد شدن پیشمرگان به خانه‌اش، سوی آنها آتش گشود و یکی از پیشمرگان نام کاک خرو احمدی را زخمی نمود و خود نتوانست از دست آنها امپریالیست بگریزد.

این رفیق قهرمان با باری رفقا پیش به خارج از شهر آورده‌اند، ولی متأسفانه کوششهای سرکشی موثر نشده و رفیق ما شهیدت رسید. به نقل از خبرنگار کومله

ساعت ۹ شب یکشنبه ۱۷/۱۲/۵۹ پنج دسته از پیشمرگان کومله وارد شهر بانه شدند و طی یک عملیات دقیق و هماهنگ که ۶ ساعت طول کشید، موفق به تصرف بانه انقلابی موجودی بانک ملی ایران - شعبه بانه شدند. عملیات اینستا با کنترل بخش وسیعی از شهر توسط ۴ دسته و سپس کارهای بانه در سه طبقه انجام شد. پیشمرگان تمام حیوانات و کوجه‌هایی را که در محل بانک منتهی مستودع‌ها منسوخ حتمالی کشی با پاداران و جانشینان را کنترل کردند. و بسیاری رسیدن به محدوده بانک از نزدیک کمی با پادار - این و با یکا دشمن عبور کرده، بدون اینکه آنها



# اخبار مبارزات توده‌ها



## چند نکته درباره مبارزات توده‌ها در لاهیجان

در حاشیه گزارشات مربوط به

پیکارتوده‌ها در لاهیجان

(پیکار ۹۸) مطالب زیر را می‌آوریم:

یکی از شهیدان بورش و حشانه با سداران ارتجاع به توده‌های مردم در روز ۱۴ اسفند دانش آموز ۱۵ ساله است نامش صباغ خوشکار که هوادار مجاهدین بود. با دش گرامی باد!

مقامات مرتجع شهرا ز جمله کریمی دادستان انقلاب اسلامی و فرماندار شهیر کوشند تا چند این مجاهد را بخا نوا ده اش تحویل ندهند و با به عنوان "قمه خورده" او را به خاک سپارند و با خا نوا ده شهید با مقامت جنایت ارتجاع را افشا کردند. مجاهد شهید زنا حیه زیر کلو، کلکوله خورده بود. مردم شهر تشییع جنازه با شکوهی برای او برگزار کردند.

رژیم جمهوری اسلامی برای فریب توده‌ها و بدبین ساختن مردم نسبت به نیروهای انقلابی سازمان ما و نیز سازمان مجاهدین را مورد بدترین تهمت‌ها و لحن پراکنش‌ها قرار داده است. مسئولین دولتی با خواندن اعلامیه جعلی بنام مجاهدین خلق (منجمله در تلویزیون سراسری) سعی میکنند ز قول آنان شایع کنند که در شهر حکومت انقلابی برقرار شده و... ولی مردمی به توطئه‌ها شای که رژیم در سرداشت میبردند دست به افشاکاری میزنند. علاوه بر ارتجاع سعی کرد با خواندن اعلامیه سازمان ما در تلویزیون بمبارسه بزنند و اعتماد توده‌ها را سلب نماید اما سنگی که ارتجاع بلند کرد بیرونی با ش افتاد.

با سداران ارتجاع یک لیست ۲۲ نفری در شهر پخش کرده و مدبوحانه مردم را به دستگیری آنان دعوت کرده اند. البته روبرو بنیستهای "اکثریت" و "توده‌ای" کما فی سابق بعنوان مشاور امنیتی سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی به "خدمت مشغول هستند. سنگ و نفرت برخاستنیس به خلق!

### خیانت رویونیستها

بندر عباس: در درگیری ای که بدنبال حمله چماقداران رژیم به نما یگانه نیروهای انقلابی در بندر عباس، بین نیروهای انقلابی و ضد انقلاب رخ داد، "اکثریتی" ها و "توده اییهای" خائن چماقداران رژیم همکاری می کردند و با دادن اعلامیه ای به رژیم نشان دادند که در نوکری خود ثابت قدم هستند همگامی اکثریتی با خائن که خجولانه در سپاه سداران بندر عباس به شکار انقلابیون مشغولند نیز نمونه ای از خیانتها ی آنهاست. سفل از اعلامیه هواداران سازمان دهرمگان با اندکی تلخیص

## جنایت وحشیانه پاسداران عید مردم بندر عباس را خونین کرد

"زندانی سیاسی به همت توده‌ها آزاد با بد کردد" خواستار مجازات عاملین ترور انقلابیون و آزادی فرزندان دربندان شدند. با سداران سرما به دزدانه جسم مجاهد شهید را دفن کردند. اما حرکات اعتراضی مردم رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش رسوا ساخته است. هواداران سازمان ماطی اعلامیه ای این ترور وحشیانه را محکوم کرده و در قسمتی از آن نوشته اند:

"این اولین و با آخرین جنایت آنهانیست رژیم جمهوری اسلامی که روز بروز پایگاهش را در میان مردم زدست میدهد، تنها چاره خود را در ترور شکنجه و اعدام انقلابیون و زحمتکشسان می بیند. خون مجاهدی که در با زاردست فروشان بر سنگفرش خیابان نقش بست تنها نمونه ای از جنایات رژیم و عا ملاتش میباشد. سنگ و نفرت بر پاسداران، این جلادان رژیم".

در روز ۵۹/۱۲/۲۸ با سداران سرما به دختر مجاهدی را که در حال فروش نثر به بود در مقابل چشمان مردم به رگبار بستند. بدنبال این جنایت، مردم بندر عباس دست به تظاهرات زده و با شعارهای چون "مرگ بر پاسدار، حامی سرمایه - دار"، "زحمتکشان بدانید نوروز ما عزاشد" خشم خود را نسبت به جنایت رژیم جمهوری اسلامی و پاسدارانش نشان دادند. تظاهرات تا پاسی از شب ادامه داشت. صبح روز ۵۹/۱۲/۲۹ تظاهرات وسیع تری در اعتراض به جنایت پاسداران سرمایه بر راه افتاد. طنین شعار "بنی صدر پیشتی برای سرکوب خلق متحد و سر در" در سطح شهر پیا نگر این امر بود که مردم دستان خون آلود کل هیئت حاکمه را در پشت این جنایت میدیدند که از آستین سرکوبگران مسلح بدرآمده بود. مردم شهر با شعارهای "قاتل این مجاهدان را بد کردد" و

## تظاهرات در حمایت از معلمان اخراجی

حمایت از تظاهرات کنندگان بر داختند. در با سان قطعنامه ای شامل خواسته های ذیل قرائت گردید:

- ۱- ذکر موارد اتهام و علل برکناری خود
- ۲- اعلام اسامی هیئت پاکسازی
- ۳- اخراج کلیه ساواکها و رستاخیزها
- ۴- بازگشت یکبار بدون قید و شرط

در روز ۵۹/۱۲/۲۵ نیز معلمان اخراجی در محل آموزش و پرورش تجمع کرده و برخواستهای خویش بای قشر کردند.

بروجرد ۵۹/۱۲/۱۹ بدعوت شورای هماهنگی موقت معلمان اخراجی، اما ده به خدمت و فارغ التحصیلان اخراجی دانشسراهای راهنما شای و مقدمانی بروجرد و ما همگامی کانون مستقل فرهنگیان، یک تظاهرات موضعی جهت اعتراض به اخراج معلمان مترقی و انقلابی و ایضا معلمان ساواکی، برگزار گردید مردم با دادن شعارهای چون "فرهنگی مبارز حمایت میکنند، درود بر معلم مبارز" و... به



تظاهرات رفقای  
هوادار سازمان  
در بندر عباس به  
مناسبت سالگرد  
قیام این تظاهرات  
در ۲۵ بهمن  
برگزار گردید.

## به استقبال جنبش اوجگیرنده توده‌ها بش تائیم



صد و دهمین سالگرد قیام کارگران پاریس ( ۱۸۷۱ - ۱۹۸۱ )

# کمون پاریس جاودانه زنده است: زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا!



اونمرده است ،  
اورا کنار دیوار گذاشتند  
و هزاران بارتیربارانس کردند .  
وسپاهکاران عریه ز زنان ؛  
هرچم خود را در کوجه ها گردانیدند ،  
هرچمی که جلاد از میان لجن بیرون کشید ،  
و فریاد زد : اینست کیفر ،  
اما با وجود سرکوب ،  
اونمرده است .  
آری ، کمون جاودانه زنده است .  
از "اژون پوتیه" شاعر انقلابی کمون  
وسراینده "انترناسیونال"

انقلاب پرافتخار کارگری ۱۸مارس، حاکمیت بلا منازعی چون وچرای خود را در  
پاریس مستقر ساخت" (مارکس - جنگ داخلی در فرانسه)

نویسنی در تاریخ جنبش های انقلابی طبقه  
کارگر آغا زکشت .لنین در این باره مینویسد :  
"... در نظری (کارل مارکس) این جنبش  
انقلابی بوده ای با آنکه به هدف هم نرسید ،  
یک تجربه تاریخی دارای اهمیت عظیم و  
گامی بود که انقلاب پرولتاری به پیش بر-  
میداشت .". "نگانه "اصلاحی" را که مارکس در  
"مانیفست کمونیست" لازم شمرد بر اساس  
تجربه انقلابی کمونارهای پاریس انجام  
گرفت .

کمون پاریس اولین تجربه تاریخی  
پرولتاریا در کسب قدرت سیاسی بود . طبقه  
کارگر قهرمان پاریس نه تنها با تمام قهرآمیز ،  
دولت بورژوازی را دربارس شکست داد ، بلکه  
آنها را حکومت طبقاتی کارگران جانشین ساخت  
کمون پاریس قبل از آنکه توسط ارتجاع  
درهم شکسته شود ، توانست ۷۲ روز حاکمیت  
انقلابی کارگران را برانی نخستین بار در تاریخ  
شیرت برقرار سازد . اولین قانونی که کمون  
به مرحله "آزاد درآوردن لخلال ارتش و جایگزینی  
آن توسط نوده های مسلح بود . سیستم بوسیله  
پلیس و دادگستری بورژوازی نیز با تشکیلات  
انقلابی جایگزین شد . "شورای کمون" با انحلال  
پارلمان بورژوازی ، سالارینس مرجع تصمیم گیری  
گردید . کمون ، دستگاه بوروکراتیک اداری  
بورژوازی را درهم شکست و بجای آن سیستم  
مسئولیت انتخابی را برپا کرد . حقوق نا غلظ  
دولتی را یکسان کرد و حقوقهای باطنی کاملاً

فرانسه در همان زمان یک "دولت عادی" به  
رباست "تی بر" تشکیل دادند . "تی بر" که به  
گفته مارکس "زندگی اجتماعی او ، تاریخ  
بدیختی و فلاکت فرانسه است" اولین اقدامات  
خود را سرکوب کارگران پاریس قرار داد . در ۱۸  
مارس ۱۸۷۱ لشکریان "تی بر" عزم خلع سلاح  
کارگران پاریس را نمودند ، اما با مقاومت  
نوده های مسلح روبرو شدند . ارتجاع قیام  
مسلحانه زودرسی را بر پرولتاریای پاریس  
تحمیل کرد . طبقه کارگر قهرمان پاریس بدون  
درنگ راه قیام را برگزید و "گارد ملی" ، پاریس  
را به لرزه درآورد و بورژوازی ارتجاعی را  
فراری داد . "... هنگامیکه در ماه مارس ۱۸۷۱  
قطعی راه کارگران تحمیل کردند آنها هم .  
آنها پذیرفتند ، هنگامیکه قیام ، دیگر عمل انجام  
شده ای گردید ، مارکس انقلاب پرولتاری را ، سا  
آنکه عاقبت خوشی برای آن ننمید ، با وحدت و  
شعب فراوانی استقبال کرد . " (لنین دولت و  
انقلاب ) . آری پرولتاریای پاریس پس از  
سرنگونی حکومت ارتجاعی بورژوازی در پاریس  
حکومت طبقاتی خود ، "کمون را برقرار ساخت و در  
۲۶ مارس اعلام انتخابات کرد . در آنروز ۸۶ عضو  
کمون انتخاب شدند که سی نفرشان معاونانتر -  
ناسیونال اول بودند . اکثریت را "بلانکیست"  
ها و اقلیت را طرفداران "برودن" نمایندگانی  
میکردند . روز ۲۸ مارس در میان هلهله و شادی  
نوده های پاریسی در میدان شهرداری اهتزاز  
دووبل برقرار کرد کمون رسماً اعلام شد . با اعلام  
کمون ، اولین حکومت کارگری در جهان تصل

سبباً رصفحه ۱  
نقاط استراتژیک پاریس در سبدا ظهرها امروز  
ارتجاع را به "ورسای" (در غرب و نزدیکی پاریس)  
فراری دادند . پرولتاریای مسلح حاکمیت  
ارتجاعی بورژوازی را در یک قیام مسلحانه  
سرنگون ساخت و با جدا افتادن از آردن اولین  
پروچم سورج ، بیرونی اولین انقلاب کارگری .  
بیرونی "کمون" را اعلام کردند . اعلام کمون  
پاریس در شرایطی صورت گرفت که حکومت فرانسه  
در حال جنگ با امپریالیزی آلمان بود .  
نیسارک پس از رسیدن به صدراعظمی آلمان در  
سال ۱۸۶۱ ، بر پایه "سیاست آهن و خون" خود که  
یک سوی آن سرکوب و کشتار مردم در داخل کشور و  
سوی دیگرش جنگ با کشورهای دیگر بود ، به  
متحد ساختن دولتهای شمال آلمان بدور پیوست  
و اتحاد تریش و پیوستن برداخت و در این راه  
ضروری میبود که امپریالیزی ناپلئون سوم که  
خطری در برابر وحدت و یکپارچگی امپریالیزی  
آلمان بود از میان برداشته شود .

جنگ آلمان و فرانسه در ۱۹ ژوئیه ۱۸۷۰  
آغا زکشت . اما لوثی بنا بر ارت تسلیم شد و به  
دنبا ل این تسلیم کارگران و نوده های زحمتکن  
مسلحانه قیام کردند و با اشغال کاخ سلطنتی و  
حمله به ماکن حکومتی ، الفبا امپریالیزی و بر-  
قراری جمهوری را اعلام نمودند . اما در اثر نا-  
آگاهی کارگران نسبت به ماهیت حزب جمهوری-  
خواه ، بورژوازی حکومت را غصب کرده و فریب-  
کارانه اعلام "دولت دفاع ملی" نمود . علی رغم  
تلاش این دولت برای سازش با آلمان ، جنبش  
ادامه یافت . مارکس در بیانیه دومش راجع به  
جنگ دو حکومت از کارگران آلمان میخواهد که  
با تکیه بر همبستگی بین المللی ، کارگری بر  
علیه جنگ برخاسته و نیسارک را وادار به صلح  
نمایند . کارگران فرانسه از یکسو میبایست در  
برابر دشمن تجاوزکار که اکنون بر علیه جمهوری  
میجنگید مقاومت نمایند و از طرف دیگر بدون  
نساله روی از بورژوازی و قهرآمیز بودن  
تضادهای طبقاتی شان ، با اوزمین به پیروزی  
آینده طبقه کارگر فرانسه را مهیا سازند . ارتش  
پیوست سرعت خود را به دروازه های پاریس  
نزدیک کرد . پرولتاریای قهرمان پاریس تصمیم  
به دفاع قاطعانه از پاریس گرفته و سرعت خود  
را مسلح کرد . کارگران پاریس یک "گارد ملی"  
مرکب از ۳۰ هزار فرد مسلح ترتیب دادند و به  
دفاع از فرانسه برخاستند . تحت رهبری کمیته  
مرکزی "گارد ملی" در اکتبر ۱۸۷۰ و ژانویه ۱۸۷۱  
دو قیام مسلحانه صورت گرفت که علی رغم سرکوب  
شدن هر دو ، نوده های کارگردست از اسلحه بر-  
نداشتند . دولت ارتجاعی "دفاع ملی" که ادامه  
جنگ را به منزله پایان حاکمیت خود تلقی می-  
کرد . در ۲۸ فوریه ۱۸۷۱ قرارداد صلح با آلمان  
را امضا کرد . سرمایه داران و زمینداران مرجع

## زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!





هنگام از اینها بیست و نه است، چون آسودگی سگریس خوا هدیده که برای آنها کار کند و سودهای هنگفت برایشان تولید کند. اما برای اینکه کارگران قدرت کار کردن داشته باشند و نیروی را که در هنگام کار از دست داده اند دوباره بدست بیاورند و بدینا به روزمقداری غذا بخورند، لباس بپوشند، جایی برای استراحت کردن داشته باشند و از آن قسبل، پس مزدی که کارگران میگیرند در درجه اول باید این احتیاجات را برآورده کند.

در کارخانه ها، مزارع، معادن و غیره کار میکنند بولی که سرمایه با ریاست خرید نیروی کار کارگر میپردازد، مزد یا دستمزد گفته میشود. پس دستمزد همان قیمت نیروی کار کارگر است. شکل پرداخت

## دستمزد و ضرورت مبارزه برای افزایش آن



این روزها همه سرمایه داران و دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان دم گرفته اند که "بالا رفتن دستمزدها باعث گرانی شده است". رهبران رژیم جمهوری اسلامی هم از بیت الله خمینی گرفته تا بنی صدر و بهشتی و دیگر دشمنان طبقه کارگر هم صدا با سرمایه داران و برای دفاع از آنها اعلام میکنند: "کارگران با ایجاد افزایش دستمزد را بخوانند و با انقلاب را". "همه کسانی که برای افزایش دستمزد و زیاده شدن حقوق دست به اعتصاب میزنند فدا انقلاب و عوام آمریکا هستند". مسیئند چطور سرمایه داران و دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان دست به دست هم داده اند تا علت اصلی گرانی را از چشم توده ها پنهان کنند؟ ما این خائنین به طبقه کارگر و زحمتکشان و این دشمنان قسم خورده انقلاب دروغ میگویند. رژیم جمهوری اسلامی با این تبلیغات میخواهد از یک طرف سرمایه داران را نجات دهد و از طرف دیگر رگ و کشتار کارگران را توجیه کند. همه کارگران و زحمتکشان دروغهای سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی را با گوشت و پوستشان احساس میکنند. اما برای اینکه عوام مغریبی سرمایه داران و رژیم آنها را از جهت دیگری هم ثابت کنیم، اول از همه ببینیم دستمزد چیست.

دستمزد همان چیزی است که کارمندان روزمزد، کارمندان و غیره تقییری در اصل مسئله نمیدهند. بنا بر این سرمایه داران را همانطور که با سر و سائل لازم برای تولید از قبیل ماشین آلات، مواد خام و غیره را میخرند، همانطور هم نیروی کار کارگر را برای کار کردن با این وسائل میخرند. نتیجه این خرید و فروش برای سرمایه داران و شرکتهای هنگفت، زندگی کا ملازاحت و خلاصه زیاده شدن سرمایه اوست. اما آن چیزی که کارگران از فروش نیروی کار خودشان یعنی کار کردن برای سرمایه داران بدست میآورند آن چیزی که دستمزد سرمایه داران میشود. فرق دارد. اگر چه کارگران بخت اعظمی از شر و خا مع سرمایه داران را تولید میکنند، اما جز بول کمی بعنوان دستمزد نمیبند دیگری از اینهمه ثروت ندارند. یعنی نتیجه کار کار کارگران به کسی دیگری واگذار میشود که همان سرمایه دار است. اما با وجود همه اینها سرمایه دار همیشه میگوید تا نیروی کار کارگر را هر چه بیشتر بخرد یعنی به کار کارگر مزد کمتری بدهد. اینکار سرمایه دار رسی دلیل نیست چون هر چند دستمزد کارگران کمتر شود سرمایه دار بیشتر میشود. برای سرمایه دار بهترین حالت اینست که کار کارگران با یکبار - تا آن دستمزدی بگیرند. ولی اگر کار کارگران مرد نکمترند چیز دیگری برای امرار معاش نخواهند داشت. در چنین صورتی ما از کسبکی خواهند مزد و با قدرت کار کردن را از سحر خواهند داشت

### دستمزد چیست و حداقل دستمزد چطور تعیین میشود؟

در یک جامعه سرمایه داری قسمت عمده ای از وسائل تولید به شکل بول، کارخانه، زمین و غیره در اختیار روتحت کنترل عده کمی از افراد جا معه یعنی سرمایه داران قرار دارد. در مقابل عده زیادی از افراد جا معه چون هیچگونه وسائل تولیدی ندارند که برای خودشان کار کنند برای امرار معاش و زنده ماندن هیچ چاره ای غیر از فروش نیروی کار خودشان ندارند. فروش نیروی کار یعنی چه؟ یعنی اینکه کارگر هر روز ساعت ۱۰ ساعت و با بیشتر از زندگی و عمر خود و قدرت کار کردنش را به سرمایه دار میفروشد. چرا میفروشد؟ برای اینکه با بولی که به این وسیله بدست میآورد زندگی خودش و خانواده اش را بگرداند. سرمایه دار هم که این نیروی کار را خریده است از آن استفاده میکند یعنی از کارگر

# فان، مسکن، آزادی



### دستمزد...

کشورهای کمتر از کشورهای سرمایه‌داری پیش - رفته است. بطور کلی پائین بودن سطح دستمزد کارگران در کشورهای مثل ایران یکی از دلایلی است که امپریالیست‌ها برای صدور سرمایه به این کشورها ویکا گرفتن کارگران آنها سرودست میکنند. اما با وجود اینکه دستمزد کارگران اینقدر کم است، بازم سرمایه داران برای بدست آوردن سود بیشتر سعی میکنند از سروت آن بزنند. یکی از کارهای سرمایه داران تکه تکه کردن دستمزد کارگران است تا در فرصت مناسب قسمتی از آنرا به جیب بزنند. مثلاً در ایران میبینیم که دستمزد کارگران را تکه تکه میکنند و آنرا به اسمی مزد، سود ویژه پاداش، عیدی، حق اولاد، حق مسکن، حق ناهار و غیره به کارگران میدهند. سرمایه داران بسا اینکار را نمود میکنند که گویا به کارگران بیشتر از حقشان میدهند و به آنها لطف میکنند. ضمناً هر موقع هم توانستند با ندادن هر کدام از این تکه ها در حقیقت مزد کارگران را کمتر میکنند اما یکی دیگر از مهمترین وسائلی که سرمایه داران به وسیله آن مرتباً از مزد کارگران کم میکنند، حربه گرانی و تورم است.

### چه عواملی باعث تورم میشوند؟

تورم یعنی چه؟ تورم یعنی کم شدن ارزش پول. تورم با کم شدن ارزش پول، خود را به شکل گرانتر شدن هر روز کالاها و غیره نشان میدهد. در نتیجه تورم برای خرید یک مقدار مسای از یک کالا با کیفیت یکسان با گذشته با دیپول بیشتری بدهیم. مثلاً اگر یک کیلو برنج ایرانی را قبلاً ده تومان میخریدیم حالا در نتیجه تورم، برای خرید همان یک کیلو برنج با بدبست چهار تومان پول بدهیم. چه عواملی باعث تورم میشوند؟

۱- بالا بردن قیمت اجناس توسط سرمایه داران سرمایه داران که فقط بدنبال سود بیشتر هستند. به بهانه های مختلفی مثل بالا رفتن دستمزد کارگران، نگرانی نندن مواد خام و ماشین آلات و مسائلی از این قبیل قیمت اجناس را هر روز بالاتر میبرند. سرمایه داران برای بالاتر بردن قیمت کالاها در صورتی که لازم باشد کارگزاران را آسایش میکنند و به بازاریان میفروشند. اینکار سرمایه داران باعث میشود که جنس در بازار کم شده و قیمت آن بالاتر رود. سودهای حاصل از اینکار مستقیماً بجیب سرمایه داران میسرود بعضی وقتها سرمایه داران قیمت یک جنس را ظاهراً بالا نمیبرند اما در عوض مقدار آنرا کم میکنند و با کیفیت آنرا پائین میآورند. مثلاً میبینید بودلیا شوشی داخل قوطی ها هر روز کمتر میشود و با مثلاً توشون سگا رها هر روز بدتر میشود. درحالیکه قیمت این اجناس بیشتر هم شده است.

یکی دیگر از وسیله های سرمایه داران فروختن همان اجناس قبلی با مارک جدید و قیمت بیشتر است. بالا رفتن هر روز قیمت کالاها وقتی است که برعکس با قیمت اجناس هر روز پائینتر میاید. میدانی که ارزش هر کالایی بوسیله وقتی که بطور متوسط برای تولید آن صرف میشود تعیین میگردد. بنا بر این چون با پیشرفت صنعت و تکنیک هر روز وقت و هزینه کمتری برای تولید اجناس صرف میشود پس کالاها با پائین تر فروخته شوند با وجود این سرمایه داران نه تنها اجناس را از نظر قیمت فروخته اند بلکه روز بروز قیمت آنها را بالاتر میبرند. دولت‌های سرمایه داری هم همیشه به شکلهای مختلف از اقدامات سرمایه داران در بالا بردن قیمت ها دفاع میکنند. اما فیه بر این اقدامات رژیمهای سرمایه داری برای مبارزه با گرانی نیز از دو حالت خارج نیست: یا برای فریب دادن زحمتکشان است و یا یک اقدام موقتی که هیچ دردی را درمان نمیکند. بعنوان مثال رژیم جمهوری اسلامی هم مثل رژیم شاه ادعای مبارزه با گرانی را میکنند ولی نه رژیم شاه در این کار موفق بود و نه رژیم جمهوری اسلامی میتوانند موفق شود. رژیم شاه یک عده کاسب جز را جریمه میکرد، رژیم جمهوری اسلامی همان کاسب‌ها را شلاق میزند و هر دو اسم اینکار را مبارزه با گرانی فروشی میگذارند.

اما فیه بر اینها که گفتیم، سرمایه داران همیشه سعی میکنند در آن رشته‌هایی سرمایه گذاری کنند که سود بیشتری برایشان داشته باشد. معلوم است که در چنین حالتی احتیاجات واقعی توده های مردم ملال در نظر گرفته نخواهد شد. در نتیجه آن رشته‌هایی که احتیاجات اولیه کارگران و زحمتکشان را میتوانند تولید کنند کمتر مورد توجه سرمایه داران قرار میگیرند. یعنی سرمایه داران بخاطر کمتر بودن سود در این رشته‌ها به نسبت رشته‌های دیگر خالصت در آنها سرمایه گذاری کنند. بنا بر این احتیاجات اولیه زحمتکشان کمتر تولید میشود و در نتیجه بخاطر کم بودن این کالاها در بازار قیمت آنها هر روز بالاتر میرود.

### ۲- بالا رفتن میزان تورم بخاطر برنامه ها و

#### اقدامات دولتهای سرمایه داری

میدانیم که دولتهای سرمایه داری هر ساله بودجه و پول هنگفتی برای پرداخت حقوق به افسران ارتش، پلیس و سایر کارمندان خود و سایر هزینه های ارتش و ادارات مصرف میکنند. این افراد که عده زیادی از آنها تولید کننده نیستند و فقط مصرف میکنند با در خدمت سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان هستند، مثل ارتش و پلیس و با کارهای دیگر دولت را که در خدمت سرمایه داران است راه میاندازند. بنا بر این پولی که دولت بعنوان بودجه خرج میکند بطور کلی باعث بالا رفتن قیمت آنها میشود چون کارمندان مختلف دولت (نظامی و غیر نظامی) با پولی که میگیرند برای خرید کالاها و مواد میآورند و بدون اینکه چیزی تولید کرده باشند. در نتیجه بخاطر کم بودن کالا

و پول زیادی که بوسیله کارمندان دولت وارد بازار میشود، قیمت اجناس با زهم گرانتر میشود از طرف دیگر جاب پول بدون پشتوانه توسط دولتهای سرمایه داری که برای جبران کسری بودجه صورت میگیرند در کم ارزش نمودن پول و بالا بردن قیمتها خیلی موثر است. یعنی دولتهای سرمایه داری برای جبران کسری بودجه مقدار زیادی پول وارد بازار میکنند که در نتیجه ارزش پستو آن پول کم میشود مقدار زیادی پول تقسیم میشود و باعث میشود که ارزش پول کم شود و بنا بر این برای خرید کالا با بدبیشتر از گذشته پول داد.

سرمایه گذارهایی غیر تولیدی دولت هم مثل ساختن تاسیسات نظامی، کارخانه های اسلحه سازی و غیره هم در بالا بردن قیمتها موثرند. در حالیکه خود این سرمایه گذارها در تولید احتیاجات توده های مردم هیچ نقشی ندارند اما با پولی که وارد بازار میکنند و افزایش تقاضا به بالا رفتن قیمتها کمک میکنند.

### ۳- نقش امپریالیست‌ها در بالا رفتن میزان تورم

میدانیم که مقدار زیادی از ماشین آلات مواد خام و نیمه ساخته وقتی مقدار زیادی از مسوود غذایی کشورهای تحت سلطه ای مثل ما از کشورهای امپریالیستی وارد میشود. سرمایه داران کشورهای امپریالیستی که بدنبال حداکثر سود ممکن هستند و قدرت انحصاری دارند، قیمت محصولاتشان را هر روز به مقدار زیادی بالا میبرند در نتیجه قیمت مواد غذایی مورد احتیاج توده ها و محصولات کارخانه های داخلی با زهم گرانتر میشود. البته سرمایه داران داخلی این اضافه قیمت را از جیب خودشان نمیدهند، چون با تمام این اضافه قیمتها با لایحه روی دوش کارگران میافند مستقیماً با سرمایه گذارهای امپریالیستی و با با شراکت آنها درست شده اند همین وضعیت را دارند و بخاطر قدرت انحصاریشان در بالا بردن قیمتها نقش خیلی زیادی دارند.

به این ترتیب میبینید که بالا رفتن قیمتها زیر سرمایه داران و دولت آنهاست و افزایش دستمزد کارگران هیچ نقشی در گرانی کالاها ندارد

### گرانی و تورم چه تغییری بر دستمزد کارگران دارد؟

کم کردن آشکارا از مزد کارگران و پائین دادن قسمتی از مزد آنها مثل سود ویژه، خیلی زود با مقاومت کارگران روبرو میشود. همین دلیل بالا بردن قیمت اجناس مورد احتیاج کارگران، یکی از مهمترین وسائلی است که سرمایه داران برای کم کردن مزد کارگران به آن متوسل میشوند. بالا رفتن قیمتها یعنی کم شدن از مزد کارگران و زیاد شدن سود سرمایه داران. کارگران به علت دستمزد نا بستی که دارند وقتی قیمت کالاها بالاتر



## دستمزدها

میرود مجبور میشوند که اجناس کمتری بخرند و کمتر مصرف کنند. به این ترتیب وضع زندگی کارگران و خانواده‌هاش به علت بالا رفتن قیمت‌ها از همه نظر بدتر میشود و در حقیقت مثل اینست که مزد کارگران را کم کرده باشند. اگر چه کارگران به علت مبارزه‌ای که میکنند و پس از اینکه بارها سرکوب میشوند بالاخره قسمتی از حششان را بصورت افزایش دستمزد پس میگیرند، اما با زحم در این میان ضرر میکنند. یعنی سرمایه‌داران همان اندازه که به علت بالا رفتن قیمت‌ها از مزد کارگران کم شده است به دستمزدها آنها اضافه نمیکند. به این ترتیب روز به روز از مزد کارگران کم میشود و به جیب سرمایه‌داران سرازیر میشود. این جریان تا وقتی سرمایه‌داری وجود

## توطئه اخراج کارکنان مجتمع فولاد

مسئله اخراج و بیکار کردن کارگران فولاد اهواز مدت‌ها بر سر زبانها بود و در همین رابطه هیئت بررسی وضع مجتمع فولاد گزارش داده بود که مشکل مجتمع وجود کارگران اضافی است! احمدزاده سرپرست صنایع فولاد ایران به مجتمع آمد تا این مشکل را از طریق اخراج و بیکار کردن کارگران برطرف نماید! او به همراه سایر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که هدفی جز حفاظت از سیستم سرمایه‌داری وابسته ندارند، در ادامه سیاستهای ضدکارگری رژیم تصمصم گرفته اند تا با شروع تعطیلات سال نو کارخانه را بطور موقت بمدت سه ماه تعطیل کنند و هنگام باز شدن مجدد کارخانه تنها تعدادی را بر سر کار بگذراند و بقیه راحتی توطئه خویش را مبنی بر اخراج گروه عظیمی از کارگران عملی سازند. علت این حيله رژيم، ترس و وحشتی است که از اخراج مستقیم کارگران دارد و لذا آنها نند تما می رژیمهای سرمایه‌داری به توطئه متوسل گردیده است. این سیاست ضدکارگری رژیم در ادامه سیاستهای دیگرش مبنی بر بریدن نخن عیدی، ندادن سود ویژه و سرکوب مبارزات کارگران میباشد. کارگران مجتمع فولاد برای خنثی کردن این توطئه رژیم میباشد با تحکیم وحدت و یکپارچگی خود، بعد از تعطیلات به کارخانه باز گشته و با حضور خود نقشه رژیم را خنثی کنند.

## مقاومت کارگران پارس الکتریک

کارگران این کارخانه که برای دریاست سود ویژه اعتمایی هفت روزه را پشت سر گذاشته اند، به علت ضعف شکل خود و خیانت شورای قلابی نتوانستند به خواست خود برسند. از این پس تشکیل شورای واقعی در شرایط حاضر خواست ضروری کارگران پارس الکتریک میباشد. چرا که آنها به اهمیت نقش رهبری مبارزان نشان پی برده اند. اما مزدوران سرمایه یعنی انجمن اسلامی و مدیریت کارخانه برای جلوگیری از انتخاب شورای واقعی و برپا ساختن "شورای" از وابستگان خوش بهنگا بخواهاند. از اینرو سیه‌پایان طی نامه‌ای بتاريخ ۵۹/۱۲/۶ خطاب به کارکنان، خواستار نظارت وزارت کار بر امر انتخاب شورا شد. یعنی همان کاری که در اغلب کارخانجات انجام گرفت و نتیجه‌ای جز انتخاب مزدوران کارفرما و رژیم به عنوان "نمایندگان کارگران" بهمراه نداشته است. اما هیئت نظارت بر انتخابات که توسط کارگران

بقیه در صفحه ۱۸

دارد وجود خواهد داشت و همیشه باعث فقیرتر شدن کارگران و زحمتکشان خواهد گردید. بنا بر این تنها راه ازسین بردن گران و تورم و بطور کلی فقر و فلاکت توده‌ها نابودی سرمایه‌داری بوسیله انقلابی به رهبری طبقه کارگر و ایجاد جامعه سوسیالیستی است. اما یک نکته را هم نباید فراموش کرد آن هم مبارزه کارگران برای تامین حقوق صنفی و اقتصادی و از جمله مبارزه برای افزایش دستمزد در کنار مبارزه برای انقلاب است. این مبارزه سرمایه‌داری را ازسین نمیبرد، اما باعث میشود که کارگران بوسیله آن قسمتی از حششان را از سرمایه‌داران و دولت آنها پس بگیرند. پس برای افزایش دستمزد مبارزه را شدیدتر کنیم و هیچگاه از مبارزه این مبارزه باید فقط بعنوان جزئی از مبارزه و در کنار مبارزه اصلی برای انقلاب به رهبری طبقه کارگر و برای خلاص شدن از دست سرمایه‌داری نباشد.

زده را آزاد کنیم. در آن روز اقدامات زیادی در این مورد انجام دادیم ولی نمیدانیم چه کسی سنگ اندازی میکند و جلو زد شدن بچه‌ها را می‌گیرد. آری در راه آزادی نمایندگان کارکنان جنگزده سنگ اندازی میشود و نمایندگان جنگزدگان با بدبختی‌ها و نداشتن وعده‌ها بر سر دست آوردن پست وزارت نفت در زندان باقی بمانند تا در موقعیت مناسب هر کدام از این دو با نند (با نند حاجی برخوردار و با نند انجمن اسلامی) بتوانند برای پیشبرد مقاصد ضدکارگری خود از وجود آنها استفاده نمایند.

و اما درباره پیگیری خواستهای برحق جنگزدگان با بدبختی‌ها هنوز اکثر خواستهای بدون جواب مانده است. البته با وجود این با نند با زیبا و در دست راه انداختن در شرکت نفت، بیشتر از این نمیتوان انتظار داشت. ولی با نند از قیام مسئولین "کمیته بررسی مشکلات جنگزدگان" سؤال نمائیم که از اوایل شروع کار این کمیته تا بحال کدام مسکن را برای خانواده جنگزدگان اختصاص داده‌اند بدجند مورد که خود جنگزدگان اقدام به مداره جند خوابگاه برای سکونت خود کرده‌اند؟ شما که صحبت از وجود انجمن خودخواه سرمایه کارکنان شرکت در انبار می‌نمایند، آیا تا بحال کوچکترین اقدامی جهت تحویل حتی چند کیلوغوا را بر سر ندهیده‌اید؟ با بوق و کرنا و سروصدا زیاد حرف از کارهای می‌زنید ولی آیا تا بحال چند نفر از کارکنان جنگزده سرکار فرستاده‌اند؟ در باره عیدی هم با بدبختی‌ها برخلاف تصور ما که فکر میکردیم اقلاً به جنگزدگان عیدی تعلق میگیرد و آنها خواهند توانست با استفاده از آن کمی به زندگی خود سروامان دهند، اما متأسفانه مثل اینکه حتی نموی نامه هیئت دولت نیز اجرائگرفته است.

شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آبا دان و خوین شهر

## فکران

بقیه از صفحه ۳  
کارکنان زندانی بدون هیچ انتهای زندانی شده اند و با نند ازادگردند. مثلاً معاون سرپرست امور اداری در نامه‌ای قید میکند که: "اینجانب متأسفانه علیرغم گوشهای فراوان در مورد آزادی دستگیرشدگان توفیق حاصل نکردم" در صورتیکه همین شخص دقیقاً در جریان دستگیری نمایندگان دست داشته و آنها را از بیرون آمدن از اطاق وی دستگیر شده اند.

حال این سؤال مطرح میشود که چرا علیرغم اظهار مسئولین وزارت نفت که بنا به گفته خودشان به دادسرای انقلاب گفته اند: "وزارت نفت هیچگونه شکایتی از زندانیان نداشته و حتی حاضر است برای آزادی آنها تمهید بدهد"، هنوز همکاران مادرزندان بسر میبرند؟ ما در طول این مذاکرات بروشنی دیدیم که گروه‌های در درون وزارت نفت برسوقیه کردن کارها با یکدیگر رقابت میکنند و از جنگزدگان بعنوان وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف خویش استفاده میکنند و دقیقاً بدین خاطر است که یک گروه تلاش دارد زندانیان را آزاد نماید تا برای خودش مشروعیت کسب نماید ولی با نند مقابل با جلو گیری از آزادی نمایندگان سعی دارد با نند رقیب را تضعیف کند.

بعنوان مثال در جریان یکی از مذاکرات معاون سرپرست امور اداری در مقابل اصرار ما مبنی بر گرفتن قرار ملاقات با کفیل وزارت نفت میگفت: "باور کنید من جزواهل بیت نیستم و مرا در مراجع خودشان شرکت نمیدهند." ما از ایشان سؤال میکنیم که این "اهل بیت" چه کسانی هستند؟ ایشان در روز ۵۹/۱۲/۴ در جواب نمایندگان شورای سراسری گفت: "من در روز ۲۱ بهمن به رئیس دفتر وزیر گفتم که الان بهترین موقع برای آزادی بچه‌هاست و ما میتوانیم بعنوان هدیه سالگرد انقلاب نمایندگان جنگ -

### "کار در راه خدا" یا جاسوسی؟!

اخیرا آوارگان جنگ هواداران زمانیکه در راه آزادی طبقه کارگر در شیراز، طی اعلامیه ای به افشای یکی دیگر از توطئه های رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش آوارگان، پرداختند در زیر قسمتی از این اعلامیه را با اندکی تغییر میاوریم:

"... هم اکنون ایادی رژیم جمهوری اسلامی دست به حمله بسیار کثیف دیگری برای سرکوب ما و دیگر نیروهای انقلابی در درون خوابگاهها زده اند. این حمله که از نوع "آر.بی.ام" و البته "مکتبی" محسوب می شود، استفاده از کودکان و نوجوانان خام و ناتوان و احساسات دینی و مذهبی آنان، برای عمل کثیف جاسوسی بین خودمان میباشد تا به حساب خودشان ما را از درون مورد حمله قرار داده و فعلا لیبتهای ما را خنثی سازند. آنها برای نزدیک شدن و جلب جوانان ما بسوی خودشان، آنان را به کوهپیمایی و دیدن مسابقات ورزشی میبرند و در این برنامه های به اصطلاح تفریحی است که ارتجاع دام خود را برای بلعیدن و بخدمت گرفتن کودکان ناتوان ما پهن میکند... رژیم با استفاده از موج عظیم بیگاری و غلافی و ناتوانان ۱۶-۱۷ ساله پیشنهاد شغل با اصطلاح شرافتمندانه "جاسوسی در راه خدا" با مزایای عالی را به آنها میکند...

هموطنان جنگ زده، بگوئیم این حمله جدید و کثیف رژیم را متحدانه افشا کرده و از جاسوس و فاسد شدن فرزندان خود جلوگیری کنیم. اسامی کسانی که خود را فروخته اند و با مسیب جاسوس شدن فرزندان ما میشوند را بر دیوار خوابگاهها بنویسیم تا همه آنها را بشناسند و جلوی خیرچینیها و توطئه های آنان گرفته شود.

### پاسداران علیه آوارگان

بروجرد ۲۵/۱۲/۵۹

در این روزها پاسداران سرمایه جهت تخلیه عده ای از آوارگان خوزستانی که در مدرسه راهنمایی سیمین اسکان یافته بودند، به این مدرسه رفته و بر آوارگان فشار وارد میکنند. دانش آموزان در اعتراض به این امر به خیابان ریخته و دست به تظاهرات میزنند و با شعارهایی چون "مدرسه، مسکن آوارگان تا مسکن مناسب"، "معلم، محفل پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش" به حمایت از آوارگان بر میخیزند و با پشتیبانی جمعی از مردم که شعار میدادند "محفل مسازر حمایت میکنیم - آواره، آواره حمایت میکنیم" مواجه شدند.

### اخبار جنگ

#### علت بازگشایی مدارس در اهواز چیست؟

... هشت حاکم جمهوری اسلامی در هر مدرسه ای که دانش آموزان انقلابی دست به مبارزه سیاسی انقلابی زده اند، با به اخراج دسته جمعی دانش آموزان انقلابی متوسل شده و با اعلام مدرسه مذکور را منحل اعلام کرده است و این حرکت ارتجاعی بخوبی نشانگر این واقعیت است که اگر رژیم مدارس را هم باز نکند، دقیقا بخاطر عوامفریبی و فریب و تحمق مردم و دانش آموزان میباشد... رژیم سعی مینماید با مطرح کردن بازگشایی مدارس هم واقع را عادی جلوه دهد و هم اینکه مردم را به همسوئی با این جنگ ارتجاعی بکشانند و خیلی وقیحا نه تنها دانش آموزان مطرح کرده است که "با بدتمهید هیداکر خمیاره به مدرسه اما بت کرد و آسیب دیدید، هیچگونه ادعائی نسبت به مسئولین آموزش و پرورش ندارید"، زهی وقاحت و بشرمی! ... به نقل از اعلامیه سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار - اهواز با اندکی تلخیص

#### سنگرهای بتونی برای دستگاههای تبلیغاتی رژیم!

رژیم جمهوری اسلامی برای انجام تبلیغات ضد مردمی خود در حیطه های جنگ، عده ای را مامور کرده است که سنگرهای بتونی در جلوی جبهه کنده و بلندگوهای بسیار قوی در آن بگذارند. کسار گذاشتن بلندگوهای تبلیغاتی رژیم در سنگرهای بتونی، تاکنون به نسبت جان بسیاری از فرزندان زحمتکشان تمام شده است. اما رژیم را از فریبی کردن جان زحمتکشان جهت تحقق اهداف بلند خود چه باک؟ رژیم با تبلیغات خود و امکانات گسترده ای که در این راه کار میسرند میگویند: "همچنان فرزندان خلق را فریب داده و آنها را به حمایت از رژیم بر ما به داری ایران به خاک وادار نماید. اما رژیم مطمئن باشد همیشه عوامفریبی خود نمیتواند ادامه دهد. سازان پیش از پیش در مییابند که این رژیم و جنگی که ادامه دارد ارتجاعی بوده و زحمتکشان هیچ نفعی از این جنگ نمیبرند.

### استثمار زحمتکشان جنگزده

شیراز:

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که مسبب اصلی فقر و فلاکت و بیکاری زحمتکشان است، به بهانه ایجاد کار، زحمتکشان جنگزده را با مزد بسیار کم و امکانات ناچیز، تحت استثمار قرار میدهد: اخیرا عده ای از جوانان جنگزده برای بافندگی کار به داره کار مراجعه میکنند. عمال رژیم این زحمتکشان را به کار زورن میفرستند تا هر روز صبح به جاده بوشهر رفته و خوب و سنگ جمع کنند. غذای آنها اغلب اوقات نان و حلوا شکر است کارگران خواستار شرایط بهتر، حقوق بیشتر، غذای بهتر و... شده اند، اما بخاطر احتیاج شدید مالی همچنان بسرکار میروند و رژیم جمهوری اسلامی با سوء استفاده از فقر مالی آنها، همچنان به استثمار آنان ادامه میدهد.

### اهواز در زیر موشک های عراقی و...

رژیم ارتجاعی عراق در روزهای آخیر سال قبل با چند حمله وحیانه موشکی موجب مرگ عده زیادی از زحمتکشان اهواز و نابودی دهها خانه گردید. پس از این حملات حتی پیکار خانه خشم توده های اهواز نسبت به ادامه جنگ و با نیان مرتجع آن دور رژیم ضد خلقی ایران و عراق میزونی یافته است. جانی نیست که بروی و شاهدا اعتراضات گسترده مردم بر علیه این جنگ ارتجاعی نباشد. نوهم زحمتکشان به نسبت روزهای آغاز جنگ به میزان قابل ملاحظه ای نسبت به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ریخته است. آنان با نیان ساده و فریادهای کوبنده بر دم داران رژیم را در کسوی و خیابان مورد حمله انقلابی قرار داده و اعتراض خود را نسبت به ادامه این جنگ خانمان بر انداز اظهار میدارند. این اعتراضات در روزهای اخیر بسیار گسترده تر شده است و در هر گوشه ای از شهر توده های مردم دیده میشوند که با خشم و نفرت از رژیم جمهوری اسلامی و فلاکت ها و بدبختی های جنگ کنونی صحبت میکنند.

رژیم جمهوری اسلامی بی شرمانه از تجاوزات و ایستادگی مردم اهواز در برابر حملات رژیم عراق صحبت میکند (کیهان ۲۳/۱۲/۵۹) اما واقعیت اینست که مردم زحمتکش اهواز چون اهالی سایر مناطق جنگ زده ارتکشا و فلاکت ناشی از جنگ به تنگ آمده اند. آن گروه از زحمتکشان اهواز که قدرت مالی

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



اهواز...

کافی برای سرک شهروندی در مناطق دیگر ندا شده و ناگزیر برای ادا ما کاروبار کفینس حقوق ناچیز مجبور به ادا ما فامنت در اهواز هستیم. عمر هر روز شهر را ترک کرده و شب را در میان های اطراف شهر میگذرانند تا از آسیب حملات وحشیانه ارتش مرتجع عراق در امان بمانند و دوماه صبح روز بعد برای کار روزانه به شهر میگردند.

سرکوب آوارگان ملک شهر

رفقای تشکیلات اصفهان در مورد سرکوب آوارگان اعلامیه ای تحت عنوان "سرکوب آوارگان ملک شهر عیدی رژیم جمهوری اسلامی، سرکوب آوارگان مبارزان! منتشر شده است که ما در اینجا قسمتی از آن را درج میکنیم:

زحمتگان مبارزان:

جریانی که در روز ۲۵/۱۲/۵۹ - در ملک شهر اتفاق افتاد اذیتها و آزارهای دیگر رژیم در سرکوب مبارزان زحمتگان و آوارگان نیست. "شاید این نماینده مزدورساندار اصفهان در روز ۲۵/۱۲/۵۹ آوارگان ملک شهر را تهدید میکند که اگر به "زمین شهر" (در حدود ۴۵ کیلو - متری اصفهان) نروند، از تمام امکانات غذایی و بهداشتی و سوختی محروم خواهند شد.

رژیم در ادا ما سیاست خود برای ابراز کند کردن آوارگان میخواهد، آوارگانی را که در اصفهان یا حداقل در نزدیکی اصفهان هستند، به نقاط دور افتاده ببرد تا با برتوده ها نهمند که آنها تحت چه فشاری هستند و رژیم جمهوری اسلامی چگونه آنها را سرکوب میکند، همچنین با ابراز کند کردن آنها، از مبارزات سراسری و عمومی آنها جلوگیری کند. آوارگان میسارز ملک شهر که با اتحاد خود از رفتن به "زمین شهر" سر باز زده اند، هم اکنون تحت فشارهای بی رحمانه رژیم قرار دارند، نفت و حیریه غذایی آنها را در تاریخ ۲۶/۱۲/۵۹ قطع کرده اند و تمام امکانات بهداشتی آنها را از دروگاه خارج کرده اند.

این واقعیت درستی حرفهای کمونیستها و انقلابیون را ثابت کرده که با آنها گفته اند، عریضه های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی درباره کمک به آوارگان، در طول ۶ ماه جنگ ارتجاعی دروغی بیش نبوده است درست در هفته ای که رژیم عوامفرسا نه "هفته آوارگان" نام گذاشته و بیش از همیشه به تبلیغات مزدورانه اش پرداخته و با بردن آوارگان به گردش و تفریح!! فکر آنها را از مسائل اساسی منحرف کرده است، آری درست در این هفته به سرکوب جنگ زدگان "ملک شهر" پرداخته است و این خود بهترین مثال است برای شناختن ماهیت واقعی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی.

زحمتگان مبارزان، نیروهای انقلابی و کمونیست! عیدی واقعی به جنگ زدگان ما باید شرکت در مبارزات آنها و حمایت از خواسته های انقلابی آنها باشد. متحدانه دفاع از زحمتگان جنگ - زده سردار رژیم و جنبه های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را علیه جنگ زدگان افشا کنیم.

با نظرات و اجتماعات خود، مدای حق طلبانه خود را به گوش کارگران و زحمتگان برسانیم و بیشتن با آنها را از خواسته های بحسب خود جلب کنیم. برای تشکیل شورای واقعی، برای تحقق خواسته های خود، مقابل توطئه ها و تفرقه افکنی های رژیم ایستادگی کنیم. "تا بود با توطئه های سرما به داران و رژیم جمهوری اسلامی حامی آن، علیه جنگ زدگان"

"برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق" قسمتی از اعلامیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات اصفهان

آوارگان و روستائیان

زحمتکش بر علیه

جنایت مزدوران

روستای وین در نزدیکی اهواز قرار دارد. در این روستا حدود ۳ هزار آواره مستقر شده اند که قسمتی از آوارگان در مدرسه وین و بقیه در چادرهای در انتهای ده ممکن گزیده اند. ستاد بسیج هر چندگاه یکبار مقداری مواد غذایی آورده و بین آوارگان توزیع میکند. روزیکشنبه ۲۴ اسفند فراد بسیج وین در محل مدرسه مقداری سبب زمینی مواد دیگر توزیع میگردند، زحمتگان آواره هم که فقیر و فلاکتان در اثر این جنگ ارتجاعی دوچندان شده است و با نظم برای گرفتن حیره غذایی، این حق طبیعی شان که بزور و مبارزاتشان به رژیم تحمیل کرده اند، صفت بسته بودند.

در این بین در اثر عدم توزیع درست مواد غذایی بین آواره ها، صفت بهم میخورد و همین کافیت تا فراد بسیج و کمیته که در خدمت رژیم ستم پیشه و بر علیه زحمتگان کار میکنند آتش کلوله های خود را روی آوارگان، زحمتکن بگیرند آنها در آغاز شروع به تیراندازی هوایی میکنند که در اثر آن، بلوغی و از همها شدگی صفت بیشتر میشود، در اثر این شلیک هوایی یک تیرامیک به تیر آهن سقف خورده و کمانه کرده و سه کودک دوساله ای که در بغل مادرش خوابیده است میخورده و او را تبدیل از رحمی کرده و از حال می برد.

آواره ها که این صحنه را می بینند به خشم آمده و شعار "مرگ بر پادشاه" و "مرگ بر پهنی" میدهند.

در این هنگام افراد بسیج رذالت خود را آشکارا به نمایش میکشند و دستگیر میگردند و آوارگان شلیک میکنند. آنها که از آگاه شدن زحمتگان و رسوایی سردمداران رژیم شلیک بهشتی و امثال او به وحشت افتاده اند میخواهند با کشتار و کلوله فریادهای افشاگرانه و حتی طلبانه زحمتگان آواره را خفه کنند. ما آوارگان با وجود اینکه یک نفرشان زخمی نشده است مصما به تیر به ما زهره تا ادا ما میدهند. آنها متحدانه و در حالی که "مرگ بر پهنی" را هر چند محکمتر شعار میدادند به افراد بسیج مستقر در مدرسه حمله کرده و این مزدوران جنایتکار را کتک حسابی میزدند و آنها را فراری میدهند سپس آواره ها از مدرسه بیرون آمده و با تمام خشم و نفرت و با تمام توان خویش به شعار دادن می پردازند.

آنها با این شعارها را هی بهداری شده و سپس به پاسگاه ژاندارمری میروند تا شکایت نامه ای بنویسند.

در این بین بیشتر اهالی زحمتکش و جوانان روستای وین به صف را هیما می کنندگان میپیوندند و شعارها را تکرار میکنند. راهیما می کنندگان هنگام بازگشت به مهد کودک وین که مقر ستاد تبلیغاتی بسیج وین است حمله کرده و تمام مزارع و پلاکتهای بسیج را از دیوارها بین کشیده و پاره میکنند. سپس به بازار میروند. در آنجا تعدادی تیراندازی از زحمتگان به آنان میپیوندند و تعداد جمعیت به ۶۰۰ نفر میرسد جمعیت بسوی دفتر حرس جمهوری اسلامی که در بازار مستقر است رفته و تا طلوع آفتاب با این میکشند و خرد میکنند و بعد به طلوع خانه رئیس حزب جمهوری و کمیته وین، آخوند طالب زاده رفته و شعار مرگ بر طالبی و حزب جمهوری میدهند.

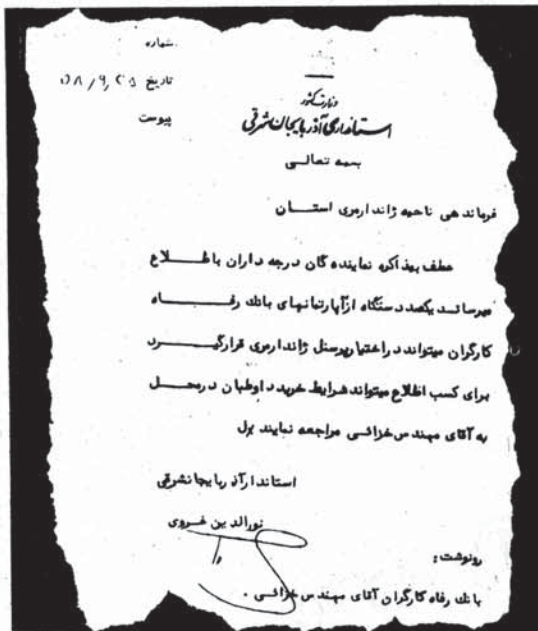
در این فاصله مزدوران رژیم که وحشت زده تر متوینند به ما ساداران روستای ملانانی خبر داده و از آنجا ۴ حباب سپاه وارد مدرسه میشوند و شروع به تیراندازی به سوی مردم میکنند دولتی مردم اعتراضی نکرده و با خشم بیشتری به شعار دادن خود ادامه میدهند. سپاه حمله خود را تشدید - ترکرده و ۶ نفر از فرزندان زحمتگان وین را به جرم توهین به رژیم و روحانیت دستگیر کرده و به اهواز میبرد. ما روز بعد با برخورد پس از این آوارگان آنها را از زمینها بد.

پس از این جریانات چند نفر از اهالی زحمتکش وین، که فرزندان شان در بسیج کار میگردند لباس بسیج را که لباس نظامی است از تن فرزندان شان بیرون آورده و زحمتگان را از دستشان میگیرند و با کتک آنها را به خانه می برند و بیست تمام مردم به آنها میگوید: "تا این تفکیکها میخواهد مردم را بکشد؟ اگر میخواهد اینکار را بکشد مردم ما ندانند و بگریه خانه میسازند."

مبارزان آوارگان و روستائیان زحمتکش طبقه در صفحه ۲۵



### بنام رفاه کارگر و بفتح ژاندارمری سرکوبگر



طبق دستور استنادار آذربایجان شرقی، صدستگاه از آبا رتعیهای بانک رفاه کارگران در اختیار برسرمل ژاندارمری قرار گرفته است. خواهشهائی که از دستبرج کارگران زمینکش ویا بول آنان توسط "بانک رفاه کارگران" ساخته شده است نه تنها در اختیار آنان قرار نمیگیرد بلکه تحویل افراد ژاندارمری میگردد.

کارگران و دهقانان زمینکش طی سالها تجربه زندگی و کار خودبا رها بچشم خودشا هدیه داده اند که هر زمان برای بدست آوردن حق عادلانه خود دست به مبارزه زده اند. بنابراین مبارزه با رفاه کارگران و دیگر سازمانهای سرکوبگر رژیم برای خفه کردن خواستههای بحق آنها اعزام شده است. آنها سخوی میدانند

بقیه از صفحه ۱۵ مقاومت \*\*\*  
انتخاب شده بود. طی جلسه ای مسئله نظارت وزارت کار را بر امر انتخابات مورد بررسی قرار داده و با اکثریت آرا آنرا رد کرده، بدین ترتیب کارگران مبارزین الکتریک مشقت محکمی برده ان نوکران سرما به نواخته و نشان دادند که در جریان مبارزاتشان چگونه آگاهی طبقا نشان افزایش میابد.

### اخراج کارکنان مبارز در ماشین سازی تبریز

رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدنش، برای با سازی و تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته به سرکوب مبارزات کارگران و زمینکشان و نیروهای انقلابی دست زد و در تمام این مدت با توسل به عوا مفریبی و گرفتاری زستانهای "انقلابی" به توجیه حسانتشان پرداخت. زمانیکه مبارزات حق طلبانه کارگران را توسط نه بدستانتش سرکوب میکرد و فرسایشگران را بخون میکشید، نفوذ "مدانقلاب" در میان کارگران و "توطئه" عوامل امپریالیسم را بهانه تفسیر مبادا!

زمانیکه خلقهای تحت ستم کرد، ترکمن و... را بوسله ارتش آمریکا شی و با ساداران مزدور قتل عام میکرد، آنها را "عمال امپریالیسم شرق و غرب" خوانده که دست در دست بختا روبا لیبیان میخوابند، "انقلاب" اسلامی ضربه بزنند! زمانیکه دانشگاهها را بست و جنبش انقلابی دانشجویان را بخون کشید، دانشگاهها را مرکز "فاساد و توطئه"، و دانشجویان انقلابی را "توطئه گر" و "ساواکی" خواند!

زمانیکه تمامی آزادیهای دیکراتک را توسط او باستان مسلح خفه نمود و به اعدام و شکنجه کمونیستها و انقلابیون پرداخت، نام آنها را "انقلاب فرهنگی" گذاشت و کمونیستها را "امریکائی" و "ساواکی" خوانده و میخواند!  
اما ما هیت ضد مردمی رژیم آشکارا در آن بود که این عمل و ارانه زدنهایش مدت زیادی مؤثر نباشد و عملگردهایش خلی رود برده از چهره واقعی اش درید. از جمله عمل اخیر رژیم در کارخانجات ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز در رابطه با بازگرداندن مدیران ساواکی و رستاقیزی بکار، نشان داد که ضد انقلاب و خدمتگاران امپریالیستی چه کسانی هستند! انتحش است که نوده ها در می ناسند همس تعاف و ماهوی میان این رژیم و رژیم جنایتکار گذشته نیست و هر دو در خدمت با انقلاب و خلق متحدند.

ما هشت نیست که بردارد، بلکه خانه ها شی را که از بول کارگران ساخته شده و با بد را خیار آنان گذاشته شود، برای سکونت افراد ژاندارمری که در کنار ارتش، با ساداران و شهرهای دستگاه سرکوبگر رژیم را تشکیل میدهند، اختصاص میدهد. آیا هنوز در ما هیت صدکارگری رژیم جمهوری اسلامی با بد شک کرد؟

کمی ژاندارمری و ارتش برای دفاع از منافع سرمایه داران و زمینداران و حفظ رژیمی که حامی این چپا ولگران است ایجاد شده اند و این در زندگی خود با رها امتحان کرده اند. اما رژیم جمهوری اسلامی که ادعای حمایت از "مستضعفین" را دارد نه تنها کوچکترین قدمی در راه تامین نیازهای کارگران و دهقانان زمینکش از جمله تامین مسکن بر نمیدارد و در

### فیلم چند میلیون تومانی برای "نوده های پابرهنگه"

رژیم شاه قرارداد میبندد و رژیم جمهوری اسلامی با جرارد رمیاورد!  
علی حاتمی سازنده فیلم سلطان ما حبقران که در آن چهره مرتجع ناصرالدین شاه را بسک کرده بود، قراردادی برای ساختن فیلمی بنام "جاده آسپتم" با رژیم شاه امضا کرده بود تا هزینه ای چند میلیون تومانی از دستبرج زمینکشان ایران بدفرت نوده ها سپردارد. اما مبارزات نوفنده نوده ها ندوی اجازه چنین کاری نداد. بسیاری ساختن این فیلم فرا رسد که تیرگی تیریه نیک ایران قدیم با حده شود که ما خمان آن در جاده کرج در دست اقدام است.  
احیرا این فیلم ساز "انقلابی" شده با دریافت چندین میلیون تومان از طرف رژیم جمهوری اسلامی مجددا ما موراحتن این فیلم شده است و قرارداد جدید از قرارداد قبلی که با رژیم شاه

### ترانس پیک

در ادم مبارزه قبلی کارگران ترانس پیک که در آن کارگران جلوی خروج لاسب... را گرفته بودند کارگران اس کارخانه موفق شدند روزانه ۱۲۰ ربال بعنوان اضافه دستمزد دریافت دارند (یعنی تا ۲۰ درصد دستمزد کنونی) هیئت مدیره دولتی سعی میکرد این اضافه دستمزد را تحت عنوان طرح طبقه بندی مشاغل برداخت نماید. اما کارگران درخواست خود را پیش بردند و از تقسیم این مبلغ بول بین مهندسین و سیرستنها جلوگیری کردند و تمامی این مبلغ را بین خود تقسیم کردند. درود بر کارگران مبارز ترانس پیک.

امروز این عمل رژیم در شرایط انجام میگردد که موج اخراج کارگران و کارمندان مبارز و انقلابی در اغلب کارخانجات و ادارات همچنان ادامه دارد و حتی همین جندی پیش بود که کارکنان مبارز کارخانجات مذکور را اخراج کردند!  
آری، اینست مفهوم "سکونت" تولیدی و اداری او اینست مفهوم "سکونت" که کارکنان مبارزین و کارکنان "مکتبی" و "اسلامی" که



# سال ۱۳۶۰، سال بهره‌گیری از تجارب و تعمیق جنبش مقاومت خلق کرد

بود. و ارتجاع حاکم در جهت تحقق چنین هدفی به‌دفا نیروهای انقلابی نهادنکا جنبه حمله کرد. بسیج جماعتداران، خائوکنان و پاداران برای سخریدنکا هذفضا به‌سین خاطر بود که تحت عنوان انقلاب فرهنگی، با سسین دانشکاهها این مراکز فضای جنابات رژیم ارحمله درگردستان و رسانیندهمدای حق طلبانه خلقی کردیمکوش کارگران و زحمتکشان و خلفهای سراسران، خلق کردرا اربشوا نه تسلیماتی درسراسر ایران محروم سازد. این بوطله که در حقیقت خدمت سرکوب مستقیم خلقی کردبرادران است با سهادت دهها دانشجوی انقلابی و زحمتی شدن واسبارت مدها نفرار آنها همراه بود.



از حمله ساستهای رژیم در این دوره، سلاست درجهت ارمه باشدن "هیئت نما بندگی خلقی کرد" پیمانها تنها نما بنده مورد حمایت تمام خلقی کرد، از طریق سازش و ممالحنه جناح سازیکار آن - حزب دمکرات - بود. اما افسا کرپها و فشار جناح انقلابی هیئت و سازمانهای کموسی سرا سرا بران و مخالفت سرخمانه خلقی کرد، مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم حزب دمکرات با رژیم در جهت تحقق طرح ۶ ماده‌ای را، غنیمت گذاشته و راه هرگونه سازش و ممالحنه جداگانه را مسدود نمود.

علیرغم سخرخوسین برخی از سهره‌های گردستان از حمله مغروسندج، مبارزات خلقی کرد، همچنان به انگال مختلف جریان مسا بند. مردم نپهران سمدج بندسال یک آسین سکوآه مند درد و نقطه از سهر، طی اجماع با سکوھی. ادامه مقاومت و ممالحنه ما خلقی سلاح خلقی کردرا اعلام می‌کنند و اادان ساز، "هر جا ندیسان سکری، خردسنان سلسلی، هر فلیمان سازیکخی اکثر همه گنسه نویم جلع سلاح سمنوسم" روحسه انقلابی و مقاومت جویا به خود را به نما سس می - کدارند. سوسپهای نظامی متعددی در ساسه، اطراف میانه دوارومه توسط سسمرگان جنبش با روما رمسوسند. در بنده مردم برای اغراضه دسترسپها، سه روزا غنمات عمومی" اعلام می‌کنند حرکت فعال دانشآموران در مبارزات سیاسی خلقی حکمکرات است. سظا هرات گسترده و سکووه دانشآموران انقلابی درسندج و ستر سسد نما ساسی ارمه سسکی خلقی کرد سسدیل سسود. با سوسسین جنبش اکثریت سازمان جنبشهای فدائلی خلقی به اردوی صدا انقلاب، ططف حدسندی سردسنان خلقی کردا فرورده می‌کردد. سوده‌های زحمتکشان سوسزه در مبارزات سسال محلیف فقرت خود را از رارما سبای حرکتکشیای اکثریت و حزب سوده و عمال سس اعلام می‌کنند.

در ۱۴ فروردین از اولس کامپای رژیم در جهت سسخرگردستان نپهران بود. در اس هکام مردم سندج سسورا سسمرگان سانسکسل سازیکادانی خود را برای ممالحنه مسلحانه سها جموحسا به رژیم آماده می‌کنند و سهره‌های ستر و سانه در عرصه سسر خلقی و سمدخل سسدیل می- بود. تمام سسروهای سرکوب رژیم سس کلونه ساران و سرت سسین سسمران سسخر، سندج، ساسسدو مرسوان، گسنا زحمتکشان گردستان را آس ساز می‌کنند. سسخت سسرسسین سسروسندج سسراران حسانه و کلونه سوه و سسرا نه‌های سسدیل می- سوسند. اما مقاومت و روحد اغانالی زحمتکشی سسرها حمانه آفرین است. سسناکه افسران و سساجسنان اسناداری درسندج سعلت حسانت نظامی خود، سسین از سسناظ دسکر مورد هجوم سسرسسین و سسناداران واقع می‌کردد. سسمرگان نپهران سس کدر سسین سسسمر رژیم برای سسخر سسیره سسمنت کسنا روسع و اسیدام سسیرا در می. سس سسد، سسرای خلوکسری ارکسار اغانالی سسدفناغ، سندج را سسرک می‌کنند. اغانالی سسرسیرا سسرکسرت سسناجم و حسانه رژیم سسیرا سسرک و سسورب آوارکان در سسوکان اسامت می‌کنند. و سسرکسرتل سسسسررد سسلحانه سسمرگان سس رژیم به روسناها و کوهپهای گردستان سسسدیل سسود.

بدون سسنا سسسین سسها جموحسانه‌ای سس می- سواسسب بدون وجود سسمنه‌ای مسا سس برای رژیم امکان سسدرکرد، هجومه آزادیهای دمکراتیک درسراسران سسین در آمد سسیده سسین سسمنه‌ای

بحرات سسوان گفت که دوسال مفا و سسست حمانه آفرین سسرستراتیکه جنبش مقاومت سسوسع - سترسین سسخت سسوده‌های زحمتکشان سسسدستان و سسرکت فعال کمونسسیتها در آن، خلقی کردرا در مفا سسین انقلابی در سسربرد انقلابی سسر سسین خلقیهای جهان و جنبش مقاومت خلقی کردرا در رده‌های اول جنبشهای انقلابی خلقیهای سسبت سسمر بر علیه ارتجاع و امیرا لسمجهانی سسرار داده است. سسرکی این جنبش آران حبت سسر حسمه است که سسدا زقیام سسکوهمند خلقیهای ایران، در متن اعتلا انقلابی و در سسنا اسوه سسینی از سسادهای سسجیده و سسوه‌ها که عمدتاً در خدمت ضد انقلاب قرار دارند، خلقی کردرا کاهانه سسناکه به سازمانهای سیاسی - نظامی خود سسدون سسر سسرال و اسنادن در دما مفریب جمپوری اسلامی، سسرخواست - های سسر حق خودیای سسرده و سس موارزات سسرند و گسرتن جنبشهای سسوده‌ای درسراسران، در پرتو حمایت فعال کمونسسیتها و نیروهای انقلابی و سسررفی مبارزات خود را سسعمیق داده و سسپسندان سسسماری سسندیم انقلاب خلقیهای ایران سسسوده است.

سال ۵۹ سال اوچکیری مبارزات نپهران سسند خلقی کرد و سسپسمرگان جنبش مقاومت سسود. سسالی که سسر سسر وازی تازه سسقدرت سسریده سسدا زیکمال و اندی اسسصال در سرکوب خلقی کرد، آترا سسال "امسنا" سسیدو سسرایی نامین جنبش امسینسی برای سسرما به، سسمصمبه سرکوب انقلاب، گسرتن کارگران و زحمتکشان و خلفهای سسبت سسمر سسیره خلقی کرد، گرفنه سسود. آنچه که حسمسندی احمالی و سسابع و حسانات سال گذشته در گردستان را ضروری سسمازد، سسناخت سسسق اوماعی است که از سال سسین سساکسون سسرکردستان جا گسره سسوده و سسرما سسین آن، حسمسندی مجموعوه و سسالی سس است که سسر جنبش مقاومت و سسجولات آن درسراسر کمونسسیتها قرار داده است.

بندسال مقاومت سسناکه خلقی کرد و سسنا سسر قدرت مسلح خلقی و آسین سس حندما سسر در گردستان در سسروروز ۱۳۵۹، سسر سسنا گردستان سسنا سسسه سسطقه آزاده‌ای سسوده خلقی کرد سسناکه سسسه ارتکابهای مسلح سسوده‌ای خود، آورا اداره می - کرد. در آن متفق سسر سسدی سسوده که سسبت سسینی رژیم به سس منظور دست سسسدن از گردستان سسناکه سسسه نکست سسنا حبت سسالی سس می - سسالی او سسود که رژیم را سسیدول آسین سس و سسحدت سسول سسرایی حمله‌ای گسرتده و اداره سسجه سسود. از او اسسسل فروردین ۵۹، جمپوری اسلامی، سساعقل و سسستفالات نظامی در گردستان سس سسینا سسحک سساعزایی سسسه سسویت سسر وهای سرکوب سسر خود در گردستان اسنادام سسود. ممالحنه سسنا می گردستان، سسسل سسسام زحمتکشان روسنای سسولان در ۶ فروردین و حرکت حاشیا و پاداران وار سسین سسطرف سندج



← سال ...

زیر ضربات دشمن قرار دارند. کردستان قهرمان تحت محاصره جدید افتادی قرار میگیرد و مزدوران رژیم برای درهم کشتن مقاومت اسن خلق ستمدیده، اراستغال کمترین مواد غذایی و ما محتاج زندگی به شهرهای موجود در دست پیشمرگان و روستاهای اطراف آنها جلوگیری میکنند.

با کشتن جنگ ارتجاعی ایران و عراق در اواخر شهریور، نتیجتاً اشرف توجه توده ها از جنبش خلق کرد، و نزلتات روستایی بخشی از جنبش کمونیستی در قبال جنگ و هتایت حاکمه حرکت سرکوبگرانه رژیم در کردستان شدت بیشتری میگیرد و حنا با ت رژیم در کردستان تحت الشعاع تبلیغات حول جنگ، ابعاد گسترده تری بخود میگیرد. شهرها به ساد ۱۱ روز تمام در قبال حمله وحشیانه ارتجاع حاکم قهرمانا نه مقاومت میکنند و بی از ۵۰۰ نفر یک هفته بعد از جنگ بصورت ویرانه ای به تسخیر رژیم جمهوری اسلامی در میاید. قتل عام وحشیانه فارس و فلاتان باریکتر، در روستاهای ایندرفساش، صوفیان، یوسف کندو، سروکاشی تکرار میگردد و دهها روستا توسط مزدوران رژیم به توب و خپاره بسته شده و ویران میشوند. انجا چننین حنا با ت نشانه ندهنده سیاست جدیدی است که رژیم از طریق آن میخواهد با کشتار روستاییان سید دفاع و نطق حمایت آنها از پیشمرگان، با سنگترا کردن حلقه محاصره نظامی - اقتصادی شهرهای موجود در دست خلق، ضربه نهائی خود را بر جنبش مقاومت وارد سازد. اما این حنا بیات با عت توقف مبارزات مسلحانه که در روستاها و روستاها نشین میگردد و اهالی روستاهای ایندرفساش، سیدآباد، لاجین و چندین روستای دیگر با مقاومت مسلحانه و عقب راندن مزدوران رژیم، آمادگی خود بر ندادن مبارزه و حمایت از پیشمرگان را اعلام میکنند. حضور پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت در شهرها بویژه در مها با در روز دوم بهمن سالروز برپائی جمهوری کردستان خود مختار؛ ضربات گسترده پیشمرگان بر نیروهای دشمن و استعمال بی نظیر مردم از آنها، همبستگی و پیوند هر چه مستحکمتر خلق کرد با پیشمرگان را نشان میدهد.

سعی و دستگیری و خلق سلاح گسترده مزدوران ستم زکری بویژه توسط پیشمرگان انقلابی کومله در سال ۵۹ مهرا شدیدی سری بر حنا ستم و اعاالت مردمی جنبش مقاومت خلق کرد بود که بروسی بر روی هر گونه تبلیغات دروغس رژیم و سوکران روستایی در جهت انتساب جنبش خلق کرده عراق و و استکی آن به رژیم ستم خط بطلان کشد.

گذشته از بیلابریه بدن نیروهای ضد انقلابی نظیر جریکهای فدائی اکثریت، سال ۵۹، سال گسترش اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات و افتادن هر چه بیشتر این حزب در بین توده های زحمتکش کرد و متقابلاً گسترش پایه ستمده ای کمونیستها بود. حزب دمکرات بنا به ما هیست طبقاتی و ضد انقلابی خود نمیتوانست و نمیتواند رشد و گسترش نیروهای انقلابی در کردستان را تا هدایت اسن حزب علاوه بر ستمکری بهای فراوانی که در حنا با ت از ما لکن و فتودا لیا، برده قانان زحمتکش روا میدارد، اما منسبه اقدامات خود را گسترش داده و به حمله مستقیم به سازمانهای انقلابی خلق کرد تبدیل نموده است. از حمله قلدر منشا نه حزب به احتما عسات نیروهای انقلابی از جمله کومله گرفته تا حمله و آزار و خلق سلاح افراد مسلح "راه کار گستر" و پیشمرگان انقلابی کومله و بیگار، نتا م... سا بیبا نگر دشمنی این حزب با کمونیستها در جهت تحقق اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی خود بود. حمله وحشیانه عمال حنا بیگار این حزب به مفر سازمان ما در بیگانا به تاریخ ۵۹/۱۲/۷ و شهادت سه تن از رفقای ما و زخمی شدن دستگیری دهها نفر از آنها توسط مزدوران حزب، از جمله آخرین اقدامات حنا بیگارانه حزب دمکرات در اواخر سال ۵۹ بود که نفرت عمیق نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش کردستان و سراسران را برانگیخت.

از جمله تا کینکهای سرکوبگرانه رژیم در اواخر سال ۵۹ تبلیغاتی بود که حول توسعه و تسلیم و تحویل اسلحه پیشمرگان و گرفتن امان - تا مه بر اهنادنا خسته و کماکان به آن ادامه میدهد مسئله توسعه و امانا نه در حقیقت نوعی جنگ روانی و ایجاد تشویش در صفوف مستحکم خلق کرد میبا شد و تنها خائینی مثل جریکهای اکثریت با تحویل دادن اسلحه به رژیم توسعه کردن و گرفتن امانا تا مه، خورا ک تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی در جهت ایجاد جنبش جنگ روانی را فرا می کشد.

\*\*\*

بینکار دلبرانه خلق کرد در مقابل ما انواع توطئه های ضد خلقی رژیم و سوکران روستایی در سال ۵۹ و محدود و قایع و تحولات سیاسی ایران و رشد جنبشهای توده ای بویژه سعد از گسترش جنگ ارتجاعی ایران و عراق بطور عام و رشد و تعمیق هر چه بیشتر جنبش مقاومت در بین افنا روستایی از زحمتکشان کردستان و روستایی - های انقلابی و بویژه کمونیستها در کردستان بطور خاص تا سال ۶۰ و ظایف خطری را در پیش روی کمونیستها قرار داده است. با بهره - گیری از تحارب دوا لده حنیش مقاومت، حرکت فعال و سریع کمونیستها در جهت استقبال از سر - آمد حنیش توده ای و انقلابی در کردستان و ضرورت توسعه و تحکیم پیوند خلق کرد با خلفهای سراسران از جمله برنا مه های عاجلی است که کمونیستها ملزم به اجرای آن هستند. تسلط و

### جاشها و پاسداران در کمین پیشمرگان انقلابی پیکار

عمر روز ۵۹/۱۲/۲۱ عده ای از پیشمرگان سازمان بیگار (پهل شهید کریم) در حاد ستمدج - کامباران بین دو با بگا دشمن (با بگا ههای گز نه و فرودگاه) در ۱۵ کیلومتری ستمدج به کمین نیروهای دشمن نشستند. در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر یک ذیل ارتشی حامل نیروهای سرکوبگر رژیم به کمین پیشمرگان افتاد. پیشمرگان قهرمان با قلی آکنده از کینه طبعی تی، دشمن را زیر ضربات حانا نه خود قرار دادند. ما شین پس از طی مسافتی و از گون گردید و اکثر سر نشینان آن کشته و زخمی شدند حمله پیشمرگان چنان برق - آما بود که دشمن تا یک ربع ساعت بعد از در گیری قادر به عکس العمل نبود. همچنین عده ای از حاشها که مذبحا نه برای پیشمرگان کمین گذاشته بودند، کمین آنها توسط پیشمرگان خشی شد و هنگامیکه جاشها از کمین خارج شدند مورد حمله پیشمرگان قرار گرفتند در این حمله قهرمانانه حداقل ۷ تن از نیروهای دشمن به لاکت رسیدند و عده ای نیز زخمی شدند بعد از این درگیری پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند و مورد استقبال پر شور روستا شیان مسرفرا رکرفتند. لازم به یاد آوری است که در تاریخ ۵۹/۱۱/۹ بیژدره من محل پیشمرگان (پهل شهید کریم) امر به دستگیری نیروهای دشمن وارد کردند که با عت کشته شدن ۱۲ نفر و زخمی شدن تعداد زیادی گردید. طبق اطلاع موثق یکی از زخمی شدن از زندان شان اکثریت بوده است. (اخبار جنبش ۹ - سازمان بیگار ستمدج)

### یک خبر

۵۹/۱۲/۱۶ - بدن سال خپاره باران روستاهای اطراف میا ندو آب، ساعت ۱۱ صبح اسین روز روستای "خان کندی" را بدیکر هدف آتش نیرو - های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در اثر اصابت گلوله خپاره به یک خانه یک زن شهید و ۲ نفر زخمی شدند این چندمین بار است که روستای "خان کندی" خپاره باران میشود و حندی بیس نیز کفر در کرا زاها ای آثار اثر اصابت گلوله خپاره شهید شد. سعی قتل در کردستان، تلاش مسلحانوم و بیگار نه در جهت جلب حمایت هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان سراسران از خلق کرد، افتای حنا با ت رژیم در کردستان، افتای توطئه های ضد خلقی روستایی پیشمرگان در جهت سازش کنندن جنبش خلق کرد، مها رزه با هر گونه نما بلات تجزیه طلبانه حافل ضد انقلابی و واسسه بضرر رکاری، انسانی اهداف جنایتکارانه رژیم از جمله های نظیر توسعه و امانا تا مه و با لآخره نسا با بدن ما هیست ضد انقلابی حزب دمکرات، ساست، اهداف و برنا مه های اسن حزب در جریان عملکردهای روز مره آن در کردستان از جمله وظایفی است که کمونیستها باید بر روی آنها با ت فزوده و بدان پاسخ دهند.

### تشدید رقابت‌های امپریالیستی در منطقه و سیاست طبقه کارگر

"یکی از مشخصات اصلی امپریالیسم، رقابت مابین چند قدرت بزرگ برای بدست آوردن هژمونی است". آنها همیشه سعی دارند که "دشمن را تضعیف نموده در هژمونی اش خدشه وارد آورند". (لنین امپریالیسم با لائوسن مرحله سرمایه داری) اگرچه امروز جهان کنونی

میان قدرتهای امپریالیستی تقسیم شده است، اما از آنجا که قانون رشدنا موزون قانون دانسی امپریالیسم بشمار می‌آید، به این لحاظ تناسب قوا در در دو گساره امپریالیسم مدا متغیر یافته و قدرتهای کماز ظرفیت بیشتری برخوردار میشوند میکوشند تا در تقسیم سرزمین ها تجدید نظر نمایند و بنا

توانا به نفع خود تغییر دهند. در حقیقت - تحت ائتلافها و سازش های امپریالیستی در زمان صلح، "مقدمات جنگ" شما ر میآیند و این اتحاد ها - چیزی جز "تنفسهای" بین جنگ نخواهند بود" (همانجا) در زمان صلح هر یک از امپریا - لیستها میکوشند تا بر قدرت نظامی - اقتصادی خود بیا فزاید و ائتلافهای جدیدی بنا فریبند تا بتوانند به هدف خود که هدانا کسب هژمونی جهانی است نائل آید. در حقیقت در مناسبات میان قدرتهای امپریالیستی سازش موقت است و رقابت اصل میباشد و به همین خاطر آنها مدا میکوشند تا ظرفیتهای نظامی خود را افزایش دهند تا در لحظه معین، یعنی در زمان جنگ بتوانند بر رقیبان خود پیروز گردند. آنها میدانند که پیروزی قطعی بر رقیبان از طریق زور میسر است و به همین جهت تا میتوانند خود را مسلح میکنند و ظرفیت جنگی خود را افزایش میدهند. بقول استالین "دولتهای بورژوازی دیوانه وار مسلح و با زهم مسلح میشوند. برای چه؟ نه برای صحت های دوستانه، البته برای جنگ". (گزارش سیاسی به کنگره ۱۶)، جنگی که برپا نمیکند سیاست توسعه طلبانه و با هدف غارت و جپاول با زهم بیشتر ندارد ک دیده میشود.

در شرایط حاضر قدرتهای امپریالیستی به رقابت بیسابقه ای دست زده اند. امروز اگرچه میان امپریالیستهای ژاپنی و اروپایی و آمریکائی بمنظور سهم بیری بینر ا غارت جپان و رقابت شخصی وجود دارد. اما این امپریالیست ها در مجموع قطب واحدی را در برابر تقسیم امپریالیسم شوروی تشکیل میدهند. به این لحاظ رقابت میان این دو قطب، جدی است و رقابت در جهان امپریالیستی را مشخص میسازد اما از آنجا که هر یک از این دو قطب تحت هژمونی امپریالیسم آمریکا و یا سوسیال امپریالیسم



شوروی قرار دارند، رقابت میان این دو قدرت بزرگ امپریالیستی جایگاه برجسته ای را در کل حرکت رقابت جویا نه امپریالیستی بخود اختصاص داده است. اگرچه این امپریالیستها در سرکوب انقلابات و جنبش های راستین مشترک المنافع بوده و برای خفه کردن آنها به سازش دست میزنند، اما در راه منافع توسعه طلبانه خود در اکثر مناطق جهان به رقابت حاد ی پرداخته اند. منطقه خلیج فارس، خاور میانه و اقیانوس هند یکی از آن مناطقی میباشد که شدیدترین رقابت های امپریالیستی در آن جاری



است. این منطقه، منطقه دریای نفت است و نفت در اقتصاد کشورهای امپریالیستی نقش حیاتی دارد. این منطقه از نقطه نظر استراتژیک یکی از کانونهای بر اهمیت جهان میباشد. کنترل این منطقه و بخصوص نفت خلیج، نقش تعیین کننده ای در جنگ احتمالی آتی میان امپریالیست ها خواهد داشت. چرا که در دست داشتن چاه های نفت، به معنای کنترل قطعی اقتصاد اروپا و ژاپن میباشد. اقتصادی که به ترتیب ۶۰ الی ۷۰ درصد از مواد نفتی و انرژی خود را از این منطقه از جپان تا من میسازد. در حقیقت یکی از عوامل اساسی سروری در جنگ آینده کنترل همین منطقه و اعمال هژمونی در آنست. این کنترل و اعمال هژمونی نقش موثری در اعمال هژمونی در سایر جهان دارد. علاوه بر اهمیت اقتصادی و استراتژیک این منطقه در دوران انقلابات و جنبش های آزادیبخش، موجودی منافع امپریالیسم جهانی را شدیداً می نمایند. به عنوان

نمونه قیام دلورا نه خلق ایران ضریب شخصی به امپریالیسم و بخصوص آمریکا وارد ساخت. این قیام باعث گردید تا موقعیت امپریالیسم آمریکا در ایران بشدت تضعیف و متزلزل گردد. اگر چه بعد از قیام رژیم مرتجع جمهوری اسلامی اقدامات متعددی در جهت بازسازی مناسبات میان امپریالیستها انجام دادند، ولی هنوز که هنوز است به دلیل ادامه اعتدالی انقلابی در جامعه و رشد روز افزون آگاهی ها، امپریالیست ها نتوانسته است موقعیت گذشته خود را بدست آورد. بنا بر این توسعه جنبش توده ها در سراسر منطقه "خواهش های پلانی" امپریالیستها را آشفته ساخته و آنها را وا داشته تا برای مقابله با این جنبشها به تدارکات گسترده تری دست زنند.

بدین ترتیب با توجه به متافخ اقتصادی و استراتژیک در این منطقه و خطری که رشد انقلاب منافع امپریالیستها را تهدید میکند، قدرتهای امپریالیستی و بخصوص دو قدرت بزرگ امپریالیستی یعنی آمریکا و شوروی را به رقابت های شدیدی واداشته است. این منطقه اگرچه سالیان درازی است که میان امپریالیستها تقسیم گشته است، اما تبدیل شوروی به یک قدرت امپریالیستی و وارد شدن آن به صحنه رقابت های امپریالیستی و تغییر در تناسب قوا منجر به آن شده تا هر یک از امپریا - لیستها بکوشند تقویت موقعیت خود را با تضعیف رقیب تحق بخشد و تمامی تدارکات تجاری و کارانه را برای جنگ آینده انجام دهد. در حال حاضر این تدارکات رقابت جویا نه در عرصه های زیر برجستگی یافته است.

از نقطه نظر ایجابا دو تقویست با یگا های نظامی همانطور که میدانیم سوسیال امپریالیسم شوروی در "آساب"، "ما و او" و "آدین آبا" (ا تیوی)، "در عدن" و جزیره "سقطره" (یمن جنوبی) در "ام القطر" (عراق)، در "لاذقیه" (سوریه)، در "تمیش"، "مدرس"، "کنشین" و "شکا پانتا" (هند) در "دیگر سوارز" (جا داگاسکار) و در "سنگار" در "ناکالا"، "بشرا" و "ماپوتو" (مجمع الجزایر سیشل و جزیره مورس) دارای با یگا های نظامی بوده و با از حق توقف گشتی های جنگی برخوردار است. علاوه بر این موارد با یگا های نظامی فعالیستون توسط روسها و تبدیل آن به یک با یگا عظیمی است. در مقابل امپریالیسم آمریکا نیز دارای با یگا های نظامی در ترکیه، دو با یگا در اسرائیل، با یگا در مصر، یک با یگا عظیم در بندر "بربره" در سومالی، یک با یگا در "مومباسا" در کنیا و چند با یگا در عمان و بخصوص جزیره "مصره" مساعد. به علاوه اسرائیل و عربستان سعودی از ادا رمنهای صلح امپریالیسم آمریکا در منطقه بوده و این قدرت جپانخوا را ی با یگا عظیمی در جزیره

تشدید...

"دیگوارسا" میباید. میباید. امیریا لیسما امریکا در سده نظامی سال ۱۹۸۱ در نظر گرفته شده با یکا های خود در منطقه را نوازی نموده و آنها را تقویت و گسترده نماید. در حال حاضر امریکا به توسعه تا سواست خود در بنا یکا هیبای عمان و کینما و سومالی دست زده تا سواست بینسانی لحسنیکی از نا وگان خود در اقیانوس هند را آمانت نماید. توسعه و تقویت آستانها با نگاه ها. با وگانهای امیریا لیسما نکسی در خلیج فارس و اقیانوس هند را از نقطه نظر سوختی و تجهیزات نظامی شدید تقویت خواهد کرد. همانطور که میدانیم از سال گذشته دو نیما و هواسما بر "آزینهاور" و "نی میتر" در منطقه خلیج فارس مستقر شده اند. برقراری ارتباط این ناو ها و سایر یکشتی های جنگی امریکا با مرکزها یکا هی "دیگوارسا" از سواست لازمیه بر خورد را نیست و به همین جهت تقویت با یکا های اطراف خلیج فارس و کناره شمالی و شمال غربی اقیانوس هند نقش حساسی برای امریکا دارد. به همین منظور بناگوناگون از کنگره خواستار بشتر از ۷۰۰ میلیون دلار برای نوازی با یکا های نظامی در عمان و سوزده در "مصره" گردیده است بخلاوه امیریا لیسما نیگا را امریکا تا کنون با ۵۵ میلیون دلار و ۱۱ میلیون به عمان تواقیق کرده و در بودجه سال جدید ۲۴ میلیون دلار برای نوازی بندر "بریبه" ۲۶۰ میلیون دلار برای گسترش "موماسا" در نظر گرفته است. در ضمن امریکا برای توسعه تا سواست "دیگوارسا" مبلغ ۲۳۷۷۰۰۰۰۰ دلار اختصاص داده است.

تقویت رزمیهای سر پرده و وابسته در طی سال ۱۹۸۱ وجه دیگری از کوشش امریکا جهت تحکیم موقعیت خود در منطقه را نشان میدهد. اختصاص ۲ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی به دولت نجار و زکرا اسرائیل و ۱۰۰۰ میلیون دلار به اردن و ۲۰۰ میلیون دلار به لبنان، و ۱۰۰ میلیون دلار به یمن شمالی و و آمان نظامی ۴۰۰ میلیون دلار و و اقتصاد ۱۰۰ میلیون دلار به پاکستان، سبناگر تهید اقدامسات امریکای نجار و زکار در جهت تشدید رقابت با شوروی امیریا لیسما و تقویت تدارکات جهت سرکوب خلقها میباشد امیریا لیسما امریکا اخیرا یک ماهواره نظامی در منطقه برناب کرده که بهر هر حرکت نظامی در این منطقه نظارت خواهد داشت بخلاوه امریکا در نظر دارد علاوه بر هواپیما های غول پیکر و آوکی. هواسما های مافوق مدرن الکترونیکی به عربستان تحویل دهد. در برابر این حرکات سوسال امیریا لیسما شوروی نیز علیرغم تمام عوامل فرسایشی با استقرار "ملح" در منطقه همچنان به اقدامات رفاقت جویانه خود ادامه داده و منظور صمبر نا وگانها و زیر دریائی های خود در اقیانوس هند را تقویت کرده و رزمیهای وابسته خود از قبیل افغانستان، یمن جنوبی، اتیوپی ... را

کمون...

سین ارتسین مطالع می سبادا خیر... و زوی منادیریا دی ایلحد و مبعات به روزم ارتخا می هیبنا... دانه...  
- ریا... با ما هر جا سوار... ریس...  
شوروی در تاس! مپورا ایسما امریکا اخیرا گفته است: "س ارتسینک دوم میباشی. ما هرگز به سراسر چنین قدرت نمایی و آرایش نظامی سر پرده خود را نوازی قرار نکرده ایم." این اعتراف مراح امیریا لیسما یکبار دیگر اسنادا مات می باشد تا قه آنها در جهت جنگ آینده و سرکوب انقلاب را رویتر مینماید. امیریا لیسما و سوسال امیریا - لیسما اگر چه "الملح" ریسج زندانی "حسرت" میزند اما آنها در نخل یک لحظه از کسبش اقدامات جنگ افروزانه و سرکوبگرانه نا غافل نیستند. آنها در همان زمان که از "ملح" سخن میبرند، دیوانه وار خود را مسلح و با هم مسلح میکنند. روزیوستیها برای حواب کردن طبقه کارگر و خلقها همیشه این چنین تبلیغ میکنند که با مذاکره میتوان جلوی جنگ و گسترش تدارکات جنگی را گرفت. اما این فریبی بین نیست. امیریا لیسما بنا به ماهیت خود یک لحظه از اهداف نجار و زکارانه خود غافل نمی شوند، با هم متحد میشوند تا انقلابات را درهم کوبند و با همه رقابت و جدال سر میخیزند تا سهم بیشتری از غارت جهان را بخود اختصاص دهند.

ببرواضح است بنظر ما آنچه که در سوسال هیبای خا شن به حیانی بصورت "جنگ قریب الوقوع" جهانی سوم طرح کرده و سازش طبقه های کارگران و زمینکنان را با ارتجاج و امیریا لیسما های غارتگر امریکا و "جهان دوم" بر علیه سوسال امیریا لیسما روس موافقه میکنند که سراسر ارتخا عی بوده و با واقعت روند روندهای جهانی که جنبه غالب آن را رشد انقلاب و منا رزات انقلابی کارگران و بنوده های تحت سده تشکیل میدهد، تطبیق نمی نماید. زمینکنان جهان در صورت وقوع جنگ احتمالی امیریا لیسما با مقاومت انقلابی علیه آن میباشند و آبرانه هرمنی در جهت رشد انقلاب و سوسال لیسما مسدول خواهند کرد.  
سبابت طبقه کارگر در مقابل اقدامات نجار و زکارانه امیریا لیسما سیاست مبارزه و ادا مانقلاب میباشد. این امری روشن است که نزدیکی با دوری امیریا لیسما به یکدیگر برای طبقه کارگر و خلقها هیچ تفاوتی نمی کند، چرا که آن نزدیکی در جهت سرکوب انقلاب و استن دوری در جهت سهم گیری سترگ از جبا وول جهان و در نتیجه با هم سرکوب و استنما ر خلفها میباشد. بنا بر این تا وان دوری و نزدیکی امیریا لیسما - لیسما را خلقها میسر دارند. بنا بر این زمینکنان کمونیسما و طبقه کارگر در بلات روسوینسما و ملح طلبان شوروی، هیچ خواهی مدوری و نزدیکی امیریا لیسما ندارند. آنها سبابت تارمانی که ارتجاج سوسال لیسما سبابت جنگ و نا ورونا ریزگی در وجود جبا وول و آنها سبابتند که در همین مرحله موجود میبود

# هدف حزب جمهوری اسلامی از "احیاء" کاشانی چیست؟

**کاشانی**  
حضرت آیت الله کاشانی امروز بخیرگامی و موفقیتهای خود در ایران احتیاجی به تقسیم املاک نیست اما اگر مالکی میل خود میبایدت باینکار کند البته ایرادی ندارد از جانب شوروی خطری متوجه ایران نیست و برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم دولت باید اقدام کند



دردگرا و روح خردگرا روزنامه و آذربایجان ایجاد نموده و حاصل این دو همکاری چاپ بوکلادی امروز آذربایجان و سعادت خود در دست است. میل از نظر با حضرت آیت الله کاشانی مصاحبه ای در آذربایجان علاوه بر آن در روزنامه خواننده کانگنر در روسیه در جریان ملی هفت

خفقان رضائیان و اوجان رفتار "مقولی" داشت که رضائیان در تعریف او خطاب به آیت الله بهبهانی و دیگر روحانیون درباری گفته بود: "تمام شما ها دروغ می - گویند. تنها فردی که از روی عقیده و ایمان و صراحت لهجه بدیانت پابینداست سیدکاشانی است"  
(مجله خواندنیها مورخه اول شهریور ۱۳۳۱)  
**میگویند:** پس از شهریور ۲۰ و اشغال ایران بدست نیروهای متفقین آیت - الله کاشانی به زندان سدان انگلیس ها افتاد و چه روزه - ها و روزه ها در این باره به گوش مردم نمیخوانند.  
**ولسی نمیگویند:** که اتهام اساسی او همکاری با

و با آنها جهت نبل به "مقدم واحد همکاری" ممنوعه است.  
**میگویند:** آیت الله کاشانی از ملی شدن نفت حمایت کرد و با افراطی تر گذارده رهبری این جنبش را (که شوروی از ملی ایران برهبری مصدق در دست داشت) از آن کاشانی میباشند. از ترور رژیم آریابست خلیل طهماسبی که یکی از سرداران کاشانی بود سخن میماند و میباشند و پیروزی نهضت ملی مردم ایران در خلع پادشاه شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را "سبک و وجود آیت الله کاشانی" قلمداد میکنند.  
**ولسی نمیگویند:** که کاشانی چگونه با مرخصترس نیروها و مزدوران سیاستهای امپریالیستی نظیر دکتر مظفریفاقی کرمانی، حسین مکی و سپهدار هدی همدست شد و پس از قتل ۳۰ شهروان بطور مداوم سعی در واژگونی دولت مصدق نمود. حزب جمهوری اسلامی که قصد دارد با احیاء سیاسی کاشانی او را از خاندانش به جنبش ملی ایران تطهیر نماید و او را بعنوان "قهرمان ضد استعماری و ضد استبدادی" معرفی کند، هرگز نمیگوید که کاشانی همواره از رژیم سلطنتی و مالکیت فئودالی رمن حمایت نمود (به سند شماره ۱ سوخته کند)

**آلمان نازی بود.** آری نمیگویند آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی همراهِ با حبیب الله نویخت و محمدحسین حسام وزیری و احمدنا مدار (نماینده سرلشکرزاهدی) چگونه با جاسوس های شناخته شده آلمانی مثل مایروبرتولد شولتسه همکاری ریهائی داشته اند. رژیم جمهوری اسلامی که از زندانی بودن آیت الله کاشانی در زندان انگلیس ها سخن میگوید هرگز از این اعتراف آیت الله سخن نمیانماید و در دهه در رابطه با همین همکاری با آلمانها، او را رشدهالی گیلانی (یکی از وزرای عراق که با حمایت آلمانها دست بیک کودتای نافرجام در عراق زد) و نیز با مفتی فلسطین (۳) (که با آلمانها تماس داشت) مکتبه ممنوعه است

**مفتی فلسطین (حاج امین الحسینی) مجتهد و فتوادل بزرگ فلسطین که در راس جنبش ضد استعماری فلسطینیها قرار داشت و گفته یکی از انقلابیون عرب علت مخالفت او با صهیونیستها غضب اراضی وسیع متعلق به خود او بود. از سوی دیگر او با مصلحان برای مبارزه با یهودیان با آلمان نازی تماس گرفت و به آنان قول همکاری داد. حاج امین الحسینی که سرانجام با رهبران مرتجع عرب به مازن رسید پس از اشغال فلسطین بصورت بنا نهاده سیاسی در لیبان زندگی میکرد و رژیم شاه هم روابط حسنه ای داشت و در همان سال ۲۰ سال آخر عمر در آنجا نشانی شده از سوی کاشانی مرخص حدود ۵ سال پس در لیبان درگذشت.**

رژیم جمهوری اسلامی که ماهیتش سرما به داری و سناگزیر ارتعاعی میباشد، برای تحکیم قدرت سیاسی خود به انواع و اقسام متوسل میگردد. از سرکوب کارگران و زمینکنان و نیروهای کمونیستی و انقلابی گرفته تا دامن زدن هر چه بیشتر به جعل و ساختارهای و فریبکار ریها. رژیم میکوشد برای طعنه خویش و همبسانان آن، تاریخ انقلاب را مزر بازد. این است که در تاریخ به جنجالی میپردازد، آن را تحریف میکند و حقایق را از چشم نوده ها پنهان میدارد، تا از آن میان، چه سره تصنی و ساخته و پرداخته ای را بعنوان "قهرمان" تحویل نوده ها دهد. طبیعی است که رژیم با ما هبت ارتعاعی و عقب مانده اش امثال شیخ فضل الله نوری و آیت الله کاشانی را بعنوان سبیل و قهرمان مورد نظر خویش ارائه میدهد اینها کسانی بودند که سیر مبارزه طبقاتی در جامعه ما آنان را مدتها پیش از مرگشان به گور سپرده بود اینها کسانی بودند که کارگران و زمینکنان و نیروهای مترقی جامعه ما آنان را طرد کرده بودند بعنوان خاشاکین به جنبش خلق به زباله دان تاریخ انداخته بودند. اما رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از تاکتیکها و نیز با توجه به دردست داشتن انواع وسائل تبلیغاتی، "کاشانی"ها و "شیخ فضل الله نوری"ها را دوستدار توده ها و "قهرمان استقلال و مبارزه با استعمار امپریالیسم"ها میزند و برایشان "ویژه نامه" و پوستره های رنگی چاپ میکند و برنامه های مفصل را دیوتلوویزیونی - همه از جنب زمینکنان - برآه میاندازد.

**میگویند:** آیت الله کاشانی همزمان با جنگ جهانی اول که در نجف بود نقش فعالی در مبارزات ضد انگلیسی در عراق داشت.  
**ولسی نمیگویند:** که مخالفت او و دیگر روحانیون همانند او با انگلیسها تا جه اندازه تحت تاثیر حمایتشان از "خلافت عثمانی" و بدور از خواسته های واقعی انقلاب دمکراتیک مردم عراق بوده است. رژیم نمیگوید مجتهدی که رهبری مبارزات آن سالهای مردم عراق را بدست داشت یعنی آیت الله محمد تقی شیرازی چگونه نامه های خطاب به سفیر آمریکا و انگلیس مینوشت و آنها را به حمایت از "اسلام" فرا میخواند (رجوع کنید به متن این اسناد در پیکار ۸۳ مورخه ۱۰ آبان ۵۹)

**میگویند:** آیت الله کاشانی پس از جنگ جهانی اول از دست انگلیسها فرار کرد و در عراق به ایران پناهنده شد.  
**ولسی نمیگویند:** که چگونه تا سکوت و تا شید رژیم رضائیان آسوده به تدریس علوم دینی مشغول شد چگونه آیت الله کاشانی در محلی مو، سبانی که رضائیان برای تفسیر سلطنت ارفا چاره به پهلوی ترسیدند بعنوان نماینده ای طرفدار رضائیان شرکت داشت.  
**میگویند:** کاشانی با استعمار روس و چکها مبارزه میکرد.  
**ولسی نمیگویند:** که طی ۲۰ سال دوره سلطنت

هدف ...

مدعی بعنوان نماینده بورژوازی ملی ایران در آن زمان نتوانست نقش مترقیانه ای داشته باشد و یکی از انحرافات بزرگ حزب بوده هم نامیام ۳۰۳۱ عدم درک همین موضع و نقش مدعی نبود مدعی هر چند بلحاظ مشی رفرمیستی خود نتوانست مبارزه قاطعانه ای را علیه رژیم سلطنتی و نظام فئودالی به پیش برد ولی کوششها محدود کردند اختیارات شاه و نیز محدود کردن اختیارات فئودالها قدمهای اصلاح طلبانه بردارد. برای مثال مدعی در کنار برخی تصویب قوانین که تا حدودی بنفع دهقانان بود طی وصیتنامه ای که به کاشانی سپرده بود منجمله گفت که هر زمینی زراعتی که متعلق به اوست به زراعتی که روی آن زمینها کار میکنند داده شود (نقش از مجله خوانندگیا ۲۱ مرداد ۱۳۳۱) ولی همانطور که در سند شماره ۱ میبینید کاشانی در برابر برهنگونه اطلاعات ارضی میایستاد.



روزهای پس از کودتا، شمس قنات آبادی (با عمامه سیاه) که مدیر مجله آتش و فردی بسیار نزدیک با کاشانی بود با کرباسیجان مدیون سرد ملت (اول از سمت راست) و عده ای دیگر در باشگاه افغان در حضور سپیدزاد هدی نخست - وزیر کودتا دیده میشوند.

عکس از "سرد ملت" که خود را از اركان فدا شيان اسلام معرفی میکند و هنوز هم مستشرق است و رسالتی برای خود جز مبارزه با کمونیسم فاشل نیست. عکس فوق را در روزهای پس از کودتا بعنوان یک "افتخار" در سرد ملت چاپ کرده اند.

داشت با ارتحای ترین نیروها که عمال سیاست های استعماری خارجی بودند همدست میشد.

"کاشانی در مجلس شورای ملی با راهی، بقاشی حاشی زاده، میراشرافی (۲)، جمال امامی و

کاشانی در حمایت از شاه نیز شرکتدهیهای فراوانی بکار برد که یکی از آنها واقعه ۹ اسفند ۱۳۳۱ بود. کاشانی و آیت الله بهبهانی (که در سرپرستی به دربار شاه معروف همگان بود) طی یک محنه سازی، جمعیت زیادی را به دربار فرستادند تا شاه را که با اصلاح میخواست از ایران قهر کند از مسافرت مانع شوند. بدین ترتیب زمینه تبلیغات وسیعی بنفع شاه و سلطنت و علیه مدعی در این روزها فراهم آمد، که البته با توجه به روند مبارزه طبقاتی درون جامعه، تنها گرانندگان محنه را رسوا ساخت.

حزب جمهوری اسلامی که فرزندان خلف کاشانی و بقاشی امثال دکتر آیت راد در درون کمیته مرکزی خود دارد، البته حاضر نیست از خیانتات اسلاف سیاسی خود سخن بگوید. حزب حاکم هرگز نمیگوید که کاشانی چه همکاری ها و وحدتیی با حسین مکی (دلال دربار) و دکتر بقاشی (خائن به ملت) همکار کودتا جیان ۲۸ مرداد دوشنبه در قتل افشار طوسی داشت.

حزب حاکم هرگز نمیگوید که کاشانی چه رابطه ای با سرلشکر زاهدی داشت و چرا وقتی زاهدی تحت تعقیب دادستانی ارتش قرار گرفت کاشانی با استفاده از اختیاراتی که بعنوان رئیس مجلس شورای ملی داشت، به او پناه داد و از استقبال کرد و از "مراحمتهای که برای او فراهم شده" اظهار سانسف نمود و از "خدمات" او به نهضت ملی ستایش کرد! (۲)

کاشانی با موضعگیریهای شدید اندکومنیستی - اش و وحشی که از قدرت گرفتن کمونیستها

سایر نوکران استعمار برای طرح و اجرای فتنه - های جدید در مجلس جمع میشدند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد

- کاشانی با زنگنه شاه را تبریک گفت  
- کاشانی ۳ روز پس از کودتا (شهریور ۱۳۳۲) به ملاقات سپیدزاد هدی (نخست وزیر کودتا) شتافت (روزنامه شاه ۱۷ شهریور ۱۳۳۲)  
- کاشانی با سپیدزاد هدی ملاقات و رئیس ستاد دولت کودتای ۲۸ مرداد، بقاشی، میراشرافی، و جاش معروف شمس قنات آبادی (که پس از کودتا همراه با میراشرافی محله بسیار رنگین و مستذل "ت" را بر سر انداختند و زفا سدرترین نشريات ۲۸ مردادی بود) همکارى نزدیک داشت. (سند شماره ۲). سپیدزاد هدی بنا نقلی طی محاکمه ای که اخیرا انجام شد و روابط کاشانی را افشا کرد که مورد تکذیب رژیم هم قرار نگرفت.



دوایام عاشورا در منزل شیخان چبری و خان ذریقه دیهانه مجلس مردادری برقرار بود که غالب شبها بسیاری از رجال و مسترین حضور می یافتند. برورد نیز عات در گذشت شواهر مغری مجلس خشی برپا بود که بسیاری از رجال دو آن شرکت داشتند

**آیتاله کاشانی در مصاحبه خود با خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز گفت:**  
**تا وقتی که دکتر مصدق، صدر کار است و موجب برای تغییر کابینه نیست**

ایران سایان دراز حاجت بملطنت دارد و وجود شاه جهت جامعی برای جمع آوری کلیه طبقات مردم است  
ملت ایران نهصد میلیون اوره از شرکت سابق طالبگارت و تمام موسسات هت را از آن خود میداند

**بارفعلی محاصره اقتصادی ملت ایران دنبال کمونیسم که بادی اسلام مباحثت دارد لغو خواهد شد**  
**رأی مجلس معقدمات که ۳ زارش هیئت هشت قری قابل طرح در مجلس است**

روزنامه «دنی» ممبر روزنامه نیویورک تایمز که روزانه صبح در نیویورک و چهارشنبه در نیویورک منتشر میشود و نیز آن قریه یک میلیون میباشد و همچنین «پای» ممبر روزنامه وطن پاره در نیویورک

این شماره ۱۲ صفحه و قیمت همان ۲ ریال است

کاشانی آنچنان بیش مردم رسوا و بی آبرو بود که علامه و در سال ۱۳۳۳ دائر سر مخالفت با دادن امتیازات نفت به انگلیس نتوانست نظر مردم را نسبت به او مسامحه سازد.

کاشانی تا سال ۴۰ که زنده بود در آنزوای عبرت انگیزی بسربرد. با وجود این رژیم شاه

میراشرافی پس از قیام مبین بحرم خیانت - های گذشته و همکارش پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر شد ولی به واسطه همدستیش که در حزب جمهوری اسلامی هستند آزادگشت برای سار دوم که دستگیر شد و بواسطه نزدیکی بود که نجاش دهدولی دادگاه انقلاب اسلامی امقهان تحسنت قضا مردم و را محکوم به اعدام نمود.

همسنگا شاره میکنیم که سرلشکر زاهدی علاوه بر حمایت کاشانی از حمایت آیت الله بنی صدر (بدر ابوالحسن بنی صدر) که از علمای معروف همدان و صاحب زمینهای وسیع بود نیز برخوردار بود. زاهدی که خود همدانی بود وقتی توانست از تخمین در مجلس فرا رکن مدتی در خانه آیت الله بنی صدر مخفی بود تا زمان کودتا فرار کرد.



هدف...

"خدمات" اورا فراموش نمیکرد. خوبش و نسدان نزدیک و سرخی از پسرانش به مقامات عالی دولتی رسیدند. شاه از احوال - برسی میکرد. کاشانی هم تا به آخر به طبقه خود و نمایندگان سیاسی آن رفا دارما ندمتجمله به مجلس بزرگداشتی باید اشاره کنیم که از بی از فوت سلطان محمد پنجم پادشاه مراکش (پدر ملک حسن یکی از سبیل های برجسته فتوادالیم در شمال افریقا) در مسجد

ارگ تهران برگزار کرد (سال ۱۳۴۰) ما بهمین اشارات اکتفا میکنیم (\*) و در بابان چند سندی را در معرض خوانندگان نا خود ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و حزب حاکم (\*\*\*) آن را از طریق شخصیت های مرده زنده ای که بیای آنها سینه میزنند نیز بشناسند.

(\*) - در تهیه این افشاگری کوتاه از کتابهای

بقیه از صفحه ۱۰ بزنگداشت...

حاضر شدند. مزار رفیق با شعارهای "برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق"، "گرامی باد خاطره بیکا رگ شهید محمود صدی" و... و ستاره سرخی از گلهای آتشین زینت یافته بود. بلاک رده سرخی که بر بالای مزار رفیق نصب شده بود، نظر جمعیت حاضر در گورستان را جلب میکرد و گروههایی از مردم با پای برهنه با اینگونه کمونیستها مراسم دارند بسوی مزار رفیق آمدند.

ابتدا حاضرین با مشت های گره کرده یک دقیقه سکوت کردند. سپس پیام زمان خوانده شد. آنگاه ما در رفیق درصیت کوتاهی گفت: "محمود یک کمونیست بود من به او افتخار میکنم" پس از افشاگریهای خانواده رفیق سرود "سرود ایستاده" خوانده شد. و شعارهایی چون: "محمود صدی قسم به خون پاکت راهت ادامه دارد" "خلق بیای خیزد، جلد خون می ریزد"، "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" و... در گورستان طنین افکند. یکی از بستگان رفیق صن افشای رژیم جمهوری اسلامی گفت "مرجعین میگویند محمود صده یک فتوادال بود" وی ضمن اشاره به پدر کارگر رفیق محمود اضا فیه کرد: "این فتوادال است" "او، او فرزندی که کارگر زحمتکش بوده به آرمان سرح کارگران وفادار ماند."

پس از فراغت پیام رفقای فدائی (قلیست) مراسم جهلم رفیق با شعارهای انقلابی پایان گرفت. در این مراسم تعدادی پادامه مزدور سرما به لجن پراکنی هائی کردند ولی بغا طر ترس از جوحاکم بر گورستان و بر خورد های هوشیارانه رفا ستوانستند در بزرگداشت رفیق احلال ایجاد کنند

آنها کاشانی در مصاحبه با خبرنگار یلغارچی: اگر کمکی از خارج برسد دولت زاهدی موفق به حل مشکلات و جلوگیری از کمونیزم خواهد شد  
من راضی نبودم مردم خانه دکتر مصدق را خراب و باو توهین کنند  
با شروع انتخابات ۷۰ نقطه کثرت اکثریت برای تشکیل جلسات مجلس ۱۷ ساحل خراب شد

و آنوقت مجلس تشکیل نمیدادگان نمایندگان تهرانی را تهرانی اهدا کرد  
پس از فراغدم، دکتر مصدق موفقت دست خود و دست شاه را



مجلس شورای اسلامی در تهران تشکیل شد و دکتر مصدق در آنجا سخنرانی کرد و اعلام کرد که دولت او بر اساس اساسنامه جدید خواهد بود و در آنجا اعلام کرد که دولت او بر اساس اساسنامه جدید خواهد بود و در آنجا اعلام کرد که دولت او بر اساس اساسنامه جدید خواهد بود

"گذشته چراغ راه آینده"، "جا بگاه مبارزات روحانیون ایران" دوره مجله خوانندیشها ۱۳۳۱ و سرخی شماره های روزنامه شاه و آسپای جوان و دیگر جراید آن سالها استفاده شده است.

(\*\*) - منظور ما از حزب حاکم، بر خورداری این حزب از موقعیت برتر در قدرت سیاسی است.

بقیه از صفحه ۱۰ بیاد...

به مقاومت در مقابل ارتجاع دعوت میکرد. ما هرگز فراموش نخواهیم کرد که چگونه رفیق محمود ما هیت ارتجاعی جنگ ورژیم را نزدیک کرده و افشا کرده و آنرا آنگاه مینمود.

رفیق را بیش ازیکما در بر بند زندان جمهوری اسلامی شکنجه کردند ما ارتجاع آنجا نیز شکست خود را به چشم دید و رفیق را به جو خه اعدا مسپرد. و ستاره درخشان دیگری بر آسمان جنبش کمونیستی ایران و جهان نشست.

رفیق محمود! ما با خون تو جدید عهد میکنیم. ما ایمان داریم که با به خاک افتادن یک کمونیست صدها کمونیست دیگر سلاج او را بر میگیرند و براه او میروند. ما ایمان داریم که کمونیستها هیچگاه نهمیم بر بند و با دشمن در قلب زحمتکشان همیشه زنده است.

رفیق محمود! ما تا گردان دست بر آورده توسط ر دیگر عهد میکنیم که تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و تا برقراری سوسیالیسم و کمونیزم یک دم از مبارزه با زنا یستم.

شاگرد رفیق محمود  
ارتجاع و وحشت زده از آگاه شدن توده ها نسبت به جنایات رژیم جمهوری اسلامی از بلندگیوی اصلی گورستان مرتباً اعلام میکرد که: "بطرف قبر آخری نروید، کافر هستند!"  
خون سرخ کمونیستها و انقلابیون با آنها و راه آنها را زنده نگه میدارد. ولدا موجب وحشت ارتجاع است.  
خاطره سرخ رفیق شهید محمود صدی گرامی باد!

بقیه از صفحه ۱۷ آوارگان...

و پس نشان دهنده ختم روز افزون توده ها از ظلم و ستم رژیم و روحیه تعرضی آنها نسبت به جمهوری اسلامی است اما حرایات این مبارزه از طرف دیگر نشان دهنده است که هنوز آتش خشم آنها تنها سمت و سوی بحثی از رژیم یعنی جناح حزبیه دارد و لیسرا آنها هنوز آتش خشم توده ها نسبتاً ممن مانده اند.

وظیفه کمونیستها و انقلابیون پیگیر است که با شرکت در مبارزات توده ها و افشای هر دو جناح ارتجاعی رژیم وجهت دادن مبارزات توده ها به سمت کل رژیم، مبارزات زحمتکشان را ارتقا داده و بنا بودی کلیه ارتجاعیون و جنایتکاران خلق را نزدیکتر سازند.

۵۹/۱۲/۲۴

بقیه از صفحه ۱۸ فیلم...

بسته بود "چرب تر است". رژیم جمهوری اسلامی برای بهبود وضع زندگی زحمتکشان و پرداخت حتی قسمتی از دستمزد زحمتکشان بودجه ندارد اما برای ادامه برنامهای غارتگرانه رژیم شاه و ساختن فیلم و شهرکهای مصنوعی چند میلیون تومان بودجه دارد! خوب! تبلیغ فرهنگ ارتجاعی و تحمیق توده ها هم خرج دارد دیگر!!

مبارزه انقلابیون در بند ادامه دارد!

از اولین روزهای سال نوا انقلابیون در بند در زندان اصفهان در اعتراض به فشار شکنجه و تهدیدهای رایج در زندان و نیز جهت مقاومت و اعتراض به "همبند بودن با ساواکی ها و مزدوران سرسپرده رژیم شاه ابتدا یک شب را در راه روزندان بسر بردند ما با یورش پاداران سرما به روبرو شده و دو نفر از مبارزین به سلول انفرادی منتقل شدند. زندانیان انقلابی تسلیم فتا رها، تهدید و اربا پاداران ارتجاع شده دست از مقاومت برنداشتند. انقلابیون در بند جهت اعتراض به این شیوه های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا زدند. شکنجه و آزار روز افزون انقلابیون در بند در شرایطی صورت میگرفت که عده ای از مسز دوران مرتجع نظیر حسن کلیمیان (سرما به دار بزرگ)، استوارزاده زرسیردگان رژیم شاه، نیسل - فروشان رئیس کلانتری هما یونشهر که متهم به ۱۱ فقره قتل میباشد، بیگدلی از عوامل کودتای سال گذشته و... از زندان اصفهان آزاد شده اند. نوظئه ارتجاع غلبه انقلابیون افشا بیدگردد! زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد بیدگردد!

مختصر شده از اعلامیه تشکلات اصفهان

۱۳۶۰/۱/۲

## سرمقاله ...

دولت را از مفهوم استراتژیک آن تهی سازند. استراتژی انقلاب، وظیفه متحقق کردن اهداف برنامهای انقلاب را برعهده دارد که البته از نظر کمونیت ها این اهداف، برنامها حداقل - در صورت لزوم - برنامها حداقلی بیرون را شامل میشود) و وظیفه اساسی استراتژی تعیین آن جهت اصلی است که نهضت طبقه کارگر را بدین ریش بگیرد و جهتی که در آن بیرون را میتوان در صورت اصلی را به منظور تحقق بخشیدن به هدفها یعنی که در برنامها منظور شده است، با تاثير هر چه بیشتر برداشتن وارد آورد. (۳). تعیین سیاست در برابر یک دولت معین، در واقع به معنای تعیین این است که در طول یک مرحله معین از انقلاب، چه طبقه یا طبقاتی می باید است سرنگون شوند، چه طبقه یا طبقاتی می باید است متحد و با سرنگونی نیروی طبقاتی فوق، قدرت خویش را مستقرا سازند. تعیین سیاست در برابر یک دولت، به مفهوم تعیین سیاست در برابر طبقه یا طبقاتی است که دولت منافعی آن را نمایندگی می کنند. از جانب دیگر آنجا که یک نیروی انقلابی، مبارزه با یک دولت معین را به منظور جاکزینی دولت و قدرت سیاسی مورد نظر خویش، با ضرورتی میسر میسر میسر، به مبارزه با این مسئله دولت و سیاست نیروهای انقلابی در برابر آن قبل از هر چیزی یک مفهوم و معنای استراتژیک پیدا میکند. که در شرایط متعارف حرکت انقلاب این سیاست بهیچ وجه نمیتواند ندرستی با سیاست تجزیه گردد. مسئله سرنگونی یک دولت، بیسک مسئله برنامهای و نیز استراتژیک است و نه یک مسئله تاکتیکی. چرا که معنا و مفهوم آن دقیقاً از درون ارزیابی از مناسبات اساسی طبقاتی و آرایش نیروهای جامعه و مملکت انقلاب در مرحله مورد بحث نکل میگیرد. اشتباه و انحسار فحاشا همدین در این است که مقوله دولت را به یک مقوله تاکتیکی تنزل میدهند و بنا بر این برای خود جاکزینی شمارند که بدون توجه به اهداف برنامهای انقلاب در مرحله کنونی، بدون توجه به اینکه در برنامها آنها، جهت دولتی می باید است سرنگون و جهت دولتی جاکزین آن گردد. (۴) این جاکزینی چگونه صورت میگیرد. (۵) این هدف برنامهای چه انعکاسی در سیاست عملی آنها در برابر رژیم معنی دارد. مبارزه با یک جناح از هیئت حاکمه را جاکزین مبارزه با دولت به مفهوم طبقاتی آن می نمایند. و با ایجاد مراحل کاذب برای انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی حاضر، بهمان شیوه ای که روبرو نیست های کهنه کاری چون حزب توده در آن شجره دارند، تئوری اپورتونیستی مراحل راننده میگردانند در یک استراتژی انقلابی، مقوله دولت، تجزیه - پذیر نیست که سرنگونی دولت و جاکزین دولت نوین انقلابی نیز بدست تئوری مراحل سپرده شود و گام به گام و مرحله به مرحله صورت گیرد. چرا که متحدین و دشمنان انقلاب، در طول مرحله ای که دولت مزبور به عبارت وسیعتر سلطه سیاسی

طبقه معین برقرار است، تغییر اساسی بخود نمی پذیرد و ذخایر اصلی انقلاب ثابت و لایتنفر هستند. مگر آنکه درکی زرفرمیستی از مقوله انقلاب، دولت و سرنگونی داشته باشد و با اینکه بطرزی اپورتونیستی و روبرو نیستی مرزهای جبهه انقلاب را تا درون قدرت سیاسی حاکم گسترش داده و جناحها و جریان ها را از نیروهای حاکم را در صفوف انقلاب قرار دهیم. مجاهدین با چنین انحرافی دریا به حرکت خویش، به تحلیل از اوضاع و تعیین سیاست در برابر دولت می - پردازند. مختصات اساسی این سیاست را در سه محور میتوان بیان نمود، که مجموعاً میتوانست بروشنی درک لیبرال - رفرمیستی مجاهدین را از مسئله دولت نشان دهد.

۱- "مانع اصلی کدام است؟" مجاهدین بدرستی میگویند که "برای دگرگون کردن شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب با بدردرجه اول عوامل و به خصوص علت اصلی بوجود آورنده آن را بشناسیم و مانع اصلی را که پیشرفت و بهبود امور را سد کرده است، تشخیص دهیم و تمام توان و کوشش خود را در جهت رفع و دفع آن سمت دهیم." (۴) اما مسئله این است که اولاً چه درکی از مفهوم "شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب" و مسئله "دگرگون کردن آن" داریم و با به عبارت دیگر چه درکی از مفهوم "انقلاب" داریم و ما "مانع اصلی" موجود بر سر راه "انقلاب"، به مفهوم انقلابی آن را، در چه چیز میدانیم. از نظر ما شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب، از زاویه یکسکدرک انقلابی، چیزی جز محرومیت و رنج و ستمی که در همه عرصه ها بر طبقات محروم و تحت ستم جامعه، از جانب نظام سیاسی - اقتصادی حاکم اعمال میشود، نمیباشد. شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب از دیدگاه انقلابی، به عبارت دیگر، از نظر یک جناح از طبقه مسلط بر جناح دیگر، یا یک نیروی ارتجاعی حاکم بر علیه نیروی ارتجاعی حاکم دیگر، بلکه ستمی است که از سوی طبقه یا طبقات مسلط بر توده های تحت ستم و انقلابی مردم، وارد میشود. لیبرالها همدر شرایط کنونی از "و خامت اوضاع" و "شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب" سخن میگویند، همچنان که در دوره رژیم شاه نیز سخن میگفتند، اما میان درک آنها از این مقولات با درک انقلابی تفاوت ماهوی وجود دارد و وظیفه انقلابیون درست در این است که میان این دودرک مرزدقیق بکشند و از مخدوش شدن این مرزها جلوگیری کنند، کاری که مجاهدین انجام نمیدهند! بر این اساس مفهوم انقلاب نیز چیزی جز از میان بردن رنج و ستم طبقاتی بر طبقات محروم جامعه، معنای مفهوم دیگری نمیتواند داشته باشد. بنا بر این دربارت زشنای علت اصلی اوضاع نابسان در یک جامعه طبقاتی همچون جامعه ایران، چیزی جز شناخت علت اصلی فلاتک و تیره - روزی توده های تحت ستم مردم، نمیباشد. همان علتی که به مثابه "مانع و رادع اصلی" در برابر انقلاب و تکامل آن، یعنی در برابر هرگونه اقدام انقلابی در جهت بهبودی، وضعیت زحمتکشان جامعه

عرض اندام میکند. بدین قرارها بد سوال کرد که "مانع اصلی" در برابر انقلاب ایران کدام است و علت اصلی اوضاع ناگوار و نا مطلوب موجود به زیان زحمتکشان، در کجا نهفته است. مجاهدین به این سوال اساسی است که پاسخ انحرافی و رفرمیستی میدهند. هیچ کس نمیتواند، حداقل در حرف، این نکته را مورد تردید قرار دهد که در مرحله فعلی انقلاب، امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به مثابه یک نظام ارتجاعی علت اصلی تیره روزی و فلاتک طبقات انقلابی و محروم جامعه میباشد. بنا بر این، برای دگرگون کردن اوضاع ناگوار و نا مطلوب کنونی به نفع زحمتکشان جامعه، هیچ راهی جز نابودی سلطه امپریالیسم در همه عرصه ها و سرمایه داری وابسته، وجود ندارد. به لحاظ سیاسی، آن قدرتی که به پای ساری از این نظام مشغول است و به تا مین زمینه ها و شرایط تولید و با تولید این نظام ارتجاعی میپردازد و لاجرم در این راه، به سرکوب انقلاب میپردازد عامل اصلی اوضاع "ناگوار" و "خیم" فعلی، در عرصه سیاسی میباشد. اگر در دوره گذشته، رژیم شاه، به مثابه یک دولت بورژواکامپرادور و کارگر - گزار امپریالیسم، به چنین وظیفه ای مشغول بود، اینک و پس از قیام، رژیم جمهوری اسلامی، در مکتب خویش چنین "مسئولیتی" را بر عهده گرفته است. تغییر در ترکیب قدرت سیاسی، بعد از قیام به هیچوجه، تغییری اساسی در عملکردهای اساسی دولت به مفهوم طبقاتی آن، یعنی از یکسوتا مین شرایط تولید و با تولید این نظام ارتجاعی موجود و از سوی دیگر سرکوب انقلاب و مبارزات توده ها بر علیه این نظام، بوجود نیاورده است و درست در همین عملکردهای اساسی است که دو جناح رژیم جمهوری اسلامی و در یک کلام کل هیات حاکمه با یکدیگر توافق و وحدت عمل دارند.

تجربه دوسالها کمیت رژیم کنونی، نشان داده است که هیچ یک از دو جناح، دربارت زسازنی سیستم موجود - سرمایه داری وابسته - هر چند به اشکال جدید و متفاوت از گذشته و سرکوب مبارزات توده ها در این جهت تردیدی بخود راه نداده است توده های مردم در هر گامی از مبارزه خود، بر علیه نظام مستقر، ناگزیر در برابر دولت و ارگانهای سرکوب آن قرار گرفته اند. در عرصه واقعی مبارزه طبقاتی، بروی توده های مردم، لیبرالها و جناح حزبی به اصطلاح "انحصار طلب" فرق چندانی نداشته اند. اینکه یک جناح، به دلیل تمرکز بیشتر قوای دولتی در دست خویش، نقش بیشتری در سرکوب داشته است، هیچ تغییر اساسی در مسئله فوق نمیدهد. طبقه کارگر در مبارزه خویش با سرمایه داری و دولت سرمایه دار، به همان میزان خویش را روبرو با جناح لیبرال حکومت دیده است که با جناح "حزب" خلق کرد، در مبارزه با ظر خواستهای عادلانه اش، هر دو جناح را یکی در برابر خود دیده است. خلق ما از ظر نبرده است که دوره نخست وزیری با زرگان، چه جنایتهای و خیانتها، بر انقلاب و خلقها توسط همین دولت



وارگان آن رواداشته شد.

بنا بر این، زدیدگاه انقلابی، مانع و رادع اصلی در برابر تکامل انقلاب ایران، نه این جناح با آن جناح بلکه کل قدرت سیاسی حاکم همه جناحها در چارچوب دولت بورژوازی حاکم، میباشد. و این همان چیزی است که مجاهدین آنرا به دست "فرا موشی" میسپارند. آنها بر آنند که مانع و رادع اصلی انقلاب، یک جناح از رژیم حاکم یعنی "انحصار طلبان" و علت اصلی "شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب" فعلی در "حاکمیت انحصار طلبان" میباشد. این درک عملا زحد درک لیبرالها از مانع و رادع اصلی اوضاع فعلی، فراتر نمیروود. چرا که این مانع را نه از زاویه منافع انقلاب، و این شرایط نا مطلوب رانه در رابطه با شرایط و اوضاع نابسا مان توده های محروم جامعه، بلکه از زاویه لیبرالها، یعنی از زاویه حرص و ولع "انحصار طلبان" در جهت قبضه کردن قدرت سیاسی در دست خود، مورد نظر قرار میدهد. نیت مجاهدین هر چند هم که خیر باشد و قلب آنها هر چند برای توده های زحمتکش بطیبه مضمون خط مشی سیاسی آنها، هیچ معنایی جز مفهومیوم فوق ندارد.

مجاهدین میگویند: "در بررسی علت اصلی اوضاع کنونی با توجه به موقعیتی که چه به لحاظ آما دگی و عزم توده های مردم و چه به لحاظ زمینه ها و امکانات مادی گفته شده بدون شک با بدریسه مشکلات را در حاکمیت سیاسی بعد از انقلاب جستجو کنیم؛ ما در موارد متعددی این حقیقت را بیه تفصیل توضیح و نشان داده ایم که اوضاع کنونی چیزی جز نتیجه عملکردهای جریان انحصار طلب حاکم پس از انقلاب زمان ما موردا در دست گرفته و بتدریج تمام مواضع کلیدی حاکمیت و قدرت را در قبضه ای انحصاری خود در آورده است، نمیباشد." (۵) مجاهدین از "حاکمیت سیاسی بعد از انقلاب سخن میگویند و علت اصلی اوضاع کنونی را در این حاکمیت میداند. اما لیبرالها از این حاکمیت بنا گه آن حذف میشوند و "انصار طلبان" به جای کل حاکمیت سیاسی می نشینند و بدین ترتیب عملا لیبرالها، بمنابهای از عوامل سد کننده راه انقلاب ایران، در کنار "برادران حزبی" خویش، در چارچوب کل دولت بورژوازی از دایره تعرض توده ها خارج میگرددند و نقش آنها در شکل دادن به اوضاع کنونی پوشیده میماند. برپایه این تحلیل، معلوم نیست که با لاف و آداب دولت با زرگان در برابر انقلاب قرار گرفته بود یا نه؟ و آیا "عملکردهای" آن، در پی وجود آوردن شرایط و اوضاع نامسا مان توده ها، بی نقش بوده است یا نه؟ ما همدین به این سوالات پاسخ نمیدهند هر چند که با تحلیل فوق عملا به آن پاسخ منفی گفته اند.

۲- مجاهدین مسئله سرکوب انقلاب: از یک دیدگاه انقلابی (و نه صرفا فاما رکیستی)، سرکوب را باید به مثابه مهمترین عملکرد طبقات ارتجاعی حاکم، در جهت تامین شرایط زیست و باز تولید

نظام طبقاتی حاکم، بشمار آورد. بدین معنا که بورژوازی برای برپا نگهداشتن استثمار سرمایه داری بطور کلی و سرما به داری وابسته بطور مشخص در جامعه ما، نیازمند مقابله با هر گام از مبارزه توده ای و هر قدمی از جانب آنها که بخواد به دایره نظام حاکم تعرض نماید، میباشد. بورژوازی برای تامین این امر، از همه وسایل و طرق و شیوه ها سود میجوید. بنا بر این امر سرکوب از طرف بورژوازی تنها محدود به بکارگیری ابزارهای قهر بورژوازی و دستگا ه نظامی - اداری آن نمیشود، بلکه همچنین ابزارهای ایدئولوژیک را نیز در این مسیر بکار میبندد. بورژوازی نه تنها بشکل قهری و از طریق ارگانهای سرکوب نظامی، بلکه از طریق فرمهای و ادانتیارات محدود، و نیز از طریق نهاد های ایدئولوژیک خود بشکل تحمیق توده ها و القای ایدئولوژیک و تفکرات ارتجاعی و بازدارنده انقلاب، دست به سرکوب انقلاب و توده ها میزند. از سوی دیگر ما نظریه دربار لگنیم، سرکوب را با بد از زاویه منافع انقلاب و توده ها، مورد نظر قرار داد. و تنها از این دیدگاه است که میتوان مظاهر واقعی هر گونه سرکوبی را در مقیاس وسیع در همه عرصه های زندگی و مبارزه توده های تحت ستم بدرستی تشخیص داد و سیاست صحیح را در برابر آن اتخاذ کرد. بر این اساس میتوان دهافت که در طول دو سال اخیر آنچه چیزی که اتفاقا جنبه وحدت همه جناحهای رژیم جمهوری اسلامی ایران را تشکیل میداد و میداده، همانا سرکوب انقلاب و تامین الزامات زیست و بقای نظام حاکم است. شما هیچ موردی را نمیتوانید بیابید که در جناح بر سر نفس "سرکوب" اعتمادات و مبارزات کارگران در کارخانه ها، اقدامات مستقل و انقلابی دهقانان در روستا ها، جنبش های خلقها در مناطق ملی، مبارزات توده ها در جهت تامین آزادیهای واقعا دمکراتیک... و با لاف و سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست اختلاف داشته باشند. کارخانه دولت با زرگان، در طول ۸ ماهه پیش، به اندازه کافی گویای این امر است. بر این اساس وقتی لیبرالها با شیوه های خشن و عربان جناح جزبی در سرکوب، شیوه "چما قدری" مخالفت میکنند، این مخالفت، اولاً جز مخالفت با بکار افتادن این چماق بر سر خود لیبرالها، برای زدن آنها از قدرت سیاسی نیست، ثانیاً، جز مخالفت با شیوه ای که اساس نظام سیاسی را، در شرایط اعتدالی آگاهی توده ها، به زیر سوال میکشاند (که اینک هم اکنون جناح حزبی را حدوداً به زیر سوال کشانده است) نمیباشد.

مجاهدین، از سرکوب عملا چنین درکی را ارائه میدهند، زمانیکه، "چما قدری" را نه بعنوان وجهی از سرکوب توده ها توسط بورژوازی (جناحی از آن)، بلکه صرفا به عنوان عملکرد یک جناح تبلیغ و ترویجی میکنند. مجاهدین، با جد کردن "چما قدری" از مجموعه عملکردهای سرکوبگرانه رژیم بورژوازی، و با محدود کردن دامنه دید و تحلیل خود از سرکوب، به همین وجه از عملکرد

جناحی از رژیم، آن را از مضمون طبقاتی خود تهی مینماید و مضمونی به آن میبخشد که باب طبع لیبرالهاست. بی جهت نیست که در تمام تبلیغات و نشریات مجاهدین، هیچ نشانی جز "هوا ردهی معدود و آنهم بطور مبهم و گنگ و گساده انحرافی - از افشای رژیم در سرکوب خلق کرد و کشتارهای بی حساب و وحشیانه این خلق تحت ستم، بیافت نمیشود. و این در حالی است که زخمی شدن یک هوادار مجاهدین بدست چماق - داران رژیم جمهوری اسلامی، بطور وسیعی صفحات نشریه آنها را بخود اختصاص میدهد (روشن است که منظور عدم افشای بر علیه این تعرفات ضد انقلابی رژیم نیست) و با تعرض به فلان و بهمان شخصیت سیاسی اپوزیسیون رژیم، دمکرات یا لیبرال، از جانب دارو دسته های حزب جمهوری اسلامی، بطور وسیعی در صفحات و تبلیغات این نشریه انعکاس میابد. آیا این سوال برانگیز نیست که مجاهدین به عنوان مثال در برابر ترور و اعدام بسیاری از هواداران نیروهای کمونیستی بویژه سا زمان ما، مهر سگوت بر لب زدند و افشای آن هیچ جاشی برای خود در نشریات مجاهدین پیدا نکرد؟ در فرهنگ سیاسی مجاهدین، حمله به لاهوتی و یا حمله به فلان میتینگ لیبرالها بوسیله چما قدران، معنای "سرکوب" را دارنده کشتار خلق کرد و یا کشتار روتورا انقلابیون کمونیست و فرستادن پاسداران برای سرکوب کارگران کارخانه ها، با این درک محدود از سرکوب و "چما قدری"، طبیعی هم هست که مجاهدین "وامت اوضاع" را تنها از عملکرد جناح انحصار طلب حزب جمهوری اسلامی، ببینند. و تنها این جناح را ما نخب "پیشبرداران انقلاب" قلمداد میکنند. در این فرهنگ و پیشش، لیبرالها از چما قدری مترواز مجموعه دستگا ه سرکوبگری رژیم مجزا میگرددند و مخالفت آنها نسبت به چما قدری، عملا همان مخالفت توده ها با این پدیده به مثابه جلوه ای از سرکوب بورژوازی جلوه گر میشود. مجاهدین با بدیدانند که خلق کرد، قبل از اینکه با پدیده ای به نام چما قدری روبرو باشد، با دستگا ه سرکوب رژیم ارتش لیبرالها، پاسداران حزب جمهوری... روبروست و کل رژیم را در برابر خود ایستاده میبینند. مجاهدین هر چه فریاد بر آورند که حساب لیبرالها از جدات و هموشی ما "تاکتیکی" است، سیاست آنها، فراتر از نیت آنها، مضمونی جز این بدست نمیدهد که دایره پیشش و استنباط مجاهدین از مسئله سرکوب و چما قدری، از دایره پیشش و تفکر لیبرالها از این مقوله، فراتر نمیروود. در غیر این صورت مجاهدین هرگز به خود اجازت نمیدادند که متحدین به اصطلاح تاکتیکی از میان لیبرالها، حول مقوله ای به نام سرکوب از ادبهای دمکراتیک برگزینند، مگر آنکه مخالفت خویش را با این سرکوب از ادبها تا حد خواست تما یل و مخالفت لیبرالها، بیه عقب بکشانند.

۳- "خلع بد" از یک جناح رژیم، یک شعار فرمیستی



### مأموریت جدید صادق طباطبایی

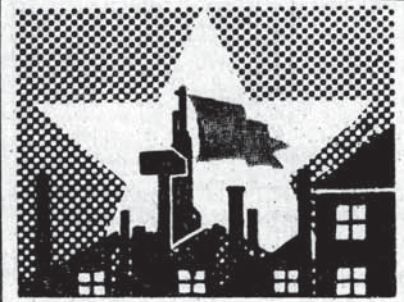
طبق اخباری که رفقای هوادار در خارج از کشور بدست آورده اند، صادق طباطبائی سخنگوی مرتجع "دولت بازرگان" برای مذاکره با مقامات امپریالیسم بلژیک در هفته های آخر سال ۵۹، به بروکسل مسافرت کرده است. رفقای ما در صدد تحقیق بیشتر در مورد اهداف سفر این خائن میباشند اما اطلاعات اولیه حاکی از این است که وی در جهت خرید سلاح از امپریالیستهای بلژیکی مذاکراتی انجام داده است. این سفرهای مخفیانه و خریدهای اسلحه در شرایطی مسورت منگیر در رژیم جمهوری اسلامی در بلژیک و گویهای خوددم از عدم خرید سلاح از خارج... میزنند. سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی که ادعا دارند دنیا بد چیری را از مردم پنهان کرده، با ملاقاتهای مخفی به زد و بند با امپریالیستها و دیگر مرتجعین مشغولند.

### یادی از... ۳۲

بفیه از صفحه ۳۲

نشد برای سرکوب خلق قهرمان کربده گردستان برود در مقابل به تبلیغ حقانیت مبارزه دلاور - نه خلق کرد در میان ارتشیان جوان میباید اذیت در هنگام کشتار خلق عرب بدست ژنرال مدنی جلال رفیق تا سرکه در آن زمان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق بود با استفاده از امکانات ارتش یکدم از تبلیغ و فعالیت انقلابی بازمی ایستاد پس از در غلطیدن بخش بزرگی از سازمان چریکهای فدائی خلق بطور کامل بدامان رویز بیونسم رفیق ناصر با آشنائی و تمایس با منشی و سیاستهای سازمان، ما به صف هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست. رفیق ناصر منکوشید با زبان ساده اعلامیه ها و مقالات سازمان را برای سازمان و همکاران جوانش توضیح دهد و آنان را در بیستن به صفوف انقلاب ترغیب نماید. پس از آغاز جنگ ارتشاعی ایران و عراق رفیق ناصر فرقهائی با شناخت و آگاهی به ماهیت جنگ در جهت انجام موفیانف تشکیلاتی و تبلیغ در بین سازمان به جبهه های جنگ رفقت و در راه افشای رژیم جمهوری اسلامی دفاع از آرمان سرخ طبقه کارگر گناش را نیز فدا کرد.

بانش را کرامی میداریم و راه سرخ اوراتنا بیروزی انقلاب برقرار می جمهوری دمکراتیک خلق و هنرا بزیم سوسیا لیسم بر فرار از ایران همچنان ادامه میدهم!



رفرمیستی **خلع بد**، جا بگترین شیوه انقلابی و قهری سرنگونی میگردد. همچنین زمانی که یک جناح از مجموعه یک رژیم ارتشاعی مجزا گردیده و بطور مجزا از کل نظام سیاسی مورد هدف قرار گیرد، روشن است که دیگر شعا سرنگونی این **جناح**، شعاری بوج ویی معنات و بکا ریسردن **شعرا** انقلابی در این رابطه امری خنده آورو مضحک جلوه گر میشود. تحقق این شعار رفرمیستی تنها از طریق شیوه های رفرمیستی امکان بدیسر خواهد بود. **"خلع بد"** همان نامی است که **معاهدین** بر شعرا خود نهادند، بخوبی این مضمون رفرمیستی را به نمایش میگذارند. **ستار** - این روشن است که تحقق این شعار نه از طریق انقلاب، بلکه از طریق بندوبست هائی با جناح لیبرالها صورت گیرد، و با حداکثر توده های مردم، نه حول تفاد "پائین" و "بالا"، بلکه حول **تفاد میان دو جناح** ارتزیم بسج گردند.

شعار رفرمیستی "خلع بد" از یک جناح اذعان توده ها را نسبت به علت واقعی "و خامت اوضاع" در جامعه و "شرایط نامطلوب" به زندگی زحمتکشان منحرف میسازد، درک طبقاتی از مفهیم سرکوب را از آنها میگردیدک درک محدود لیبرالی را جا بگزین آن میسازد، آنها را از سنگبری در جهت کل نظام سیاسی حاکم، منحرف میسازد، و به سمت یک جناح معطوف میسازد، جا بجا شیوه قدرت در جها رجوب نظام سیاسی حاکم را "راه نجات جلوه میدهد و در چنین چهار چوبی" پهبودی اساسی در اوضاع و احوال را نویسد، شیوه های انقلابی مبارزه را از آنها بلت میکند، ایده سرنگونی قهرآمیز را از ذهن آنها میرزاد و شیوه های مسالمت آمیز و غیر انقلابی را در میان آنها تبلیغ میکند و شکل مسالمت آمیز انتقال قدرت را جا نشین آن می نماید. شعار "خلع بد" معاهدین، در واقع بساده کردن برتا مه لیبرالها در جهت کسب سهم بیشتر و بنا قدر و اقتدار و ایجاد انتظام و یکپارچگی در نظام سیاسی موجود است، چیزی که بیورژوازی برای غلبه بر بحران فعلی بشدت به آن نیاز دارد. در صورت تحقق چنین شعاری، بر بنده اصلی نه توده ها و نه معاهدین، بلکه لیبرالها بطور اخص و بیورژوازی حاکم بطور کلی خواهد بود. معاهدین در این مسرتنها آتن بنار سرکه خواهند بود، ولیبرالها، این رباکاران عرصه سیاست، در فرادای تحقق (فرضی) چنین شعاری معاهدین را، در صورتی که نخواهند سه مراتب و فادار بمانند، با نوک چکه زنا الهیستای "آزادخواه" خود، بکناری خواهند زد.

- (۱) - رجوع کنید به آخرین شماره ما حبه مسعود رجوی، در مورد سازمان ما، مجله شماره ۱۰۴
- (۲) - نقل مولیهای داخل کومه ار مقاله مزور است
- (۳) - استالین - درباره استراژی و تاکتیک
- (۴) - سورمانه "معاهد" شماره ۱۱۲ (با کداز ما ست)
- (۵) - همانجا - (با کداز ما ست)

ندین ترتیب زمانی که معاهدین تکامل قدرت سیاسی بلکه جناحی از آن، جناح "انحصار طلبان" را مسئول اوضاع فعلی و علت اصلی وضعیت "ناسا مان" گینونی معرفی میکنند، زمانیکه یک درک محدود لیبرالی از سرکوب را جا بگزین درک شبقائی و انقلابی از آن منما بند و آن را صرفا محدود به عملکرد یک جناح یعنی حزب **حمپه-سوری** اسلامی میکنند. بنا بر این درواشه طریق رهائی **زاده نجات** نیز میسازد "دفع شر" همین جناح را در سر لوجه سیاست خود ضار دهند و شعاریز گونی بیورژوازی حاکم را به مثابه **منابع نیروی اصلی** انقلاب و **علب اصلی** فلاکت و سرخوشی توده های تحت - ستیم، به دفع شعار رفرمیستی "خلع بد" از **سنگ** جناح ارتزیم، سرکه گویند، هر چند که این **سنگ** **گفتش** را تحت پوشش "تاکتیک مرحله های" ترتیب شماست. معاهدین میسازند: "تا وقتی این **حربان** حاکمیت انحصاری خود را بر غلبه نشونایت مملکت حفظ کند، هیچ پهبودی سیاسی در اوضاع و احوال بسا نخواهد شد و چشم انداز بیورژوازی تیره - برخواهند. بنا بر این برای بیرون آمدن از اوضاع و چشم گینونی، و تضمین آینده انقلاب پیش از هر چیز باید این منابع اصلی را از سر بیست رفت مملکت و انقلاب و پهبودی موروا و جامع بر طرف نموده به عبارت بسا بدیس از هر چیز بدست اساس **حربان** و ایادی و عوامل آسرا از سر - سر دم و مملکت کوتاه کرد. "... بنا بر این خلع بد از حزب حاکم و عوامل و ایادی انحصار طلب آن در **کلیه** توافقیهای کشور طرح نخستین اصلاح امور و تدابیر انقلاب و اولین قدم اساسی در **راه نجات** است. این صورت مرحله ای انقلاب است و بدون تحقق آن راهی بیروی خروج از اوضاع و خیم گینونی و غلبه بر خطرات و تهدید هائی که نتوجه انقلاب شده است نخواهد بود. (هما نجا) **خلع بد** از جناح انحصار طلب، و قطع دستهای آن از نشونات مملکت، همان شعاری است که رورسا مع انقلاب اسلامی، ارگان رئیس **حمپه-سور**، بسوژه در روزهای اخیر صراحت آن را مطرح کرده و میکنند. شعاری که بر اساس آن، یک جا بگشتی قدرت در جا رجوب نظام سیاسی و رژیم حاکم، میان دو جناح، بسود لیبرالها و به زبان جناح "حزبی" صورت منکرد. بنا همدین در حقیقت **شعرا** برتا مدای خود را عملاتا حد شعرا را و خواسته های برتا مدای لیبرالها در عرصه سیاسی، بسا بکسر کشیده اند. معاهدین "راه نجات" انقلاب را در "خلع بد" از حزب و لاجرم حفظ و بقای لیبرالها در قدرت مسا بند و لیبرالها سر بقای انقلاب" **سخوان** بقای سیستم حاکم را، در محدود کردن دامنه قدرت جناح **حزبی** و با حداکثر حذف آن از قدرت منسازد. **راه نجات** "معاهدین" با "راه نجات" لیبرالها در اینجا با یکدیگر تلاقی میکند و سر هم منطبق میشود.

روشن است زمانی که سرنگونی دولت مسالمت بیورژوازی ارتزیم مذخرف گرد و دوبه حذف **سنگ** جناح محدود گردد، در چگونگی این امر نیز شیوه



### "اعتراف" جمهوری اسلامی

بلندگوهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی روز شب داد میزند که کمبود ما بحتا مردم مناطق جنگ زده دروغی است که "فدائیانقلاب" (سخوان نیروهای کمونیست و انقلابی) "شایع کرده اند!" و ما ما ز فراوانی مواد غذایی و... دم میزنند و البته در این مورد "شاهد" هم دارند و گویا برای اثبات "ادعای خود" برادران یا سداو احمیا نارتنی مصالحه های تلویزیونی برآمی اندازند اما واقعیت چیست؟ سندیر صحت گفته های کمونیست را تا شنید می کنید (گرچه ما را به تا شنید ارتجاع نیازی نیست و واقعیت ها بهترین گواه بر صدق گفتار و عمل ما است).

ارتجاع در مکاتبات داخلی اش برای مقابله با "تاریخ عوامی" که در رخدود ما از آرزوگاری رژیم جمهوری اسلامی درخواهد آورد - وضع بد ارتجاع در خوزستان اعتراف میکند.

دیگر لیبرالهای خیانت پیشه به سر دستگاری بنی صدر، ما به سر خود زدن و به اصطلاح افشای مکتبی ها داد و فغان راه می اندازند که "بیت - العال" داره به تاراج میرود، اما کیست که نداند که تمامی این قراردادها از طریق بانک مرکزی انجام میگردد که رئیس آن "علیرضا نویری" از نورچشمی های بنی صدر میباشد. توده های آگاه بخوبی میدانند که هر دو جناح رژیم جمعه - صوری اسلامی با بستن این قراردادها از یک قطب - صرف و سرکوب مبارزات توده ها از طرف دیگر، بسرعت بندهای ضربه خورده و وابستگی را ترمیم کرده و نقش خود را در خدمت به امپریالیستها به بهترین صورت اجرا میکنند. اما جنبش توده ها اجازت نخواهد داد تا رژیم ارتجاعی حاکم همچنان به خیانتهای خود ادامه دهد. آری انقلاب زحمتکشان به این خیانتها و حیات رژیم حاکم پایان خواهد داد.

\*\*\*

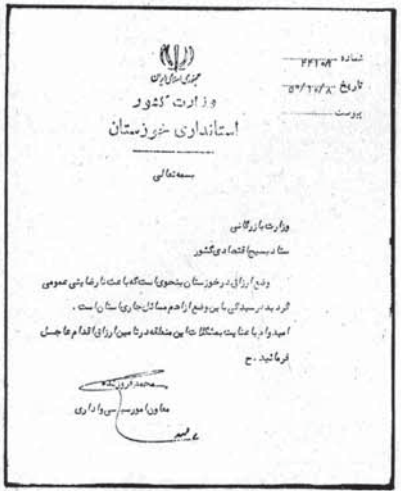
طبق اخبار رسیده حدود چند ماه پیش "تربیتی" رئیس سازمان قند و شکر ایران با نظارت رجائی و بهزاد نسیمی و با واسطگی یکی از دلالتان بین - المللی اقدام به خرید ۲۰۰ هزار تن شکر مینماید جالب اینکه این قرارداد هنگامی بسته میشود که قیمت شکر در بازارهای امپریالیستی بالا بوده و کارشناسان پیش بینی می نمودند که قیمت شکر بزودی پائین میاید. اما "تربیتی" مکتبی، با گرفتن رشوه از طرف معامله با بستن این قرارداد یک جا ۴۰ میلیون دلار به جیب فروشنده سرازیر میکند.

این معاملات پر سود با امپریالیستهای داخلی انجام میگردد که رژیم در خواست سود ویژه و عیدی از طرف کارگران و مبارزین و با داشتن از طرف کارمندان را خیانت به "انقلاب" و اسلام قلمداد میکنند و سرکوب آنها را "واجب شرعی" میدانند. از طرف

### زندانی سیاسی و شکنجه

زند، در کنار سرکوب نیروهای انقلابی نه تنها هیچگونه "مزا محتمل" برای سرمایه داران، خوانین فئودالها، مولوهای مرتجع و ساواکیها بوجود نیامده است، بلکه به همکاران و حمایت از آنها نیز پرداخته نشده است. وعده قلیلی را نیز که بعلت خشم و نفرت عمیق مردم از آنها دستگیر کرده بودند، مخفیانه آزاد کردند و جز این هم از این رژیم انتظار نمی رود آنها بیشتر ما نه به خانه های مردم میریزند و با تیراندازی، محاصره و ضرب و شتم، جوانان انقلابی را دستگیر میکنند، ما شین ها را در جاده ها نگهداشته و به تفتیش و بازرسی می - بردارند. انجمن های اسلامی را که در حقیقت، انجمن های جاسوسی رژیم هستند، در مدرسه، کارخانه و ادارات به راه می اندازند. آنها گاه حتی از دستگیری پدران، مادران و میهمانان و کودکان نیز باثباتی ندارند.

در اینجا قسمتی از سرفصله نبرد بلوچ شماره ۵ تحت عنوان "زندانی سیاسی و شکنجه" را درج میکنیم: درست از فردای قیام بتدریج که رژیم زبیریا خود را محکم میکرد، مردم نیز شاهد تیراندازیها و فساد زندانها، ساواها، گشتیهای مخفی و... بودند. ساختنهای ساواک توسط کمیته ها و سپاه پاسداران اشغال گردید. خانه گردی ها شروع شد کتابها و نشریات انقلابی ممنوعه گردیدند با ندهای فالانژ و تروریست به ترور، سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی پرداخته و خنود و خوچه های اعدام دوباره در میدانهای تیربیز شدند. ساواکیها که توسط مردم دستگیر شده و زندانها سپرده شده بودند نیز با تکریم و احترام و درخواستهای بتدریج آزاد شدند زندانها مجدداً از کمونیستها و انقلابیون مملو شدند و فرزندان انقلابی خلق مجدداً خود را در غل و زنجیر اسیر میدیدند. انواع و اقسام شکنجه های روحی و جسمی بکار افتاد. تحت عنوان "حشری" کابلها و شلاقهای سیمی مهنرنگین ارتجاع را بر پیکر استوار و پولادین انقلابیون میکوبیدند و با زهم میکوبند.....



**دختران مبارز در زندانهای رژیم**

۱۳۵۹/۱۰/۲۴ - در این روز ۱۸ تن از زندانیان سیاسی انقلابی بوسیله هواپیما از تهران به سنج منتقل گردیدند. این مبارزان که همه دختران جوان کمتر از ۱۶ سال بودند در حالی که دستهایشان در دست بند بود با بدنی ضعیف و رنجور و رنگ پریده که حاکی از شکنجه و شرایط طاقت فرسای ساواکیها و جمهوری اسلامی بود به زندان شهربانی منتقل گردیدند. با مشاهده وضعیت این دختران قهرمان که با مینی بوس از فرودگاه به زندان برده میشدند، چند نفر دست به اعتراض زدند که پاسداران در جواب القابی که زبینه همان "دختران زینب" میباشند تا این مبارزین نمودند و ادعا میکردند که هر کدام آنها چندی سدا را کشته اند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزین و انقلابیون کرد همچون دیگر نقاط ایران از هیچ جنایتی فرو - گذازمی کند. اما این رژیم نیز سرنوشتی بهتر از رژیم شاه جلاد نخواهد داشت.

(بنتل: زینبکا رگرددستان شماره ۶)

در طول ۶ ماه گذشته زندان ساوا پاسداران زاهدان (ساواک سابق) یکدم از نیروهای انقلابی خالی نبوده است، دستگیری کارگران و کارکنان آگاه بافت بلوچ، دستگیریهای متعدد دانش آموزان و دانشجویان انقلابی، دستگیری تعدادی از زحمتکشان مبارزان و... ما هیت فریب - کارانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را برای زحمتکشان منطقه آشکارو عیان نموده است. توهین و ضرب و شتم دستگیرشدگان که گاه پس از آزاد شدن نیز آزار و کبودی در صورتشان پدید است، بکار گرفتن انواع تهدیدها و شکنجه های روحی از جمله اعدامهای ممانعی، پراکنده نمودن زندانیان سیاسی در زندانهای مختلف، قراردادن آنها در سلولهای معنادین، جاقو - کشها و منحرفین جنسی همراه با ایذا و تضریقات و فشارهای گوناگون برای خانواده زندانیان مبارز و بازرسی های متعدد در هنگام ملاقاتها، از دیگر جنایات مزدوران رژیم در قبال زندانیان انقلابی است.

●●●

اعدامهای نمایی، شنیع ترین اعمال منافعی عفت با دستگیرشدگان و... حنا یا نسبی است که توسط رژیم با اصطلاح انقلابی و ضد - امپریالیست جمهوری اسلامی انجام میگردد. در بلوچستان نیز همراه با گسترش فعالیت نیرو - های انقلابی، رشد آگاهی توده ها و اوچگی - سری مبارزات آنها، موج وسیع دستگیریها و بگیر و ببندهای شیانها آغاز گردید و با وسع دوسیمی بخود گرفت. ترورهای متعدد، حمله به تظاهراتها و راهپیمائی های نیروهای انقلابی، دستگیری دانش آموزان و دانشجویان مبارزین با نسبی است که بارها توسط نیروهای انقلابی افشا شده و زحمتکشان منطقه در طول ۲ سال گذشته خود شاهد آن بوده اند.

جالب اینجاست که مزدوران رژیم که در منطقه عوامی مغربیا نه دم از مبارزه با خوانین می -

یادی از دورفیق شهید اسفندماه



به آرمان سرخ کونیست جوان رفیق شهید  
"حجت الله خوش کفا" وفاداریماتیم!

۲۵ اسفندماه سال گذشتها دت پیکار و کسر  
جوان رفیق حجت الله خوش کفا، این رهرو جوان  
راه رهاشی کارگران و زحمتکشان است.  
سال گذشته در چنین روزی رژیم جنایت پیشه  
جمهوری اسلامی چون همیشه به ترکوت نظام هرات  
کارگران پیکار را ندیمنک که برای کسب ابتدائی  
- ترسین حقوق انسانی یعنی کار با جماع کرده  
بود ندیپرداخت و آنها را وحشیانه به مسلسل  
بست. در این میان پیکار و کرجوان رفیق  
حجت الله خوش کفا بشهادت رسید.

رفیق که از دانش آموزان مبارز و انقلابی بود  
فرصت پیدا نکرد تا مدتی طولانی در راه رهاشی  
کارگران و زحمتکشان پیکار کند ولی آرمان  
سرخ و دانه سرفرازان مبارزین انقلابی  
خواهد درخشید.

به خون پاکش قسم میخوریم تا تمامی جلادان  
خلق را نابود نکنیم، تا سرمایه داری را ریشه کن

- رفیق احد جلالی گوار
- دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تبریز
  - مارکسیست لنینیست
  - عضو بخش منشعب از سازمان مهادین خلق
  - فعالیت انقلابی در بخش کارگری سازمان
  - دستگیری در زمستان ۵۵ هنگام اجرای یک  
قرارتشکلاتی
  - شهادت در اسفند ۵۵ در زیر شکنجه جلادان ساواک  
یادش گرامی و راه سرخ پیروز باد!

سازیم، تا آرمان سرخ او را بدو قیمت بدهد  
تکنیم بکدم آرام نخواهیم نشست.

تنگ و نغرت بر جلادان رژیم جمهوری اسلامی!  
پیروز باد راه سرخ شهیدان کونیست!  
سرفرازی جمهوری دمکراتیک خلق!  
۱۳۵۹/۱۲/۲۴  
سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار  
خوردستان

به یاد رفیق  
محمود ابلاغیان

در روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۲۱ مراسمی به  
مناسبت کرامت مدانت با دبیر کار شهید رفیق  
محمود ابلاغیان در زادگاه رفیق برگزار گردید  
در این مراسم ابتدا با زمان پیکار در راه  
آزادی طبقه کارگر - سروجرد خوانده ندوسیس  
شعری زبانه سا در رفیق رضا (کمال) سروده شده  
بود و با سازمان دانشجویان و دانش آموزان  
پیکار - سروجرد قرائت گردید. تعدادی اعلامیه  
سازمان سز در راه با اقدام حنا پیکار را نه حزب  
دمکراتیک بخش شد. قسمتی از پیکار ما زمان در رابطه  
با شهادت رفیق رضا ابلاغیان بدست حزب ضد-  
انقلابی دمکرات در سوکان جشن بود:

"آری ما و همزمانش مرده اند؟ نه، آنها در  
قلب تک تک کومونیستها، در قلب توده های زحمتکش  
و خلقهای ستمدیده ایران زنده اند. خون کاسک  
کمال در قلب هزاران بچه گردستانی، که از هم  
اکتون فنون رزم و علم رهاشی از ستم و استثمار را  
میا یوزند، جاری خواهد بود. ما به همراه ما سیر  
انقلابیون و کومونیستها، به همراه طبقه کارگر و  
خلقهای قهرمان ایران، مشتاق خونین و انقلابی  
خود را با خون کاک کمال تجدید میکنیم و سوگند  
ما دمیکسیم که تا آخرین قطره خون خود جز به  
آزادی طبقه کارگر و خلق قهرمان کونیدنیاند بنیم  
السلحه افتاده از دوش کاک کمالها را بسردوئ  
خواهیم گرفت و با تمام نواهاشان را ادامه خواهیم داد  
کرامی با دبا در فقای شهید رضا ابلاغیان - ظاهر  
ابراهیمان - ساقی خاظمی

هر چه رسوا تر با دوطبقه های خائسانه حزب دمکرات  
بر علیه زحمتکشان و سیر و هوای انقلابی و کومونیست  
بر توان تر با دجنش مفاومت خلقی کرد  
سرفرازی جمهوری دمکراتیک خلق  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - سروجرد  
۵۹/۱۲/۲۱

جاسوسی  
روزیونیستهای خان!

اطاق افراد مبارز و آگاه کون استاده اند.  
عوامل سیاه نرزینها بست در اطاقها، بخصوص  
اطاقهاشی که چراغمان روشن است، می ایستند  
و "استراق سمع" میکنند.  
ضمناً این روزها عوامل حزب جمهوری (که  
اداره خوابگاهها بدست دارند) مرتضی عکسهای  
کشته شدگان خودشان را به در و دیوار می جاسوسند

مدتی است که "توده ایها" مرتب علیه سازمان  
پیکار شعاری نویسدند. ما در یکی از توده ایها،  
تحت تاثیر پیرش نشریه "ندای آواره" را که در  
اطاقش انداخته بودند، به سبابتی (مسئول  
خوابگاه) داده است.

هواداران سازمان جریبکها (اکثریت) نیز  
دست در دست توده ایها و عوامل حزب جمهوری  
علیه انقلابیون جاسوسی میکنند. آنها پشت در  
اطاق افراد مبارز می ایستند تا از حرفهای آنها  
سوردرسیا ورنند. یک زن اکثریتی به تفصیلی  
دخترش، اکنون چند بار دیده شده اند که پشت در

آنها خصوص کسانی را که در گردستان کشته شده -  
اند، سببتر تبلیغ میکنند و قصد دارند یک جوفد  
خلق کرد در خوابگاه موجود ساز ورنند، ما واقعا  
کور خوانده اند. امروز بسیاری از زحمتکشان  
ما بی به خیالات رژیم در گردستان بوده اند.  
گردستان قلب سرخ انقلاب است، و مسائرات  
عادلانه و بحق کردها منت محکمی است که بردها  
غاریگران و خائشین به خلق کوبیده شده است.  
سنگل از ندای آواره با کمی تغییر  
نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر -  
تشکلات! صفهان شماره ۹

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

**"بیانیه مهم"  
خمینی،  
داروی مسکنی بیش نیست!**

# یادداشت‌های سیاسی هفت‌شنبه

**یادی از تکاور کمونیست،  
رفیق شهید ناصر فراهانی**



با ناسازگاری با اطلاع حاصل کردم که رفیق ناصر فراهانی افسر انقلابی و تکاور کمونیست در اواخر مهرماه ۵۹ در اثر اصابت ترکش خمپاره‌های ارتش ارتجاعی عراق در مرز شلمچه شهیدادت زنده است. رفیق ناصر در سال ۱۳۳۲ در خوی بدنا آمد و در همانجا به مدرسه رفت. او پس از مرگ پدرش که معلم بود برای تامین زندگی خود و خانواده‌اش در یکی از روستاهای نزدیک خوی به نگهداری گندوی عمل پرداخت و او از نزدیک با دردورنخ روستاشان در زمینکشان آشنا شد. ناصر بازی و نگاهوری را در ایران و انگلیس گذراند و پس از قیام بهمن ۵۷ به ایران برگشت. با وجود تبلیغات ارتجاعی و شستشوی مغزی رایج در ارتش شاه، بودند سربازان و کادوهای جوان ارتش که با شناخت ما همت یوسیده و ارتجاعی رژیم شاه و ارتش تابیدن مسلحت، دل در عشق زمینکشان گذاشتند و حاضر نشدند که ما گنه تفنگشان را برای کشتار رنده‌های زمینکشان بجای بدهیم. رفیق شهید ناصر با شخصیت و مبارزه فدائی شهید رفیق علیرضا نابدل به ما رگسیم لتیمیم گرایش پیدا کرده و در صدد شناخت سازمان‌های انقلابی ایران برآمد. او هرگز حاضر نشدند به "اطاعت کورکورانه" داده و در سرکوب زمینکشان و خلقهای ایران شرکت نماید. او در کنار تبلیغ انقلاب و شناختن ما همت یوسیده و ارتش ارتجاعی به سربازان و افسران جوان آنها راه می‌نمود. رفیق ناصر در ارتش جمهوری اسلامی از طریق شکل مخفی دردورنخ ارتش و یوسیده به سازمانهای کمونیستی دعوت می‌کرد. رفیق ناصر علیرغم فشار و اخراج از ارتش جمهوری اسلامی حاضر نشد در صفحه ۲۸

قدرت عمل می‌کرد. با آنجا که هر لحظه امکان حوادث سیاسی شده‌ای را میداد انتظار داشت. در چنین شرایطی موضعگیری شخص خمینی منسواست یعنی تعیین کننده‌ای داشته باشد و در همین رابطه حزبها انتظار دارند که با حمایت و پشتیبانی خمینی از آنها خریست را وادار به عقب‌نشینی کنند. اما ار همان ابتدا مشخص شد که خمینی علیرغم تمایل و کرایش عمومی اش نسبت به حزب ورهیری آن، در شرایط کنونی که کشور درگیر بحران عمیق اقتصادی و سیاسی و درگیر جنگی تمام عیار با رژیم عراق است و مهمترین آرزو ضرورت سرکوب جنبش توده‌ای که هر روز با عملاً بیشتری می‌باشد و با وجود وحدت هر چه بیشتر جناح‌های هیئت حاکمه است، قادر نخواهد بود از جناح حزب در قبال بنی صدر و لیبرالها دفاع کند و همانطور که انتظار صرفت، با لاجرم پس از فریب دوهفته‌گوت و در واقع پس از مشورت‌های پشت پرده و آشکارا با جناح‌های درگیر، با نتیجه مهم خود را شامل ۱۰ بند در روز ۲۶ اکتبر انتشار داد.

این بیانیه ضمن تأکید بر ضرورت با بیندگی به اصول قانون اساسی و پرهیز از اختلافات روی سکا-ت اساسی زیرکیه میکند:

- با آنکه در روی سمت فرماندهی کل فوانوسط شخص بنی صدر، موقعیت وی را در برابر سرحریفان حزبی که حاضر نبوده و نیستند بنا به مترتب این سمت را پذیرا شوند تقویت نمود و این خود دست بنی صدر را در شورای عالی دفاع که ریاست آنرا سرپرست می‌دهد و در همین در ارتش و سلسله مراتب آن با زیر می‌کنند و این همان چیزی است که سبب حزبها از آن خرسند نیستند و در واقع میتوان گفت که این سند از ما نتیجه نفع آنها نبوده است.

- تعیین هیات مرکزی از زمان بنده حزب، تمام بنده بنی صدر و ما بنده ما مکه وظیفه دارد موارد اختلاف دو جناح را مورد بررسی قرار داده و تصمیم‌گیری را اتخاذ کند. هر چند تاکنون تمام بنده ما مکه در شورای ۳ نفره تعیین نشده و، اگر چه ما جمال قوی کویس می‌نمود این تمام بنده از زمان صحبت‌های مورد قبول طرفین، اشخاص بود، معیندا میتوان از هم اکنون بنی بنی نمود که گرایش فرد مورد انتخاب با احتمال قوی منما بل به حزب جمهوری اسلامی خواهد بود و هم خواهد بود که ما سوجه به نقش تعیین کننده -

نفسه در صفحه ۲۹

بدن سال حادثه رورنخ سببه ۱۴ اکتبر در دستا که خود سبب عظمی در دستا ده‌های درونی رژیم و تنها جم‌لسرالیها به حزب جمهوری اسلامی بنما رصرفت. جناح رفیق سرحریف بنما بنوسا استغاده ارتجاعی از راه‌های قدرت و امکانات تبلیغاتی خود مدخله و سعی را آغاز نمود. بنی بنی مرد در قدرت و در پیش‌اندوان عالی کشور، رفیق سرحریف با ارتجاعی و در پیش مجلس شورای اسلامی و روحانی تحت وزیر، هر سبب سببه خود مدخله گسترده‌ای از علیه بنی صدر و لسرالیها آغاز کرد و بنا آنجا بنی رفیق سببه آسکا را سخن از مکه بنی صدر بنما آن سبب و موسوی اردبیلی، دادسان کل کشور که در ابتدا نخط عدم موضعگیری قاطع علیه بنی صدر از سوی رئیس مجلس آسکا را مورد استغاده و گرفتار بود کویس سبب بنما ارتجاعی تعیین شده‌ای که متخما حزب جمهوری اسلامی از ارتجاعی کرده بود، زمینه محکومت بنی صدر و طرفداران و سرحریف بنما بد.

در همین رابطه را دیو و دیو سرحریف بنما ارکان سلسله‌ای حزب از رئیس جمهور و ارتکابها و سبب‌دهانی که بنی صدر در سرحریف خود آنها را مورد استغاده و "خمینت" سیاسی آنها را لکه دار کرده است. دعوت نمودن سربازان و سبب سبب سرحریف بنی صدر از جهت روس‌دن آنها مساب و وارده ترک کند. حزب در نظر دارد با روردر و سرحریف دادن ارتکابها و سبب‌دهانی که خود رهبری آنها را در احسان دارد، در برابر بنی صدر و از نظر سبب سبب بنی صدر به دستمینی با ارتکابهای انقلاب، سرحریف بنی صدر را حالی نموده و سبب ضعف هر چه بیشتر وی و دیگر لسرالیها در صحنه قدرت سیاسی سردارد.

بنما سبب شخص بنی صدر با اعلام آمادگی خود جهت مبارزه با سرحریف بنی صدر و سرحریف - های اول حزب یعنی بنی و رفیق سرحریف، حزب را در محظوریت سبب قرار داده با آنجا که رفیق سرحریف تا گریز از جناح مبتدیان سبب در خواست سبب در حالی بود که بنی سرحریف حفظ "شوی" حزب، جناح بنما سبب دعوت را موقوف سرحریف بنی صدر و سرحریف بنی صدر در ۱۴ اکتبر نمود.

سرحریف بنی صدرهای حادثه ۱۴ اکتبر همچون خود بنی صدر در جهت شدید هر چه بیشتر سرحریف دو جناح رژیم و سرحریف بنی صدر در سرحریف ار

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست